

# بیتنا

אפק  
ביתנה



✳️ قانون ممنوعیت توهین به اقلیتها

✳️ برندگان نوبل ۲۰۲۰

✳️ یهودیان هندوستان

✳️ تاریخچه کنیسای زرگریان

✳️ گفت و گو با شلمو عاقلیان

✳️ ازدواج و فرزند پروری



نوروز و بهار آزادی (پسح)  
بر همکیشان و هموطنان عزیز  
خجسته باد

חג שמחה





فرهنگی - اجتماعی - خبری  
ارگان انجمن کلیمیان تهران

سال بیست و دوم - شماره ۵۴

زمستان ۱۳۹۹ شمسی

آدار 5781 عبری

مارس 2021 میلادی

صاحب امتیاز: انجمن کلیمیان تهران

مدیر مسئول: دکتر همایون سامه‌یح

سر‌دبیر: فرانک عراقی

مدیر اجرایی: نسترن جاذب

همکاران این شماره به ترتیب حروف الفبا:

آرش آبائی - آتوسا آرمین - آرش آرمین - سیما اخلاقی  
شرگان انورزاده - نیوشا پایاب - نسترن جاذب - رحمن دلرحیم  
لیورا سعید - المیرا سعید - امید شایان‌مهر - مردخای امین شموئیلیان  
فرزاد طویبان - فرانک عراقی - فرینوش لازار - امید محبتی مقدم  
مهران ملک - دوریتا معلمی - الهام مؤدب - امیرفرزاد نعیموت  
مرجان یشایایی و مؤدبه یمینیان .

ویراستاران: آرش آبائی - فرانک عراقی

حروف چینی و صفحه‌آرایی: نسترن جاذب

طراحی جلد: مردخای امین شموئیلیان

نشانی نشریه: تهران - خیابان شیخ‌هادی - شماره ۲۲۳ - طبقه سوم

کد پستی ۱۱۳۹۷-۳۳۳۱۷

تلفن: ۶۶۷۰۲۵۵۶ - ۶۶۷۱۶۴۲۹ - نمابر

نشانی الکترونیکی: [bina126@iranjewish.com](mailto:bina126@iranjewish.com)

پایگاه اینترنتی: [www.iranjewish.com](http://www.iranjewish.com)

کانال نشریه: @ofiq\_bina

◆ نشریه در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است .

◆ نقل مطالب از نشریه با ذکر منبع و نویسنده بلامانع است .

عکس روی جلد: عکس روی جلد نمایی از داخل کنیسه‌ی زرگریان « با تشکر از یوسف ستاره شناس»

افق بی‌نا - אפוק בינה - در عبری به معنای چشم‌انداز آگاهی و بصیرت است

- سخن سردبیر: بیم و امید / فرانک عراقی / ۲
- سرمقاله: شروط ضمن عقد / دکتر همایون سامه‌یح / ۳

#### \* گزارش و مصاحبه

- آتشی از سوز عشق در دل داود بود / فرانک عراقی / ۴
- ازدواج و فرزندپروری / الهام مودب / ۷

#### \* فرهنگی، اجتماعی، روانشناسی

- فصل فاصله‌ها / لیورا سعید / ۱۲
- از کرونا تا زلیخا آباد / دوریتا معلمی / ۱۴
- گذری بر تاریخچه کنیسه‌ها «کنیسه‌ی زرگریان» / مهران ملک / ۱۵
- آرنت: بزرگ‌ترین جنایت، نیندیشیدن است / مهندس آرش آبائی / ۱۷
- یهودیان هندوستان / سیما اخلاقی / ۱۹
- آشنایی با مشاهیر یهود جهان «دیوید کاپرفیلد» / نیوشا پایاب / ۲۲
- یهودیان یزد / الهام مودب / ۲۴
- بررسی مقابر منسوب به پیامبران بنی‌اسرائیل در ایران / یاسمن غنی / ۲۸
- معلم سایه لطف خداست / رحمن دلرحیم / ۳۴
- برندگان نوبل ۲۰۲۰ / آرش آبائی / ۳۵
- رونمایی مجازی از آثار جدید / ۳۶
- زبان و گویش یهودیان همدان / نسترن جاذب / ۳۷
- قدیمی‌ترین کنیسه‌های قاره اقیانوسیه / فرینوش لازار / ۳۹

#### \* ادب و هنر

- اینجا هنوز هم جای ماندن است / المیرا سعید / ۴۱
- آقا یونس / شرگان انورزاده / ۴۳
- چقدر باید بگذرد / سحر بروخیم / ۴۳
- گفت و گوی صوفی - یهودی «معرفی کتاب» / آرش آبائی / ۴۴
- جایگاه حقوقی غیرمسلمانان در فقه شیعه «معرفی کتاب» / لنا دانیالی / ۴۵
- موسی و گرشاسب، اردشیر و هرود «معرفی کتاب» / ۴۶

#### \* طنز

- این کت صاحب مرده من چی شد؟! / رحمن دلرحیم / ۴۷
- ما رو دور ننداز / ۴۸

#### \* تغذیه

- نقش ویتامین D در تقویت سیستم ایمنی / مؤدبه یمینیان / ۴۹

#### \* حقوقی

- حقوق خانواده / امیرفرزاد نعیموت / ۵۲

#### \* اخبار و گزارشات

- اخبار / مهندس امید محبتی مقدم / ۵۴
- گزارشی از روند تولید مصا / موسی ثانی / ۶۱
- ابلاغ قانون ممنوعیت توهین به اقلیت‌ها / ۶۳



کهن سخن سردبیر

## بیم و امید

فرانک عراقی  
کارشناس ارشد (روزنامه نگاری)

بهار، فصل زیبای طبیعت در راه است. فصل نو شدن و دگرگونی... اما دو بهار است که شبیه بهارهای گذشته نیست. تقریباً یک سال از اعلام رسمی ورود کرونا به ایران گذشت، یک سالی که با بیم و امید سپری شد. چه عزیزانی که متأسفانه و ناباورانه خانواده‌هایشان را ترک کردند و رفتند. عده‌ای نیز با این بیماری دست و پنجه نرم کردند و عاقبت پیروز شدند، تعدادی نیز در هراس واگیری همه‌ی رفت و آمدهایشان را محدود کردند... اما خوشبختانه چندی است چراغ امیدی روشن شده است. با ساخت واکسن و شروع واکسیناسیون در سایر کشورها خوش‌بینی‌ها جان گرفته که می‌توان این بیماری را ریشه کن کرد.

در ایران اما با شروع موج چهارم کرونا و شیوع گونه‌ی جدیدی از آن، این بیم و امیدها بیشتر جان گرفته است. خوشبختانه به زودی واکسیناسیون در ایران نیز شروع خواهد شد و زندگی دوباره روال عادی خود را باز خواهد یافت.

چندی پیش مطلب طنزی در یکی از صفحات اجتماعی دیدم که توجهم را جلب کرد: آموزش نحوه‌ی دست دادن با دیگران و در آغوش گرفتن عزیزان ... گویی که خاطره‌ای فراموش شده است...

طنز تلخی که یک سال است گریبانمان را گرفته و حسرت آن را داریم. در آغوش گرفتن عزیزان حالت خاطره به خود گرفته و حتی عده‌ای ابتکار به خرج دادند و سبک‌های خاص برای جبران آن اختراع کردند. لباس‌های خاص، پرده‌های نایلونی مخصوص، دستکش و ماسک‌های عجیب و جالب. حتی دیدارهای خانوادگی و دوستانه نیز بیشتر در فضای مجازی صورت می‌گیرد، اما شوق دیدار دوستان و عزیزان همیشه شعله‌ور باقی خواهد ماند.

این که آزادانه و مثل گذشته‌ها از با هم بودن و کنار هم بودن لذت ببریم چندان هم دور نخواهد بود، فقط اندکی صبر و همت می‌خواهد. ■





## شروط ضمن عقد

دکتر همایون سامعی

رئیس انجمن کلیمیان تهران

همانطور که می‌دانید متأسفانه تعداد درخواست طلاق در جامعه ما آمار بالایی دارد که خود می‌تواند نشانگر کم توجهی همکیشان به تذکرها و راهنمایی‌های مسئولان جامعه در مورد مشاوره و آموزش‌های پیش از ازدواج و دقت در مورد انتخاب همسر باشد. در اینجا هدف من نگارش مطالب تکراری نیست ولی بر خود لازم می‌دانم که اطلاعاتی در مورد قوانین مربوط به طلاق که جزو احوال شخصیه است ارایه دهم.

در قوانین دین یهود طلاق به صورت یکطرفه یعنی بنا به رضایت زوج یا زوجه و عدم رضایت دیگری و همچنین طلاق غیابی وجود ندارد، مهریه عندالمطالبه نیست و فقط در هنگام جاری شدن صیغه طلاق و یا فوت زوج به زوجه تعلق می‌گیرد. از طرفی برخی از افراد با انتخاب وکلایی که با قوانین ما آشنایی ندارند دچار سردرگمی شده و با مشکلات بسیاری روبرو می‌شوند و چه بسا یک پرونده طلاق پس از بیش از ۱۰ سال به سرانجام نرسیده و زوجین به دور از هم و در وضعیت بلاتکلیف زندگی می‌کنند.

در سند ازدواج کشوری با درج جمله «طبق قوانین حضرت موسی کلیم الله» دیگر هیچ یک از شروط ضمن عقد به امضا نمی‌رسد، چرا که اغلب آنها با قوانین شرعی منافات دارد. به‌عنوان مثال در صورت غیبت بیش از شش ماه، حکم زندان بیش از ۵ سال، اعتیاد، بیماری صعب‌العلاج و جنون، سوءرفتار (در همه موارد، زوج)، منع اشتغال زوجه از سوی زوج و ...، زوجه حق طلاق پیدا می‌کند و در صورت اثبات، دادگاه حکم طلاق را صادر می‌نماید. ولی در قوانین ما چنین روندی غیر شرعی است چرا که لازم است در صورت درخواست طلاق، هر دو طرف توافق داشته باشند. اما به‌نظر می‌رسد که می‌توان شروط ضمن عقد دیگری را در سند ازدواج قید نمود که مخالف با قوانین شرع یهود نیز نباشد. به‌عنوان مثال در صورت اثبات اعمال خشونت فیزیکی یا روانی زوج یا زوجه به طرف مقابل یا عدم پرداخت نفقه، عدم انجام وظایف زناشویی و یا موارد دیگر، طرف مقصر باید مجبور به پرداخت مبالغ بالایی به‌عنوان جریمه بشود تا خود اعمال فشاری جهت پیشگیری، اصلاح و یا در صورت نیاز تسهیل روند طلاق گردد. بهتر است که این شرایط قبل از اعلام نامزدی، در قرارداد شطار به صورت رسمی قید گردد و دفترخانه نیز ملزم است که شرایطی که در تضاد با شرع نباشد را ثبت نماید. امید است که شاهد اختلاف زوجین در جامعه نباشیم، ولی احتیاط شرط عقل است. ■

# آتشی از سوز عشق در دل داود بود...

گفت و گو با شلمو عاقلیان هنرمند اصفهانی

فرانک عراقی

کارشناس ارشد روزنامه نگاری

شلمو عاقلیان، هنرمند جوان و برجسته‌ی همکیش، ساکن شهر اصفهان، نصف جهان است. چندی پیش با خبر شدیم شلمو موفق به کسب مقام سوم در بخش موسیقی دستگاهی ایران در چهاردهمین جشنواره موسیقی جوان شده است. ایشان علاوه بر نواختن سازهای ایرانی از صوت زیبای داودی نیز برخوردار است. حدوداً دو سال پیش در جمع همکیشان برنامه‌ای با حضور این هنرمند برگزار شد که مورد استقبال قرار گرفت و این برنامه سبب آشنایی با ایشان شد، اما موفقیت او در جشنواره دست مایه‌ای برای این گفت‌وگو شد. چهاردهمین جشنواره‌ی ملی موسیقی جوان با مشارکت گسترده‌ی استادان موسیقی ایران، با همکاری بنیاد رودکی و حمایت دفتر موسیقی و معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سه بخش موسیقی دستگاهی ایران، موسیقی کلاسیک و موسیقی نواحی ایران برگزار شده است. در ادامه توجه شما را به این گفت‌وگو جلب می‌کنم.



• درود بر شما. ضمن تبریک و تهنیت خدمت شما، به عنوان اولین سوال کمی از خودتان برای آشنایی بیشتر خوانندگان ما بگویید.

شلمو عاقلیان هستم، در سال ۱۳۷۳ در شهر اصفهان به دنیا آمدم. دو خواهر دارم که از من کوچک‌تر هستند. ازدواج کرده‌ام و به امید خدا به زودی منتظر اولین فرزندم هستم. مقاطع ابتدایی و راهنمایی را در مدارس شیخ‌زاده هراتی و اندیشه گذراندم. مقطع دبیرستان را هم در رشته‌ی ریاضی-فیزیک در مدرسه‌ی شیخ‌زاده هراتی به اتمام رساندم.

در دانشگاه نیز در رشته‌ی مهندسی برق، گرایش الکترونیک موفق به اخذ مدرک کارشناسی شدم.

• از چه زمانی به موسیقی علاقمند شدید و شروع به نواختن ساز کردید؟

من ضمن تحصیل از سن ۸-۷ سالگی به موسیقی علاقمند شدم. پدربزرگ مادری و پدری من هر دو به موسیقی علاقمند بودند. دایی من نوازنده‌ی تنبک در سطح عالی هستند. ایشان دوره‌های دوستانه‌ای با حضور دوستان هنرمندشان که در هنرستان موسیقی تحصیل می‌کردند برگزار می‌کردند و من هم در این جمع شرکت می‌کردم و کم‌کم علاقمند شدم. وقتی ۸-۷ ساله بودم تلویزیون

اصفهان فیلمی ساخت به نام آتش دل که از شبکه دوم سیما هم پخش شد. روی تیتراژ پایانی فیلم تصنیفی بود که استاد علی اصغر شاه زیدی از استاد تاج اصفهانی بازخوانی کرده بود. گرمی صدای ایشان مرا تکان داد. هر وقت فیلم پخش می‌شد من با آن زمزمه می‌کردم. رفته رفته بیشتر به موسیقی و خواندن علاقمند شدم.

• آیا فرد دیگری نیز در خانواده‌تان موسیقی کار می‌کند؟

دایی من شارون سپارزاده در سطح عالی تنبک می‌نوازد و من در خدمت ایشان تنبک‌نوازی و ریتم‌ها را آموختم. در واقع ایشان بود که این جرقه را در من به وجود آورد. تصنیف‌خوانی را هم با تنبک انجام می‌دادم. این روش و





من ضمن تحصیل در دانشگاه همچنان آواز را ادامه دادم و به کلاس سنتور هم می‌رفتم. چند سال پیش هم تدریس تنبک را شروع کردم و همچنان نیز در حال یادگیری هستم.

• **مشوق‌های شما در موسیقی چه کسانی بودند؟**  
همه‌ی خانواده مشوق من بودند. پدر و مادرم مرا حمایت کردند و لطف زیادی داشتند. پدر بزرگ و مادر بزرگ-ها از بچگی و خصوصا دایم بیشترین تاثیر را روی من داشت و باعث ادامه دادن هنرم بود.

• **آیا با گروه موسیقی خاصی همکاری می‌کنید؟**  
خیر با گروه خاصی همکاری نمی‌کنم. اما با چند تن از دوستان گروهی تشکیل داده بودیم که فعلا وقفه افتاده و هرکسی مشغولیات خودش را دارد.

• **برای آینده‌ی خود در موسیقی چه برنامه‌ای دارید؟**

برای آینده هر چه خیر است و پیش بیاید. اما امیدوارم بتوانم با ارکسترهای بزرگ همکاری کنم و رتبه‌های بالاتری کسب کنم. تدریس در دانشگاه هم جزو برنامه‌های من هست اما در کل به قول حضرت حافظ:

در طریقت هر چه پیش سالک آید خیر اوست...  
• **این‌که اهالی اصفهان صدای خوبی دارند واقعا علتش چیست؟**

چندی پیش فیلمی دیدم به نام گوشه‌های اصفهان. در آنجا یکی از اساتید دانشگاه می‌گفت یک سری از لحن‌های آوازی فقط از حنجره اصفهانی‌ها در می‌آید. ویژگی جغرافیایی، آب و هوا، زاینده رود، معماری اصفهان، پایتخت

روال تا ۱۴-۱۳ سالگی ادامه داشت. خواهرانم هم کمی ساز می‌زنند و تنبک و سه‌تار می‌نوازند اما به طور جدی ادامه ندادند.

• **تا کنون چه جوایزی گرفته‌اید؟ آیا در جشنواره هم شرکت کرده‌اید؟**

در مقطع راهنمایی که بودم روزی فراخوان دادند کسانی که سازی را بلد هستند ثبت نام کنند تا یک گروه موسیقی تشکیل بدهیم. تست دادم و قبول شدم. چند بار هم در جلسات مهم مدرسه من هم‌نواز تنبک بودم اما به طور جدی دو بار در جشنواره شرکت کردم. سال گذشته تقدیرنامه دریافت کردم و امسال هم توانستم مقام سوم را کسب کنم.

• **در چه سازهایی تبحر دارید؟**  
ابتدا با تنبک شروع کردم اما در ۱۴-۱۵ سالگی به سنتور نوازی هم علاقمند شدم. در حوزه‌ی هنری هم ثبت‌نام کردم و در خدمت استاد بهمن بابایی، انسانی با اخلاق و هنرمند وارسته، سنتور آموختم ولی به علت حجم درس‌ها فعالیت کمتری می‌کردم. سعی می‌کردم نزد اساتید دیگر هم تنبک‌نوازی را ادامه دهم. امروز هم همچنان به یادگیری ادامه می‌دهم.

• **چه طور خوانندگی را شروع کردید؟**  
در سال ۱۳۹۱، من هنرجوی حوزه‌ی هنری بودم. مراسم چهلم استاد حسن کسایی (نوازنده‌ی نی) در اصفهان بود. آقای لطفی مراسمی به یاد این هنرمند برگزار کردند که هنرمندان زیادی در آنجا حضور داشتند. در آنجا استاد شاه زیدی را دیدم و از ایشان خواهش کردم در کلاس‌های آوازشان شرکت کنم. اول قبول نمی‌کردند و گفتند من شاگرد مبتدی قبول نمی‌کنم و شاگردانم محدود هستند. راستش تصمیم گرفتم اگر قبول کردند که هیچ اما اگر قبول نکردند من هم دیگر این هنر را رها کنم. خوشبختانه قبول کردند که من تست بدهم. در پایان کلاس با نی نوازی ایشان قطعه‌ای را اجرا کردم که بسیار مورد توجه ایشان قرار گرفت و گفتند از هفته‌ی آینده می‌توانم در کلاس‌ها شرکت کنم. این خاطره همواره به عنوان یک افتخار در زندگی من باقی خواهد ماند.

شلمو عاقلیان در کنار استاد شاهزیدی



وجه را در نظر گرفت. یکی معنی تفیلا که خیلی مهم است. استغاثه است، سپاس و شکرگزاری است، شادی است، مدح خداوند است... باید معنی و مفهوم آن را دانست تا با توجه به آن آوازش را درست اجرا کرد. در نیایش‌های «سلیحوت» این مسئله قوی‌تر است و می‌توان بیشتر روی آن کار کرد. زبان و حالت دستگاه و گوشه‌ها بسیار مهم است که تاثیرگذار باشد. انسان بعد از سال‌ها خواندن و تجربه، متوجه می‌شود تمام احساس و خلوص نیت در خواندن این متون مذهبی بسیار مهم است و آن کار قشنگ‌تر در می‌آید.

استاد شاه زیدی همیشه می‌گویند بعد از داشتن صدای خوب و علم موسیقی و مهارت برای یک خواننده، آنچه که اهمیت دارد و در واقع روغن جلالی یک آواز هست، عشقی هست که از وجود خواننده نثار شنونده می‌شود و اگر چنین عشقی نباشد، آواز به دل نمی‌نشیند و تاثیر خود را نمی‌گذارد. در مصاحبه‌ای که از ایشان منتشر شده آمده است: «هنر موسیقی دل پاک می‌خواهد، قلبت باید برای مردم بتپد و باید از اساتیدت به نیکی یاد کنی.» امیدوارم من نیز بتوانم این مسائل را به کار برده و رعایت کنم.

• **از وقتی که در اختیار من گذاشتید بسیار سپاسگزارم و امیدوارم همواره در راهی که در پیش دارید موفق‌تر از گذشته باشید.**

من هم از شما تشکر می‌کنم، موفق و تندرست باشید. ■

بودن اصفهان در چند دوره و... هر کدام موثر هستند. در مورد یهودیان اصفهان هم می‌بایست گفت که ما از نواده‌های داود خوش الحان هستیم و به قول یونا دردشتی که از سعدی شیرین سخن نقل کرده‌اند:

آتشی از سوز عشق در دل داود بود

تا به فلک می‌رسد بانگ مزامیر او

• **در مورد موسیقی فعلی نظر تان چیست؟**

متأسفانه موسیقی از حمایت لازم برخوردار نیست. زمانی برنامه‌ای بود به نام گل‌های موسیقی که از رادیو پخش می‌شد. برنامه‌ی پر محتوایی بود و هنرمندان در آن به هنرنمایی می‌پرداختند و طرفدار زیاد داشت. امروز چنین برنامه‌ای وجود ندارد.

یکی دیگر مسائل اقتصادی است که بر موسیقی خواه ناخواه تاثیر می‌گذارد، مردم آن آرامش خاطر را برای دنبال کردن موسیقی ندارند. در مورد نوازنده‌ها هم باید بگویم سرعت، دستمایه‌ی اجراها شده، حس و حال قطعات ناب کمتر به گوش می‌رسد. هنرمندانی مثل پرویز یاحقی، معروفی، همایون خرم، بیژن ترقی، معینی کرمانشاهی و... دیگر نیستند که ترانه‌ای ماندگار بگذارند. تصنیف‌های قدیمی با توجه به غنای محتوایی و سبکی که داشتند هنوز در یادها مانده است. خلوص نیت هم کم شده، موسیقی امروز نه آنقدر مایه‌دار و با اصالت است که در یادها بماند و نه گوش سالمی برای موسیقی اصیل به جای مانده است.

• **الگوی موسیقی و آواز شما چه کسی بوده است؟**

استاد علی اصغر شاه زیدی الگوی من بوده‌اند که خود ایشان هم از استاد تاج اصفهانی الگو داشته‌اند.

• **می‌دانم که تفیلا (نمازهای روزانه و قرائت**

**تورات را هم در دستگاه‌های ایرانی اجرا می‌کنید. کمی از چگونگی این کار بگویید.**

اولین بار در ماشین یکی از دوستان قرائت متن «پاتح الیاهو» را با صدای دردشتی شنیدم که از آواز بیات اصفهان شروع کردند، با دستگاه شور ادامه دادند و دوباره با بیات اصفهان تمام کردند. خیلی به آن آواز علاقمند شدم و تفیلاها را با آهنگ و آواز اجرا کردم. در این مورد باید چند





## ازدواج و فرزند پروری آگاهانه

الهام مودب  
مترجم زبان انگلیسی

لیورا سعید؛ کارشناس ارشد روانشناسی، متخصص در زمینه‌ی آموزش مهارت‌های زندگی، فرزند پروری و درمان اختلالات کودک و نوجوان است. او با داشتن مجوز از سازمان نظام روانشناسی و مشاوره، از سال ۱۳۸۱ تاکنون مشغول آموزش، مشاوره و درمان در مراکز و کلینیک‌های روانشناسی وابسته به سازمان نظام روانشناسی و بهزیستی است.

رابطه‌ای، مالی، جسمی و روانی، بچه‌ی دیگری می‌خواست اما زن راضی نبود و نگران مسائل اقتصادی جامعه و آینده بود، به همین دلیل تمام جنبه‌های زندگی‌شان تحت تاثیر قرار گرفته و ارتباط بین‌شان تنش‌زا شده بود.

حتی مواردی را مشاهده کرده‌ام که بین زن و شوهر و خانواده‌هایشان برای انتخاب اسم نوزاد یا نحوه‌ی برگزاری مراسم مذهبی نوزاد (ختنه سوران) کشمکش وجود دارد. درست است که جوانان قبل از ازدواج معمولاً در این زمینه‌ها صحبت نمی‌کنند، اما زوج‌هایی که مهارت حل مسئله را ندارند، به خانواده‌هایشان اجازه‌ی دخالت و ورود به مسائل شخصی‌شان را می‌دهند. البته صحبت و توافق نکردن بین خودشان پیش از به دنیا آمدن بچه، باعث این ناسازگاری‌ها و دعوای می‌گردد.

• **زوج‌هایی که می‌خواهند مسئولیت والد شدن را بر عهده بگیرند چه ویژگی‌ها و آمادگی‌های روانشناختی باید داشته باشند؟**

به گفته‌ی ناپلئون، فرزند را باید بیست سال پیش از تولد تربیت کرد. والد شدن صرفاً انتقال ژن‌ها، زنده نگه داشتن نام خانوادگی و لذت بردن از بچه نیست؛ فرزندآوری، فرزندپروری است یعنی کسانی که پدر و مادر می‌شوند، مسئولیت پرورش و رشد ابعاد اخلاقی، اجتماعی، عاطفی و ... فرزندان‌شان را به عهده دارند. به دلیل داشتن این وظیفه، باید سلامت روانی داشته باشند؛ کسی از نظر روانی سالم است که نه تنها اختلال روانشناختی و شخصیتی ندارد بلکه

• **پیش از ازدواج چه مواردی در خصوص فرزندآوری باید مطرح شود و به توافق رسید؟**

زوجین حداقل باید در خصوص بچه‌دار شدن یا نشدن نظر یکدیگر را جویا شوند و به توافق برسند، تا اگر زوجی اصلاً تمایل به بچه‌دار شدن ندارد، موجب بروز مشکلات اساسی در زندگی مشترک نشود. سپس تعداد فرزندان، زمان بچه‌دار شدن و فاصله‌ی بین کودکان را مطرح کنند. البته بسیاری از جوانان پیش از ازدواج در مورد فرزندآوری صحبت‌های جدی با هم نمی‌کنند یا آن را به شوخی با هم در میان می‌گذارند؛ اما بهتر است حداقل پس از ازدواج و پیش از بچه‌دار شدن، در خصوص این مسائل تصمیم‌گیری‌های جدی‌تری داشته باشند.

• **اگر این مسائل مطرح نشوند، پس از ازدواج ممکن است چه مشکلاتی پیش آید؟**

اگر در مورد این حداقل‌ها صحبت و توافق نشود، بسیاری از تصمیم‌گیری‌های ریز و درشت سر راه زوج قرار می‌گیرد. به عنوان مثال ممکن است یکی بخواهد بچه‌دار شود و آن یکی اصلاً تمایلی به بچه‌دار شدن نشان ندهد. یا این که یکی از زوجین می‌خواهد پس از ازدواج فوراً بچه‌دار شوند اما دیگری توجیهاتی داشته باشد که در آن زمان بچه‌ای نیاورند. این مسئله در مورد بچه‌ی دوم یا سوم هم صدق می‌کند. مواردی را دیده‌ام که زوجها برای تصمیم‌گیری در خصوص بچه‌ی دوم مشکل داشتند؛ به عنوان مثال مردی با در نظر گرفتن تمام جنبه‌های

استرس، مدیریت خشم و مدیریت خلق منفی، تفکر خلاق، تفکر نقاد، حل مسئله و تصمیم‌گیری.

من همیشه به مراجعین چه زن و چه مرد، می‌گویم این مهارت‌ها را برای خودت یاد بگیر. همسر و بچه اولویت دوم و سوم زندگی تو هستند. اگر تو مهارت خوب زندگی کردن را بلد باشی، هم قادر خواهی بود از زندگی خودت لذت ببری هم می‌توانی با دیگران خوب رفتار کنی و تاثیر مثبتی روی همسر و بچه‌هایت بگذاری. پدری که مدیریت خشم ندارد، هم الگوی نامناسبی برای فرزندان است و هم با خشم‌های گاه و بی‌گاه و مهار نایافته‌ی خود، به روان کودکانش آسیب می‌زند که درمان آنها زمان بر و پرهزینه است؛ تازه اگر متوجه مشکلات فرزند خود شده و برای آن اقدامی صورت دهند! یا مادری که مهارت حل مسئله ندارد، در برخورد با اتفاقات کوچک و بزرگ زندگی نمی‌داند چگونه فکر کند و تصمیم بگیرد؛ یا به اشتباه، مسائلی را با افراد ناوارد در میان می‌گذارد. او نه تنها مشکل خود را برطرف نمی‌کند بلکه نمی‌تواند این مهارت را به بچه‌هایش آموزش دهد.

#### • چند وقت پس از ازدواج توصیه می‌شود افراد صاحب فرزند شوند؟

زوج‌ها پس از ازدواج زمانی را لازم دارند که با خصوصیات و رفتارهای همدیگر به خوبی آشنا شوند. از چالش‌هایی که عموماً در سال‌های ابتدایی زندگی مشترک‌شان به وجود می‌آید و پختگی لازم برای مواجهه با آنها را ندارند، عبور کنند. به ثبات نسبی برسند. آنها باید بتوانند با یکدیگر کنار بیایند و از عهده‌ی خود و مسئولیت‌های خود در قبال زندگی مشترک و طرف مقابل بر آیند، سپس فرد دیگری را وارد زندگی کنند. بر اساس نظر کارشناسان ازدواج و کارشناسان کودک، معمولاً ۲ سال فرصت خوبی است که این امر محقق شده، زوجین خودشان را در زندگی مشترک نشان دهند. این توصیه به ویژه برای دختران و پسرانی است که در سنین پایین‌تر زندگی مشترک را شروع می‌کنند. البته علاوه بر مسائل ذکر شده، زوج‌ها برای بچه‌دار شدن با توجه به شرایط جسمی و روانی هر

سلامت روان نیز دارد. چنین فردی دارای خودآگاهی، منطق، ارتباط مثبت با دیگران، استقلال و خودمختاری، احساس کفایت و شایستگی و همچنین احساس آزادی انتخاب است.

درست است که همین ویژگی‌ها و آمادگی‌ها برای شروع زندگی مشترک هم لازم است، اما به دلایلی که اشاره کردم برای فرزنددار شدن مهم‌تر است. متأسفانه بعضی از دختران و پسران و خانواده‌ها پیش از ازدواج، چنین مواردی را به دقت در فرد مقابل بررسی نمی‌کنند. سپس طی زندگی مشترک با رفتارهای ناهنجاری از همسرشان مواجه می‌شوند. گویی با فرد جدیدی آشنا شده‌اند. این موضوع در ادامه نه تنها به خود و ارتباط‌شان آسیب می‌زند بلکه روی فرزندپروری‌شان هم به شدت اثر می‌گذارد.

به عنوان مثال مردی که مسئولیت‌پذیر نیست پدر منفعلی هم خواهد بود و در اکثر مسائل زندگی مشترک و فرزندان و تصمیم‌گیری‌ها شرکت فعال ندارد و خود را در حاشیه نگه می‌دارد. در نتیجه تمام کارها و تصمیم‌ها به زن واگذار می‌شود. این مورد بسیار مهم که در نظر زن پیش از ازدواج دیده نشده یا کم اهمیت تلقی شده، طی زندگی مشترک و در ارتباط با تربیت بچه‌ها، بسیار پررنگ می‌شود. در نتیجه باعث می‌شود زن خسته، بیمار، افسرده، شاک و غرغرو شود و الگوی نامناسبی نیز به کودکان به خصوص پسر بچه‌ها ارائه می‌شود. یا مثال دیگر، زنی که دچار اختلال وسواس از هر نوع (شستشو، چک کردن، قرینه‌گی یا ...) است و مرد در زمان آشنایی با او متوجه این مسئله نشده یا آن را کم اهمیت دانسته، بعد از ازدواج وارد میدان جنگی تمام نشدنی می‌شود؛ او نه تنها در این زندگی مشترک آرامش ندارد، بلکه این اختلال را از طریق زن‌ها و تربیت سخت‌گیرانه‌ی مادری وسواسی به فرزندانش منتقل خواهد کرد و افرادی همیشه مضطرب تحویل آینده خواهد داد.

#### • زوج‌ها چه مهارت‌هایی برای فرزندپروری باید داشته باشند؟

تمام مهارت‌های زندگی برای پرورش فرزند لازم هستند؛ اعتماد به نفس، همدلی، ارتباط موثر، مدیریت



در زندگی زوجی و والدگری خود، به خوبی از عهده امورات خود و خانواده‌اش برآید.

افرادی که به بلوغ فکری، عاطفی، اجتماعی، اقتصادی نرسیده‌اند کسانی هستند که همچنان در دوره‌ی کودکی یا نوجوانی خود مانده و به عبارتی به والدین خود وابسته‌اند. بنابراین الگوی درستی برای بچه‌ها نیستند. والدی که خود وابسته است و دست و پایش برای هر کاری می‌لرزد و همیشه کس دیگری هست که به جای او انتخاب کند، تصمیم بگیرد، حرف بزند و .... کودکان خود را بدون اعتماد به نفس، وسواسی و کمال‌گرا بار می‌آورند یا برعکس، شخصیت مقابل این ویژگی‌ها، خود-رأی، نافرمان و لجباز می‌پروراند. هیچ کدام از این رفتارها، نشانه‌ی انسان سالمی نیست.

### • به کسانی که جبران کمبودهای روانی خود را در تربیت فرزندان و انتخاب همسر اعمال می‌کنند چه توصیه‌ای دارید؟

اگر منظورتان اینست که پدر یا مادر می‌خواهند فرزندشان زندگی نزیسته‌ی آنان را زندگی کند، ابتدا با مثال توضیح دهم که این زندگی نزیسته یعنی چه؛ فرض کنید مردی به دلایلی نتوانسته وارد دانشگاه بشود یا رشته‌ی دلخواهش را انتخاب نکرده و به ناچار در رشته‌ی دیگری ادامه تحصیل داده است؛ یا زنی که همیشه دوست داشته نواختن یک ساز را یاد بگیرد اما به دلایلی امکان آن فراهم نشده، این افراد صاحب فرزند می‌شوند و او را ترغیب می‌کنند که به آن کار نکرده یا نیمه رها شده‌ی آنها تن دهد.

حتی مواردی دیده‌ام که برخی زنان چون سال‌ها به خاطر مسائل مالی با همسر خود مشکل داشته‌اند، موقع ازدواج دختر یا پسرشان، او را ترغیب یا بهتر بگویم به او تحمیل می‌کنند که با خانواده‌ی پولدار وصلت کند و چشم‌شان را روی مسائل دیگر که ممکن است این ازدواج را به خطر بیندازد می‌بندند. یا مرد جوانی را سراغ دارم که مدرک بالایی در یکی از رشته‌های مهندسی دارد، نتوانسته

یک، انگیزه‌شان برای داشتن فرزند و مسائل اقتصادی نیز تصمیم می‌گیرند.

### • نقش والدین از ابتدای کودکی تا بزرگسالی برای تربیت فرزندان که ازدواج با رضایت و شادی داشته باشند چیست؟

فقط یک نقش! خودشان خوب زندگی کنند و رابطه‌ی خوبی با یکدیگر داشته باشند تا فرزندان‌شان از آنها الگوبرداری کنند. همسران توان شاد کردن خود و همسر خود و مهارت مدیریت هیجانات خود را موقع غم، خشم یا ترس داشته باشند، ابراز محبت و عشق به یکدیگر و بچه‌ها را بلد باشند و به کار بگیرند، مدیریت زندگی خصوصی‌شان را با جدیت داشته باشند و اجازه‌ی دخالت به اطرافیان ندهند. موقع اختلاف و تنش، توان حل مسئله داشته باشند یا از متخصص مربوطه کمک بگیرند. این زوج‌ها به طور کلی رضایت زیادی از زندگی زناشویی‌شان دارند و الگوی بسیار مناسبی برای فرزندان‌شان هستند. طبیعی است که بچه‌های این خانواده هم آمادگی و قابلیت یک ازدواج خوب را دارند.

### • از چه زمانی و چگونه می‌توان استقلال را به کودک آموخت؟ کسانی که خود به والدین وابسته‌اند چگونه می‌توانند فرزند مستقلی تربیت کنند؟

از زمانی که خود کودک شروع به استقلال جویی می‌کند؛ کودک معمولاً از سن ۲ سالگی به بعد می‌خواهد کارهایی مثل پوشیدن پیراهن به تنهایی یا بستن زیپ شلوار یا به دست گرفتن قاشق را به محک اجرا بگذارد. او قصد دارد به والدینش نشان دهد بزرگ شده و می‌تواند بعضی کارها را به تنهایی انجام دهد. پدر و مادر و اطرافیان باید طی فرایند رشد به او فرصت و اجازه دهند که کارهایی را در حد توانش انجام دهد و تصمیماتی بگیرد تا استقلال طلبی او تقویت شود. والدینی که کارها و انتخاب‌های حتی ناقص کودک را مورد توجه و تشویق قرار می‌دهند، موجب می‌شوند او به تدریج فرد مستقلی بشود که می‌تواند در آینده

باید به فرزندشان بگویند: «من و پدرت (مادرت) با هم خوشحال نبودیم و نتوانستیم با هم زندگی کنیم، اما او پدر (مادر) خوبی برای تو است و ما هر دو تو را دوست داریم، همیشه در دسترس تو هستیم و برای خوشحالی تو تلاش می‌کنیم.»

جدایی پدر و مادر برای برخی از کودکان یا نوجوانان احساس گناه می‌آورد، یعنی او تصور می‌کند که کار بدی کرده یا اشتباهی مرتکب شده که پدر و مادرش از هم جدا شدند. باید این اطمینان و دلجویی به او داده شود که او مقصر نیست و هیچ رفتاری از او، هر چند بد، باعث جدایی والدینش نشده است. پس از جدایی باید آن والدی که حضانت کودک را به عهده گرفته امکان دیدار والد دیگر را فراهم کند تا کودک و آن والد از دیدار یکدیگر محروم نشوند، مگر این‌که به تشخیص دادگاه یا روانشناس، دیدار آن والد برای کودک آسیب‌زا باشد. برخی از کودکان پس از جدایی والدین‌شان، دچار مشکلات و اختلالات جسمی، رفتاری یا تحصیلی می‌شوند که با مراجعه به روانشناس کودک، درمان مداخله‌ای انجام شده و سلامت کودک به او بازگردانده می‌شود.

می‌خواهم به این نکته هم اشاره کنم که سردی عاطفی یا دعوا و اختلافات شدید و مداوم بین همسران، بسیار آسیب‌زننده‌تر از جدایی و طلاق رسمی برای خانواده و بچه‌هاست. زوج‌های زیادی وجود دارند که تصور می‌کنند با سکوت، تحمل و برملا نکردن دردهای زندگی مشترک نزد متخصصان، کار با ارزشی انجام می‌دهند و فرزندان سالمی پرورش می‌دهند. آنان نمی‌دانند که بار این تنش‌ها و استرس‌های همیشگی ناشی از مشکلات زناشویی برای کودکان و نوجوانان سنگین است و پیامدهای جبران‌ناپذیری برای آنان به دنبال خواهد داشت.

• **به کسانی که قربانی چنین خانواده‌هایی هستند چه پیشنهاد و راهنمایی می‌کنید که این دور باطل را در زندگی مشترک ادامه ندهند؟**

شغل خود را حفظ کند و پول دریاورد و بیکار در خانه نشسته است. او مدام به پسر نوجوان خود القا می‌کند دانشگاه نرود و وقت خود را هدر ندهد و از شیوه‌های سرمایه‌گذاری برای پول درآوردن استفاده کند!

من همیشه به این گونه پدران و مادران توصیه می‌کنم که اگر خیلی تمایل دارید فرزندتان در این راه قرار بگیرد خودتان بروید و رویای دلخواه خود را دنبال کنید یا کار نیمه تمام خود را کامل کنید. هیچ کس به جز خود آن بچه حق تصمیم‌گیری در مورد علایقش را ندارد، شما فقط می‌توانید او را راهنمایی کنید تا بهترین انتخاب را با توجه به علاقه و استعدادش داشته باشد و اگر قادر نیستید از متخصص کمک بگیرید.

• **کسانی که اختلافات خیلی شدید با هم دارند و یا از هم جدا می‌شوند چه مسئولیت‌هایی در قبال فرزندان دارند تا کمترین آسیب را ببینند و دور باطل والدین را در زندگی مشترک ادامه ندهند؟**

سوال‌تان بسیار مهم و به‌جا است؛ درست است که زن و شوهر برای همدیگر همسران خوبی نبوده‌اند و با هم اختلاف داشته یا از هم جدا شده‌اند، اما اجازه دهند آن یکی والد در ذهن فرزندشان پدر یا مادر خوب و انسان خوبی بماند. این را در نظر داشته باشند که این کودک یا نوجوان قرار است در آینده ازدواج کند یعنی نگرش خوبی به جنس مخالف و مقوله‌ی ازدواج داشته باشد. بر این اساس اگر خواسته یا ناخواسته ذهنیت و احساس بچه را نسبت به جنس دیگر و زوج شدن خراب کنند، آسیب‌هایی همچون ازدواج نکردن، ازدواج زودهنگام، ترس از ازدواج، انتخاب غلط موقع ازدواج، رفتارهای ناهنجار پس از ازدواج و ... را برای آینده‌ی کودک در پی خواهد داشت. بنابراین موقع تنش و اختلاف با همسر یا در شرف جدایی یا پس از جدا شدن، در غیبت آن والد بدگویی نکنند و وجهه‌ی او را در نظر فرزندشان خراب نکنند.



باورها و رفتارهای خودمان در زمان کنونی و در ارتباطاتمان می‌توانیم خطاها و ایرادات خود (و نه دیگری) را کشف کرده اصلاح کنیم.

توصیه‌ی دیگرم این است که در جایی که فرد توان کشف و اصلاح ایرادات را در خودش نمی‌بیند و بیشترین هدف‌گیری‌هایش را به سمت طرف مقابلش می‌گیرد و فکر می‌کند ارتباطش در حال خراب شدن است، برای پیشگیری یا درمان مشکلات شخصی و رابطه‌ای باید از متخصص کمک بگیرد. این افراد بنا به مشکلی که دارند باید از روانشناس بالینی، زوج درمانگر، خانواده درمانگر، روانپزشک و سکس‌تراپیست (درمانگر مسائل جنسی) کمک بگیرند. البته در موارد بسیار زیادی والدین به روانشناس کودک و نوجوان مراجعه می‌کنند و در صدد حل مشکل یا اختلال فرزند خود هستند در حالی که ریشه‌ی مشکل آن بچه در ارتباط پدر و مادر با یکدیگر یا مشکل فردی یکی از والدین وجود دارد.

#### • از همکاری و فرصتی که در اختیار مجله گذاشتید سپاسگزارم.

من هم از سوالات خیلی خوب و دقیق شما سپاسگزارم. امیدوارم خوانندگان این نشریه با مطالعه این بخش آگاهی بیشتری کسب کنند و بتوانند تصمیمات بهتری در خانواده به‌خصوص در مورد فرزند پروری اتخاذ کنند. ■

طبیعی است با آسیب‌هایی که در روان فرزندان این خانواده‌ها در ارتباطات عاطفی و زوجیت شکل گرفته، مشکلاتی به وجود بیاید که به خصوص در زمان ازدواج و بعد از ازدواج‌شان بروز می‌کنند. قربانیان چنین خانواده‌هایی از خودشان سوال کنند آیا من می‌خواهم مثل پدرم یا مادرم زندگی و رفتار کنم؟ آیا می‌خواهم بر خلاف روش آنها زندگی کنم؟ یا بهتر این است که پرسیده شود چه نگرش و رفتارهایی از پدر یا مادرم خوب و قابل الگوبرداری است و چه باورها و رفتارهایی را دوست ندارم و نباید اجازه دهم بر من و ارتباطاتم سوار شوند؟

من اعتقاد دارم هر یک از ما جدای از ژنتیک، تربیت و فرهنگی که از والدین و جامعه‌مان گرفته‌ایم، انسانی با فرهنگ متفاوت هستیم و باید باشیم. به دلیل هوشمندی‌مان و آموزش‌هایی که می‌توانیم خودمان برای بهتر شدن دنبال کنیم. بنابراین خودآگاهی حرف اول را می‌زند؛ آگاه شدن و شناخت از خودتان که چه وقت‌ها و کجاها پا جای پای پدر یا مادرتان می‌گذارید و دقیقاً مثل آنها فکر و رفتار می‌کنید و باعث اشتباهات و سوء رفتار می‌شوید.

مثلاً مردی که همیشه به هنگام بحث و حرف‌های چالشی با همسرش، کتش را بر می‌دارد و از خانه بیرون می‌رود و موقع بازگشت تا روزهای بعد در قهر و اخم به سر می‌برد، دقت کند و به یاد بیاورد که در کودکی آیا پدرش هنگام دعوا و بحث با مادرش، همین کار را می‌کرد؟ و او به‌عنوان یک کودک یا نوجوان چه احساسی را تجربه می‌کرد؟ یا زنی که در اثر تذکر همسرش در یک مورد جزیی مثل غذا یا لباس فوراً خشمگین می‌شود و با داد و فریاد، گفتگو را به هزاران سال پیش می‌برد و مرد را طلب‌کار می‌کند، فکر کند و به یاد بیاورد که آیا مادرش در چنین برخوردهایی همین رفتارها را می‌کرد؟ یا برعکس رفتار می‌کرد و مدام قربانی تذکرات و خطایابی‌های همسر می‌شد؟ او در کودکی چه نگاهی به مادر داشت؟ و هزاران موردی که هر کس در زندگی و ارتباطات خود با نزدیک‌ترین افراد زندگی‌اش پیاده می‌کند. پس با آگاهی به

## فصل فاصله ها



لیورا سعید

کارشناس ارشد روانشناسی



حروف الفبا، آواها و صداکشی‌ها را به جای معلم به او بفهمانی و او مانند دیرآموزان نگاهت کند و با التماس بخواهد برای جست و خیز و شیطنت از جا بلند شود.

این که نمی‌توانی مثل قدیم کار کنی و پول دربیآوری، آزار دهنده است، می‌دانم طاقت فرساست خانه بنشین و دم زنی، شاکی نشوی، غرغر نکنی. مشتریان، مراجعان، مسافران و .... به تدریج کم شدند و تو داری امیدت را از دست می‌دهی. شادی‌هایت را سرکوب کردی و به جشن نشستی تا مبادا تک سرفه‌ای تو را دچار عذاب وجدان کند. لذت عبادت دست جمعی از تو گرفته شده و به تنهایی با خالقت راز می‌گویی.

چه فصل سخت و بد قلقی را باید بخوانی و امتحان بدهی! کاش استاد می‌گفت این فصل را برای امتحان حذف می‌کنم و تو با ذوق کودکانه گویی جایزه‌ای گرفته باشی، خودکار قرمز را به دست می‌گرفتی و روی این فصل ضربدر می‌زدی و تا آخر ترم نگاه هم به آن نمی‌انداختی حتی برای مطالعه.

فراق دوست سخت است، می‌دانم دلت برایش تنگ است و می‌خواهی مثل قدیم بغلش کنی و از نگاهش سیر شوی، اما دل مبتلایت را افسار زدی تا هوس دیدار به سرش نزند، مجبور شدی به قاب و دستگاه شیشه‌ای رضایت بدهی و به صدا گاهی هم به تصویرش دل خوش

می‌دانم برگ دیگری از تاریخ ورق خورد و به فصل جدیدی رسیدی؛ فصلی سخت، مهم و بزرگ. مثل فصلی از یک کتاب درسی که دانشجو باید بخواند و یاد بگیرد و امتحان بدهد، اما از آن فصل دشوار گریزان است و دلش می‌خواهد آن را زودتر تمام کند و به فصل دیگری برود؛ تو هم از این درس گریزانی. یک سال است که حالت خوب نیست دلت خوش نیست، بیماری، ترس، دوری و مرگ آشفته و افسرده‌ات کرده است و تسکینی برایت نیست.

می‌دانم دلت تنگ شده برای سفر کردن، رفتن به دوردست‌ها، ماندن در دل طبیعت با فراغت و بدون دغدغه، اما مدت‌هاست آبشارها و جنگل‌ها تو را نمی‌خوانند. هر چه هست فاصله هست؛ قلبت قرنطینه شده، محبتت در قفس است و دستانت زندانی‌اند.

فرزند دل‌بندم می‌خواهی مثل قبل در مدرسه و بین همکلاسی‌ها باشی، روی نیمکت کلاس بنشینی، درس بخوانی و به صحبت‌های معلمان گوش بدهی، سر به سر بقیه بگذاری، زنگ تفریح با بچه‌ها بدوی و بخندی و بازی کنی. جوان عزیزم دلت ضعف می‌رود برای دوستی‌های جدید در دانشگاه، دیدن در راهروهای دانشکده به دنبال نمره گرفتن از استاد و ساعت آخر پیچاندن درس و به سینما و کافی شاپ رفتن. نوجوانم می‌دانم دوست داری باز هم لباس بخری و به مهمانی بروی، دوستان و رفقاییت را ببوسی و در آغوش بگیری و ساعتی را با فراغت در کنارشان گپ بزنی، بلند بخندی و برقصی.

پدرم، خوب می‌دانم که چقدر مقاومت کردی که برای کودک‌گوشی موبایل تهیه نکنی تا به سنی برسد که بتواند عاقلانه از آن استفاده کند، اما حالا وقت و انرژی‌ات را صرف گشتن و تهیه بهترین مدل و مارک گوشی در بازار کردی تا بچعات بهتر درس‌هایش را یاد بگیرد. آه مادر عزیزم، خوب می‌فهمم چه زجری می‌کشی وقتی می‌بینی بچه‌ی کلاس اولی‌ات نمی‌داند مدرسه کجاست، معلم کیست، همکلاسی چه شکلی است، قانون‌های کلاس چیست و تو باید بتوانی

احساسات و افکار را باید به تنهایی به دوش بکشی و این به نگاه و برخورد تو بستگی دارد که وقایع را چگونه می‌بینی، چه معنایی به آنها می‌دهی و چطور به آنها واکنش نشان می‌دهی؟

این مرحله‌ی مهمی از رشد توست شاید مهم‌ترین درس زندگی‌ات را داری فرا می‌گیری آن هم به تنهایی؛ همان فصل دشوار کتاب درسی که استاد نخواست حذفش کند تا تو مجبور شوی بخوانی و امتحان بدهی و بزرگ شوی. ■

سرای سالمندان یهودی ایران با بیش از نیم قرن سابقه و با کادری مجرب در خدمت سالمندان همکیش می‌باشد. از کلیه‌ی عزیزانی که مایل هستند با این مرکز همکاری کنند درخواست می‌شود کمک‌های نقدی و غیرنقدی خود را با هماهنگی دفتر سرا ارسال نمایند.

نشانی : خیابان دماوند، نرسیده به میدان

امام حسین، کوچه عاشق‌بانه، پلاک ۲

تلفن : ۷۷۵۵۴۱۶۹ - ۷۷۵۵۲۰۳۰

ساعت کار ۸ الی ۱۶

اینستاگرام : Iranian. Jewish.nursing.home

از دوستان عزیزی که  
تبحری در نویسندگی دارند  
و تمایل دارند با مجله همکاری کنند،  
خواهشمندیم مطالب خود را  
به ایمیل مجله ارسال نمایند.  
بدیهی است در صورت هم‌خوانی  
با اهداف مجله به نام نویسنده  
چاپ خواهد شد.

کنی بدون بویش، بدون روحش ... دوست عزیزم داری غم عزیزانت را می‌خوری، مرگ و فقدان‌شان را می‌بینی اما تسلائی برای دل پریشانست نیست، دستی برای شانه‌های لرزانت نیست، نگاهی که آرامشش را در چشمانت بریزد نیست، یعنی نباید باشد.

و تو در تنهایی خودت چیزی به جز زمان حال، ماندن و بودن در زمان حال و پذیرش آن در اختیار نداری.

این زمان حال که می‌گفتند بالاخره رسید کلمه‌ی قشنگی که کتاب‌ها می‌گفتند، اساتید اشاره می‌کردند، آدم‌های بزرگ حرفش را می‌زدند و تو فکر می‌کردی می‌دانی چیست، آمد. آن وقت‌ها تو دلت می‌خواست در حال زندگی کنی اما بلد نبودی و تلاش می‌کردی اما نمی‌شد. حالا انتخابی به جز زمان اکنون نداری. می‌بینی هیچ کاری از دستت بر نمی‌آید، نه راه پیش رفتن داری، نه می‌توانی به عقب برگردی. گذشته‌ات، نوع ارتباطات، شیوه‌ی زندگی کردنت، آمد و شده‌ایت به تاریخ پیوست و فکر کردن به آن سودی برایت ندارد، از آینده هم هیچ امید و انتظاری نداری چون آمد و خودش را نشان داد.

حالا فقط حالا مانده چه بخواهی چه نخواهی! باید او را بپذیری و با آن کنار بیایی. نکند تحملش کنی چون به تو سخت می‌گیرد. بهتر است قبولش کنی و با آن سازگار شوی چون همیشه هست. اگر قبولش کنی می‌بینی هم دشواری و تلخی دارد هم آرامش و رهایی، این گونه واقعیت را پذیرفته‌ای؛ که پذیرش واقعیت همان درمان و تسلی است. خسته‌ای از واژگان غریب همچون فاصله، بهداشت، ویروس، استرس، ماسک، خطر، ایمنی، درد، واکسن که روزمره‌ات را پر کرده‌اند. اجازه نده این واژه‌ها بر حال تو مسلط شوند و قربانی‌شان بشوی. تاثیر نپذیر اما با آگاهی ادامه بده. کلید سلامت روان، داشتن آگاهی و تماس با اینجا و اکنون است. سخت است چون در تربیت، این گونه به تو نگفته‌اند و از تو نخواستند.

پذیرش آنچه پیش آمده و در حال وقوع است هم به تو آرامش می‌دهد هم به تو می‌فهماند این خودت هستی که مسئولیت حال و زندگی‌ات را داری. این همان مسیر دشوار و ناهمواری است که باید طی کنی. رنج کشیدن دارد، می‌دانم اما رنج معناداری است. درست است که گرفتار غم و هراس جمعی هستی و دردهای مشترک با بقیه داری اما





دوریتا معلمی  
کارشناس ارشد روانشناسی

## از کرونا تا زلیخا آباد

نکته‌ی جالب‌تر تحقیق فوق این بود که هرچقدر این خانه‌ها به منزل مامان دخترخانم‌ها نزدیک‌تر بود و هر چقدر جهیزیه‌ی سنگین‌تر و کامل‌تری در این خانه‌های زلیخا آبادی چیده شده بود، میزان خوشبختی هم به همان نسبت بسیار بالاتر بود.

اول کمی برام عجیب بود، ولی وقتی بیشتر مطالعه کردم متوجه شدم که بر فرض وقتی مردی از همسرش دلخوره (مثلاً به این دلیل که همسرش به خودش و خانواده‌اش توهین کرده)، با نگاه کردن به مبل و پرده و یخچال و لباسشویی خارجی متوجه اشتباه خودش میشه، و فوراً برای آستی پیش قدم میشه و قول میده که دیگه هیچ وقت بابت چنین مسائل پیش پا افتاده‌ای (!) دلخور نشه. و یا مثلاً اگر مرد زنش رو کتک بزنه و تحقیر کنه و خرجی نده و محبت نکنه، دخترخانوم خیالش راحت‌تره که تو زلیخا آباد زندگی می‌کنه و اگر بخواد قهر کنه، خونگی مامانش نزدیکه و می‌تونه با چمدون‌هاش به راحتی تا خونگی مامانش پیاده بره.

نکته‌ی مهم‌تر تحقیق این بود که سلامت روان، مهارت‌های بین فردی و پختگی و بلوغ به هیچ عنوان در میزان خوشبختی تاثیری نداشت. و باز هم از همه مهم‌تر نسبت این خوشبختی با زمان معاشرت نسبت عکس داشت، یعنی هر قدر دو نفر کمتر با یکدیگر معاشرت کرده و کمتر یکدیگر را شناخته بودند، از ازدواجشون راضی‌تر بودند!

با مطالعه‌ی این تحقیقات جهانی (!!!)، تازه متوجه شدم که چرا جوانان جامعه‌ی ما مهم‌ترین معیارشون برای ازدواج، تهیه‌ی خانه در خیابان زلیخا آباد و البته نزدیک به منزل مامان جان و چیدن جهیزیه درست و حسابیه! ■

همونطور که می‌دونین نزدیک به یک ساله که از شیوع کرونا در کشور عزیزمون و شروع اجرای پروتکل‌های بهداشتی، مثل قرنطینه، زدن ماسک، رعایت فاصله اجتماعی و شستن و الکی کردن دست‌ها و وسایل خریداری شده می‌گذره. یک دفعه زندگی هامون چقدر عجیب و سخت شد. برای شخص من که سخت‌ترین قسمتش قرنطینه بود، نه رفت و آمد، نه دیدار، نه مشاوره، نه کلاس، نه... اولش واقعا دچار افسردگی شده بودم، غمگین و بی حوصله، ولی بعد به خودم اومدم دیدم اگه من روانشناس این‌طور باشم، از بقیه چه انتظاری می‌شه داشت؟! اینه که دست به زانو و دست به کار شدم و شروع کردم به انجام کارهایی که هیچ وقت قبلاً فرصت‌شو نداشتم، مثل ورزش و سرمه‌دوزی و مطالعه‌ی کتاب‌های تلمبار شده... خوب خدا رو شکر که خیلی از کارها به سرانجام رسید. تونستم چند کیلو وزن کم کنم، رومی‌زی سرمه‌دوزیم رو تمام کنم و...

و اما در بین کتاب‌ها و مقالات جدیدی که مطالعه می‌کردم متوجه تحقیق جدیدی شدم! تقریباً در تمام مقالات و کتاب‌های خارجی و ایرانی نتیجه‌ی تحقیق یکسان بود: تمام دخترها و پسرهایی که طی چند دهه اخیر ازدواج کرده و ساکن خیابان زلیخا آباد تهران بودند، از بقیه زوج‌هایی که در شهرها و خیابان‌های دیگه‌ی دنیا زندگی می‌کردند بسیار خوشبخت‌تر بودند، یعنی بیشتر از بقیه بلد بودند که با همدیگه گفتگو کنن، بیشتر از بقیه می‌تونستن مشکلاتشونو حل کنن (اصلاً کمتر از بقیه‌ی زوج‌های دنیا با همسرشون مشکل داشتن)، این زوج‌ها بیشتر از بقیه اصول همسرمداری و فرزندپروری رو بلد بودن و حتی فرزندان‌ی هم که تربیت کرده بودند از بقیه‌ی بچه‌ها سالم‌تر، شادتر، موفق‌تر و داناتر بودند.

## گذری بر تاریخچه کنیسه‌های تهران کنیسه زرگریان و مدرسه‌ی اتحاد نو (بخش اول)

مهندس مهران ملک

کارشناس معماری

نگاهی اجمالی به تاریخچه سکونت کلیمیان در

منطقه شمال غرب تهران



پس از اینکه در اواسط دهه ۱۲۹۰ خورشیدی به بعد، به تدریج کلیمیان از محله‌ی قدیمی کلیمیان تهران (محله‌ی سیروس یا سرچال)، خارج و در محله‌های اطراف میدان حسن‌آباد، خیابان شیخ هادی و منطقه شرق تهران (مناطق سعدی، دروازه دولت، پل چوبی، میدان امام حسین، شریعتی و گرگان) اسکان یافتند، عده‌ای نیز تصمیم گرفتند که به مناطق شمالی تهران (بخصوص مناطق شمال غربی تهران) آن روز نقل مکان نمایند. می‌توان گفت که مرکزیت تجمع آنان از اواسط دهه ۱۳۲۰ خورشیدی به بعد، در محدوده منطقه امیرآباد (محدوده‌ی خیابان جمالزاده شمالی فعلی - بلوار کشاورز به بالا - منطقه جمشیدآباد سابق) بوده است که البته در دهه‌های بعد به تدریج در مناطق شرق بلوار کشاورز به سمت شمال تهران و منطقه یوسف آباد گسترش یافت و بعدها کنیسه (کنیسه‌های ابریشمی، عبدالله زاده و یوسف آباد در آن مناطق کلیمیان تأسیس گردید.

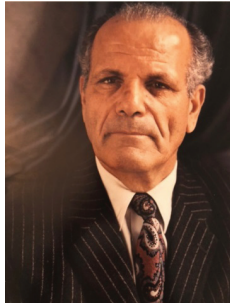
### منطقه احداث مجتمع مذهبی-فرهنگی زرگریان

از حدود سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ خورشیدی به بعد، براساس طرح تفصیلی شهر، تهران آن روز می‌بایست به تدریج به مناطق ۲۱ گانه امروزی تبدیل و هر منطقه مطابق با قوانین مربوط به خود اداره می‌شد. از محدوده میدان ۲۴ اسفند (میدان انقلاب فعلی) به سمت شمال (خیابان کارگر فعلی به سمت غرب - جمالزاده و بالاتر)، بعنوان منطقه امیرآباد معروف بود و خیابانی بنام (جمالزاده) وجود نداشت. منطقه شمال جمالزاده آن روزگار بنام جمشیدآباد معروف بود که در واقع کنیسه‌ی زرگریان در بخش جنوبی منطقه جمشیدآباد (محدوده بلوار الیزابت - بلوار کشاورز فعلی) احداث شد. لازم به توضیح می‌باشد که قانون طرح تفصیلی شهر تهران در نیمه سال ۱۳۵۶ اجرائی شد و از آن پس به

بعد، منطقه امیرآباد (جمشیدآباد-غرب خیابان کارگر) به خیابان جمالزاده تغییر نام داد که البته خیابان جمالزاده بعدها از خیابان آذربایجان (جنوب) و تا خیابان دکتر فاطمی فعلی (شمال) امتداد پیدا کرد.

### زندگینامه عبدالله زرگریان

عبدالله (الياهو) زرگریان، یکی از محبوب‌ترین معتمدان جامعه‌ی کلیمیان، به سال ۱۲۹۱ خورشیدی در یکی از خانواده‌های متدین یهودی در شهر همدان چشم به جهان گشود. ۵ سال بیشتر نداشت که پدرش (سلیمان) که به حرفه‌ی زرگری اشتغال داشت چشم از جهان فرو بست. عبدالله زرگریان تحصیلاتش را در مدرسه‌ی آلیانس (اتحاد) آغاز نمود و به موازات تحصیل در جوانی، در رشته‌های مختلفی مشغول به کار شد. عبدالله زرگریان پس از فارغ التحصیلی از آلیانس راهی تهران شد و پس از مدتی به حرفه‌ی بُنکداری پرداخته و به جهت اعتماد شایان توجهی که در بین بازاریان تهران بدست آورده بود، به عنوان یکی از اعضای معتمدین بازار عمده‌فروشان تهران انتخاب شد. پس از چندی به عضویت انجمن کلیمیان تهران درآمد و به عنوان عضو مؤثر در کمیته حل اختلاف در انجمن کلیمیان، خدمات شایان توجهی را به جامعه کلیمی از جمله



شاخص جامعه کلیمیان و سایر افراد نیک‌اندیش جامعه افتتاح شد.

لازم به ذکر است که بعد از حدود ۳ سال از تأسیس کنیسا و مدرسه‌ی اتحاد نو (زرگریان) در مرداد ماه ۱۳۵۰،

مرحوم عبدالله زرگریان به همراه دوتن از دوستانی که با وی در ساخت و تأسیس این مجتمع همکاری داشتند در انجمن کلیمیان تهران حضور یافته و بطور رسمی ملک کنیسا و مدرسه را به جامعه کلیمیان تهران انتقال دادند تا نام عبدالله زرگریان از تابستان سال ۱۳۵۰ خورشیدی تا همیشه تاریخ در ذهن فرد فرد جامعه کلیمیان تهران ماندگار گردد.

### دیدار تاریخی نمایندگان جامعه‌ی کلیمیان ایران با حضرت امام خمینی (ره) در قم

پس از گذشت حدود ۳ ماه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، از طرف جامعه‌ی کلیمیان ایران، تنی چند از معتمدین و افراد شاخص جامعه، مشتمل بر ۶ نفر از جمله مرحوم جناب حاخام یدیدیا شوفط، مرحوم جناب حاخام اوریل داویدی، هارون یشایایی، دکتر کامران بروخیم، مهندس عزیزالله دانش‌راد و شادروان عبدالله زرگریان در ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ به دیدار رهبر انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) رفتند تا بار دیگر همبستگی و وفاداری جامعه کلیمیان با آرمان‌های انقلاب اسلامی را به ایشان اعلام نمایند. در این دیدار تاریخی که در بیت حضرت امام در قم انجام شد، حضرت امام با توجه به اقامت دیرینه یهودیان در سرزمین کهن ایران زمین، پس از استماع صحبت‌های نمایندگان جامعه کلیمی، اشاره نمودند که چون قوم یهود از طرف حضرت موسی(ع) دارای کتاب و شریعت مقدس می‌باشند و چون مذهب آنان ریشه‌ی توحیدی و خداپرستی دارد، مجدداً بر ایمنی و سهولت زندگی و اجرای فرامین و فرائض مذهبی این قشر از اقلیت‌های دینی شناخته شده در ایران، در چهارچوب قانون اساسی تأکید نمودند. /د/مه دارد...

منابع

۱. گزارش یک دوران - هارون یشایایی
۲. محله کلیمیان تهران - ناصر تکمیل همایون

جلوگیری از طلاق زوج‌های جوان و حل و فصل مشکلات زناشویی آنان انجام داد. وی در دو دوره‌ی متوالی بعنوان عضو کمیته نظارت بر انتخابات انجمن کلیمیان تهران منصوب شد.

با آغاز دهه ۱۳۴۰ خورشیدی، عبدالله زرگریان، چنان به اوج شهرت و محبوبیت به لحاظ خیراندیشی و اقدامات مؤثر و مثبتش در نظر جامعه‌ی کلیمیان تهران دست یافته بود که تقریباً هیچ زمانی نبود که در هیچ کوی و برزنی در میان جامعه‌ی کلیمیان ایران از خدمات خیرخواهانه و نوع دوستانه‌ی وی صحبتی به میان نیاید.

به جرأت می‌توان گفت که یکی از پرارزش‌ترین و مهم‌ترین خدمات عبدالله زرگریان، ایجاد یک مجتمع فرهنگی و مذهبی بوده است. او هنگامی که در منطقه امیرآباد قدیم (جمالزاده فعلی) سکونت داشت، به دلیل عدم وجود مکانی مناسب برای عبادت در آن حوالی تصمیم به ایجاد یک کنیسا گرفت. عبدالله زرگریان با همکاری تنی چند از دوستان و همکاران خیر و نیک‌اندیش خود (بالاخص مرحوم شموئیل خدادادی) اقدام به خرید قطعه زمینی در حوالی خیابان (بلوار الیزابت - بلوار کشاورز فعلی)، در محور خیابان امیرآباد قدیم (جمالزاده فعلی) نمود، (به سال ۱۳۲۶ خورشیدی).

پس از گذشت حدود ۲۰ سال و پس از ارائه نقشه‌ی ساخت، سازمان آلیانس نیز آمادگی خود را جهت ارائه کمک‌های مادی و معنوی لازم در قبال نامگذاری آن مجتمع به نام مجتمع فرهنگی - مذهبی زرگریان رسماً اعلام کرد.

در این اثناء مهندس منوچهر کهن بطور داوطلبانه، امور مربوط به مجری طرح مهندسی ساختمان کنیسا و مدرسه را به‌عهده گرفت و پس از گذشت حدود دو سال و اندی از گذشت عملیات ساختمانی، در اواخر تیرماه ۱۳۴۷ عملیات ساختمان مجتمع مذهبی - فرهنگی زرگریان به پایان رسید. ناگفته نماند که در طول مدت ساخت کنیسا و مدرسه، خود مرحوم عبدالله زرگریان بطور مستقیم و مستمر بر کلیه امور عملیات ساختمانی این مجتمع نظارت مستقیم داشت. این مجتمع فرهنگی مذهبی در چهار طبقه، مشتمل بر دبستان و دبیرستان با ۱۸ کلاس و یک سالن غذاخوری و یک کنیسای بسیار مدرن و زیبا آماده بهره‌برداری گردیده و در مهرماه سال ۱۳۴۷ طی یک مراسم رسمی با حضور افراد



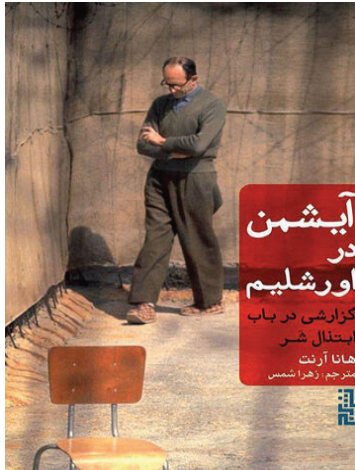


## آرنت: بزرگترین جنایت، نیندیشیدن است

تحلیلی بر کتاب «آی‌شمن در اورشلیم، گزارشی در باب ابتذال شر» هانا آرنت، ترجمه زهرا شمس، نشر برج، ۱۳۹۹

مهندس آرشد آبائی

محقق و مدرس در موزه یهودیت



می‌دارد که شر و وقوع فاجعه‌ی ناشی از آن قابل فهم، و پیشگیری از آن ممکن است، لذا آدمی مسئول اعمال خویش بوده و نمی‌تواند از بار مسئولیت خود شانه خالی کند. آرنت در ادامه، راهکار فهم شر را نیز ارائه می‌دهد: «نیندیشیدن».

او میان وقوع شر و «نیندیشیدن» پیوندی محکم دید. این نوع اندیشیدن موثر که در نظر آرنت تنها راه مهار خشونت است، از طریق گفتگو با خود حاصل می‌گردد. انسانی که بتواند در این گفتگوی درونی، با خود به مثابه «دیگری» اندیشه کند، توانایی داوری و تشخیص میان خوب و بد را - به ویژه در شرایطی که نظام ارزشی فرو ریخته باشد- به دست آورده و می‌تواند نظام ارزشی خودبنیاد بیافریند.

نکته‌ی دیگر در تفکر آرنت، «زندگی در عصر ظلمت» است. او فضای ظلمانی و تقدیر زیستن در چنین شرایطی را عذر موجه برای عدم واکنش اخلاقی و وجدانی نمی‌داند. او در «آی‌شمن در اورشلیم» هر دو مصداق انفعال و کنشگری را در برابر ظلمت نشان می‌دهد.

آی‌شمن گفته بود: قدرتمندترین عامل تسکین برای وجدان او، این واقعیت ساده بود که «هیچ‌کس، ابدا هیچ‌کس را نمی‌دید که واقعا مخالف راه حل نهایی باشد... و هیچ صدای بیرونی برای برانگیختن وجدان او وجود نداشته است». او تنها وقتی دچار عذاب وجدان می‌شد که دستورات دریافتی را - همچون روانه کردن میلیون‌ها نفر به سوی مرگ- اجرا نمی‌کرد. اکثر مردم محلی در مناطق مختلف اروپا نیز علیرغم آن‌که به‌طور مستقیم یا ضمنی از

هانا آرنت (۱۹۰۶-۱۹۷۵)، فیلسوف و روشنفکری یهودی بود که خود طعم یهودستیزی را در آلمان چشیده بود و پس از دستگیری کوتاه مدت توسط گشتاپو، به آمریکا مهاجرت کرد و در سال ۱۹۶۱ در مقام گزارشگر نشریه‌ی نیویورکر در دادگاه آدولف آی‌شمن حاضر شد. آی‌شمن، یکی از ماموران ارشد رژیم نازی در اجرای سیاست «راه حل نهایی» (طرحی برای نابودی حدود ۱۱ میلیون نفر یهودیان اروپایی) بود که به عنوان مغز متفکر دستگاه کشتار رژیم هیتلری محاکمه شد.

آرنت در گزارش این دادگاه («آی‌شمن در اورشلیم، گزارشی در باب ابتذال شر»، ۱۹۶۳)، با وجود این‌که خود یهودی است و آسیب‌های فاجعه‌ی هولوکاست را نیز شخصا تجربه کرده است، کاملا بی‌طرفانه و دور از احساسات به تحلیل و نقد روند دادرسی و اسناد و شاهدان آن پرداخته و نقص‌های قضایی و حقوقی آن را آشکار می‌نماید.

اما مهم‌ترین بخش گزارش آرنت، تحلیل او از ماهیت شر و نقش انسان‌ها در برابر آن است. از نظر او، شر لزوماً از هیولاهای شیطانی سر نمی‌زند، بلکه افراد کاملاً معمولی یا ابله هم می‌توانند مرتکب شر شوند و آثاری فاجعه‌بار بیافرینند.

آدولف آی‌شمن شهروندی قانون‌مدار و از نظر روانی کاملاً سالم بود و حتی نشانه‌ای از نفرت دیوانه‌وار نسبت به یهودیان یا یهودستیزی متعصبانه در او دیده نشد. عیب اصلی آی‌شمن عجز بود از این‌که از منظر «دیگری» به چیزی نگاه کند. او نمی‌توانست خود را به جای یهودیانی بگذارد که برای مرگ راهی آشویتس می‌کرد، و به همین دلیل از درک شر بودن رفتارشان عاجز بود. او در اکثر دفاعیات خود، «اطاعت از قانون» و «فرمان پیشوا» را دلیل اقدامات خود ذکر می‌کرد و به زبان ساده، تنها مامور بود و معذور. از همین رو آرنت عنوان این وضعیت را «پیش-پافتادگی یا ابتذال شر» نامید. او در این کتاب (۱۹۶۳) و بعدها در کتاب «زندگی در عصر ظلمت» (۱۹۶۸) اعلام



جزئی فاقد اندیشه‌شان به ظاهر کم ضرر است، اما در تجمیع با دیگر «آیسمن‌های کوچک»، با شر متراکمی که ایجاد می‌شود، نظامی مخرب و ضداخلاقی می‌آفرینند که سرانجام منجر به فجایعی عظیم خواهد شد. و نکته‌ی آخر:

مترجم کتاب «آیسمن در اورشلیم» به شش دهه تاخیر در ترجمه و انتشار این کتاب به فارسی اشاره دارد، کتابی که یکی از مهم‌ترین اسناد فاجعه‌ی هولوکاست است، و این تاخیر بسیار جای تامل دارد. هانا آرنت مهم‌ترین ابزار مهار خشونت را «اندیشیدن» می‌داند و کتاب یکی از مهم‌ترین ابزارهای اندیشیدن است. بیان حقایق تاریخی درباره‌ی یک فاجعه، مخاطب را به اندیشه وامی‌دارد تا اولاً بازتولید مجرمان متوقف یا کند شود و ثانیاً انتشار اسناد فاجعه، فکر فرار یا مخفی ماندن جنایت را از مجرم سلب می‌کند و این نیز عاملی جهت مهار فاجعه خواهد بود. کوچک انگاری جنایات - و بدتر از آن نادیده انگاری یا انکار آن‌ها- به نوعی مجاز شمردن آن است. اصرار به انتشار اسناد و تحلیل‌های مرتبط با فاجعه‌ی هولوکاست، به جهت تلاش برای جلوگیری از وقوع مجدد آن برای هر فرد یا گروه دیگری از بشریت است.

قطعه‌نامه‌ی ۶۰ / ۷ مجمع عمومی سازمان ملل (۲۰۰۵) همه‌ی کشورهای عضو سازمان ملل متحد را به اجرای برنامه‌های آموزشی مربوط به تاریخ هولوکاست برای جلوگیری از تکرار نسل‌کشی ترغیب نموده است.

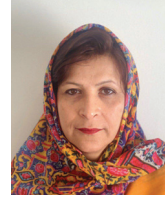
و مباد که کم‌اهمیت شمردن تاریخ و اسناد این «جنایت علیه بشریت» (به تعبیر آرنت)، چراغ سبزی برای آیسمن‌های کوچک باشد، همانطور که آرنت در کنفرانسی در تورنتو (۱۹۷۲) گفت: «در هر یک از ما، آیسمنی هست». به امید جهانی بهتر. ■

نسل‌کشی آگاهی داشتند، به‌خاطر ترس یا عافیت‌طلبی، از مقاومت یا حتی اعتراض چشم پوشیدند. و بدتر از آن، جمع‌کنیری از خود یهودیان بودند که وادار به اسکان در گتوها و انتقال به اردوگاه‌های مرگ - و حتی همکاری برای فراهم کردن مقدمات مرگ خود- می‌شدند، و در برابر پرسش‌های مکرر قضات دادگاه از شاهدان بازمانده‌شان که «چرا طغیان و مقاومت نکردید»، پاسخ ضمنی، ترس از مرگی همراه با شکنجه و فجیع‌تر از مرگی بود که در اردوگاه‌ها بر سرشان می‌آمد، هر چند که «پانزده هزار نفر اسیر یهودی آنجا ایستاده باشند و فقط چندصد نفر نگهبان در مقابلشان باشد».

اما در نقطه‌ی مقابل، رفتار مردم و حکومت دانمارک در برابر نازی‌ها بی‌نظیر است، تا حدی که آرنت می‌نویسد: «انسان وسوسه می‌شود این داستان را به عنوان مطالعه‌ی اجباری در علوم سیاسی توصیه کند، برای تمام دانشجویانی که می‌خواهند درباره‌ی قدرت بالقوه و عظیم نهفته در کنش بی‌خشونت و مقاومت در برابر دشمنی که ابزارهای خشونت به مراتب برتری در اختیار دارد، چیزی بیاموزند». ارتش آلمان در ۱۹۴۰ به دانمارک حمله کرد. وقتی آلمانی‌ها مسئله‌ی لزوم نصب نشان ستاره‌ی زرد رنگ بر لباس یهودیان را با دانمارکی‌ها مطرح کردند، صریحاً پاسخ گرفتند که پادشاه دانمارک اولین کسی خواهد بود که این نشان را به سینه می‌زند، و مقامات حکومت دانمارک هم تأکید کردند هر نوع اقدام یهودستیزانه، استعفای فوری آنان را در پی خواهد داشت. حتی پس از صدور حکم فرستادن همه‌ی یهودیان از دانمارک به اردوگاه-گتوی «ترزین اشتاد» در چک، هیچ مقام دانمارکی حاضر به همکاری با نازی‌ها نشد و اکثر دانمارکی‌ها در پناه دادن، اختفا و نجات یهودیان از دست نیروهای هیتلری تلاش کردند، و در نهایت از میان چند هزار یهودی دانمارکی، تنها چند صد نفر توسط پلیس آلمان دستگیر شدند.

البته کشورهای سوئد، بلغارستان و ایتالیا هم به نوعی با کارشکنی در دستورات آلمانی‌ها، توانستند یهودیان سرزمین خود را نجات دهند، اما از میان کشورهای واقع در محدوده‌ی نفوذ آلمان، تنها دانمارکی‌ها جرئت کردند به اربابان آلمانی خود اعتراض کنند.

بدین ترتیب آرنت نشان می‌دهد که می‌توان حتی در شرایط بحران و رعب و وحشت نیز کنش‌گر بود و از وقوع فاجعه یا شدت آن کاست. او نسبت به پدیده‌ی «آیسمن‌های کوچک» هشدار می‌دهد: کسانی که اعمال



## یهودیان هندوستان

سیمای اخلاقی (رفوآ)

مترجم زبان انگلیسی



سال ۷۰ میلادی به این کشور فرار کرده‌اند. یهودیان دو گروه دیگر شامل یهودیانی می‌شوند که از مناطق فارسی و عربی زبان به این کشور وارد شده‌اند و آنها معتقدند که پیشینیان آنها به دنبال شکستگی کشتی مسافرتی‌شان در سواحل هند وارد این کشور شده و در آنجا اقامت گزیده‌اند.

### یهودیان «بنه ایسرائل»

این گروه بزرگترین گروه یهودیانی بودند که در ایالت «ماهاراشترا» سکنی گرفتند. بر اساس باورهای آنان، در حدود ۱۶۰۰ تا ۱۸۰۰ سال پیش کشتی حامل پدران آنها در سواحل این ایالت در برخورد با امواج شکسته می‌شود و در نتیجه مسافران از جمله هفت خانواده یهودی با شنا خود را به سواحل این ایالت می‌رسانند و در نهایت در همان‌جا ساکن می‌گردند. هر چند این گروه از یهودیان با گذشت زمان بسیاری از آئین و رسوم جامعه هند را پذیرفتند اما با این وجود بسیاری از آئین‌های یهودیت از جمله کار نکردن در روز شبات (شنبه) را حفظ کردند و همین عامل جدایی آنها از سایر جوامع هندی شد. آنان خود را در تاریخ بیشتر «بنه ایسرائل» می‌خوانند تا یهودی.

در ابتدا این گروه از یهودیان رابطه خوبی با سایر یهودیان هند نداشتند تا اینکه در حدود قرن هیجدهم در روابط خود تجدید نظر کردند و آن را بهبود بخشیدند؛ اما با

تاریخ یهودیت همواره با تجربه مهاجرت‌های بی‌شمار دست به گریبان بوده است. اولین بار آنان با خروج از مصر به سرزمین موعود آن را تجربه کردند. خرابی معبد اول بیت‌المقدس توسط بابلیان و تبعید اجباری آنان به بابل، خرابی معبد دوم بیت‌المقدس، گاهی هم شرایط دشوار تاریخی دیگر و گاهی هم جستجو برای داشتن زندگی بهتر، همواره زمینه‌ساز مهاجرت‌های تمام نشدنی آنان بوده است. در این میان اتکای یهودیان به کتاب مقدس و حفظ آئین مذهبی خود موجب گردیده که آنان در مواجهه با ملیت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون هویت دینی خود را فراموش نکنند.

مطالعه‌ی پراکندگی قوم یهود عموماً حول دو محور یهودیان اشکنازی با ریشه‌ی اروپایی، و یهودیان سفارادی با ریشه‌ی خاورمیانه‌ای می‌گردد. در این میان مسئله‌ی چگونگی مهاجرت یهودیان به کشور هند تا حد زیادی در طول تاریخ نادیده گرفته شده است. شاید یکی از علل آن تعداد اندک این مهاجران بوده است و یا شاید وجود رابطه‌ی احترام‌آمیز همراه با تحمل و هم‌زیستی مسالمت‌جویانه بین تمدن هندو و یهودیت در این کشور بوده که موجب گردیده یهودیان جذب فرهنگ و رسوم هندوها گردیده و بخشی از شهروندان این کشور محسوب شوند و نحوه‌ی مهاجرت آنان تا حدودی به دست فراموشی سپرده شود.

یهودیان کشور هند را می‌توان در گروه‌های مختلف دسته‌بندی کرد. سه گروه عمده این یهودیان شامل یهودیان کوچینی<sup>۱</sup>، بنه ایسرائل<sup>۲</sup> و بغدادی<sup>۳</sup> می‌شود. یهودیان «کوچینی» بر این باورند که اجداد آنها در اورشلیم زندگی می‌کرده‌اند و به دنبال حمله رومی‌ها و خرابی معبد دوم در

<sup>۱</sup> - Cochin

<sup>۲</sup> - Bene Israel

<sup>۳</sup> - Baghdadi



کالا‌های هند در زمان حضرت سلیمان، نشان دهنده وجود رابطه تجاری قوی بین این دو کشور بوده است و همین نکته می‌تواند توجیه کننده‌ی مهاجرت این یهودیان باشد.

یهودیان کوچینی در بین قرون چهارم تا دهم پس از میلاد مسیح به دلیل خدماتی که به جامعه‌ی هند کردند مورد عنایت پادشاه هندو قرار گرفته و تا حدودی از خودمختاری و امنیت برخوردار شدند. کوچینی‌ها دو گروه عمده بودند. گروه اول که قدیمی‌تر بودند «مالاباری» نامیده می‌شدند، رنگ پوست تیره‌ای داشتند و مدعی بودند که ریشه‌ی پدران آنها به حضرت سلیمان می‌رسد و گروه دوم که در زمان‌های مختلف از اروپا و خاورمیانه به این کشور کوچ کرده بودند و رنگ پوست روشنی داشتند «پردسی» نامیده می‌شدند. «پردسی»‌ها ادعا می‌کردند که یهودیان «مالاباری» به دلیل داشتن پوست تیره یهودی خالص نیستند و به همین دلیل از ازدواج فرزندان خود با جوانان این گروه ممانعت می‌کردند.

در دهه‌ی ۱۹۴۰ شمار یهودیان کوچینی ساکن هند حدود ۳۰۰۰ نفر بود و به دنبال مهاجرت آنان به کشورهای دیگر، اکنون تنها ۲۰۰ نفر فرد اغلب سالخورده از آنان در این کشور باقی مانده است.

### یهودیان بغدادی

یهودیان بغدادی در اواسط قرون هجدهم و نوزدهم از کشورهای خاورمیانه به این سرزمین پای نهادند. همانطور که از نام آنها پیداست اکثریت جمعیت آنان عربی زبان بودند اما، گروه بزرگی از فارسی زبانان هم در بین این گروه قرار داشتند. مهاجرت این گروه از یهودیان دلایل متعددی داشت از جمله فرار از تبعیض‌های مذهبی سرزمین خود و یا یافتن موقعیت اقتصادی بهتر. قسمت اعظم این گروه از یهودیان بیشتر در مناطق اقتصادی هند مانند «بمبئی» و یا «کلکته» ساکن شدند. فعالیت اقتصادی آنان بیشتر حول محور صنعت پارچه می‌گشت و بسیاری از آنان بازرگانان موفقی شدند. یکی از خانواده‌های معروف یهودی آن زمان در هند خانواده‌ی «ساسون» بود. «شیخ داوود ساسون» در سال ۱۸۲۸ به این کشور مهاجرت کرد و در زمینه‌ی

این حال هنوز همان آئینی را اجرا می‌کردند که موجب تمایز آنان از سایر گروه‌های یهودی می‌شد. به عنوان مثال یکی از این آئین‌ها «ملیدا» نام دارد که همان عید «طو بیشواط» (ایلانوت: جشن درختان در پانزدهم ماه عبری شواط) است و این گروه از یهودیان هند ضمن سپاسگزاری از طبیعت برای محصولات کشاورزی، ورود پدران خود را به این سرزمین جشن می‌گیرند. طی این مراسم مرد خانواده کنار یک سینی پر از برنج، میوه، گل و ادویه‌جات می‌نشیند و دعا می‌کند. آنها بیشتر به دلیل احترامی که برای هندوها قائل بودند از خوردن گوشت گاو پرهیز می‌کردند. از دیگر رسوم آنان که از رسوم هندوها تاثیر گرفته بود عدم ازدواج زن بیوه بود. اما آنها قوانین کثروت (حلال و حرام خوراکی‌ها) را در مورد مواد غذایی به مانند سایر یهودیان رعایت نمی‌کردند.

این یهودیان سابقه شرکت در ارتش «ماهارا شترا» را در تاریخ خود دارند و بسیاری از آنان در بسیاری از جنگ‌ها برای انگلستان شرکت کردند و همین موجب شد که کشور انگلستان برای آنان جایگاه ویژه‌ای قائل شود. در دوره‌های بعدی آنان مدارج تحصیلی بالاتر کسب کردند و در هند نوین هم حتی بسیاری از آنان توانستند به مقامات بالای دولتی نایل شوند. تعداد جمعیت این گروه در حوالی دهه ۵۰ میلادی حدود ۳۰۰۰۰ نفر بود ولی به دنبال مهاجرت بخش اعظمی از آنان اکنون جمعیتی در حدود ۵۰۰۰ نفر دارند و بیشتر افراد این جمعیت هم سالخورده هستند و در اطراف شهر بمبئی زندگی می‌کنند.

### یهودیان «کوچینی»

اینان اولین گروه یهودیانی بودند که در ایالت‌های جنوبی هند سکنی گرفتند. روایت‌های مختلفی درباره‌ی چگونگی کوچ این یهودیان به کشور هند وجود دارد. گروهی که زودتر پای به این سرزمین گذاشتند بازرگانانی بودند که در زمان سلطنت حضرت سلیمان به این کشور مهاجرت کردند و پس از آن مهاجران، یکی از ده سبط گم شده یهودیان هستند که به دنبال خرابی معبد دوم به این کشور فرار کرده‌اند. وجود اقلامی از قبیل ادویه و یا

### المیرا و لیورای عزیز

خانواده‌ی محترم سعید، فقدان پدر بسیار جانکاه و ناباورانه است.  
برای شما و خانواده طلب خیر داریم. ما را در غم خود شریک بدانید.

هیئت تحریریه‌ی نشریه افق بینا

### جناب آقای دکتر سیامک مره‌صدق

درگذشت پدر بزرگوارتان را تسلیت گفته و بقای عمر شما و خانواده را از پروردگار متعال خواستاریم.

هیئت تحریریه‌ی نشریه افق بینا

### جناب آقای فرید یاشار

درگذشت مادر بزرگوارتان خبر بسیار تلخی بود. به شما و خانواده تسلیت گفته و بقای عمر برای شما آرزومندیم.

هیئت تحریریه‌ی نشریه افق بینا

### جناب آقای سهیل نیسانی

درگذشت پدر بزرگوارتان را تسلیت گفته و برای شما و خانواده طلب خیر و بقای عمر داریم.

هیئت تحریریه‌ی نشریه افق بینا

با دلی آکنده از غم و اندوه، درگذشت برادر بزرگوار، بنیامین (بهرام) امیدی را تسلیت عرض نموده، طول عمر و سلامتی بازماندگان و شادی روح آن مرحوم را از درگاه ایزد منان خواستاریم.

رحمان دلرحیم

صادرات و واردات پارچه و عطر به کشورهای مختلف از جمله انگلستان و آمریکا و ساختمان‌سازی فعالیت داشت. فعالیت‌های اقتصادی این خانواده تأثیرات مثبتی بر اقتصاد کشور هند گذاشت. این خانواده در هند به دلیل مشارکت در کارهای عام‌المنفعه مانند ساختن مدرسه، بیمارستان، کنیسه و کتابخانه از محبوبیت بالایی برخوردار بودند. بعداً بسیاری از آنان زبان انگلیسی آموختند و به انگلستان مهاجرت کردند. یهودیان بغدادی خود را از سایر یهودیان هند مجزا می‌دانستند و از آنها دوری می‌کردند تا این که در اواسط قرن بیستم روابط بهتری با سایر یهودیان هند ایجاد کردند.

دیگر یهودیان هند از نقاط مختلف جهان و در زمان‌های گوناگون به این کشور مهاجرت کرده‌اند، مانند ۲۰۰۰ یهودی که در زمان جنگ جهانی دوم در این کشور اسکان موقت گرفتند.

در طی سال‌ها یهودیان هند روابط خاصی با جامعه هندو برقرار کرده‌اند اما با این حال توانسته‌اند ضمن پذیرفتن بسیاری از آداب و رسوم و فرهنگ مردم هند، مانند زبان، پوشاک و یا غذا، هنوز هویت یهودی خود را حفظ کنند.

اکنون در کشور هند ۱۷ کنیسه وجود دارد. اما جمعیت یهودیان این کشور به دلایلی از جمله یافتن موقعیت‌های تحصیلی و اقتصادی بهتر از این کشور مهاجرت کرده‌اند. کنیسه‌ی یهودا حییم<sup>۴</sup> تنها کنیسه‌ی دهلی است و خاخامی که اداره‌ی آن را از سال ۱۹۸۰ بر عهده دارد می‌گوید: «اگر به گذشته نگاه کنیم می‌بینیم که کشور هند پذیراترین کشور نسبت به مذاهب مختلف از جمله یهودیت بوده و شاید تنها جایی است که یهودیان هیچگاه به واسطه مذهب خود مورد تبعیض قرار نگرفته‌اند. به همین دلیل هم یهودیان هند ملیت هندی خود را بر هویت مذهبی خود ارجح می‌دانند.» ■

منابع

- 1- Indian Express
- 2- California State East Bay

<sup>4</sup> - Judah Hyam Hall

## آشنایی با مشاهیر یهود جهان

# دیوید کاپرفیلد

(تردست، شعبده‌باز)

### نیوشا پایاب

#### زندگی‌نامه

دیوید کاپرفیلد David Copperfield با نام اصلی دیوید سِت کاتکین David Seth Kotkin در ۱۶ سپتامبر سال ۱۹۵۶ در شهر «متاچن»، واقع در ایالت نیوجرسی آمریکا از پدر و مادری یهودی که از روسیه مهاجرت کرده بودند، به دنیا آمد. او در کودکی، شعبده‌بازی با کارت را از پدر بزرگش آموخت. کاپرفیلد نخستین اجرای خود را در سن ۱۲ سالگی در شهر زادگاهش به نمایش گذاشت. مهارت‌هایش را در تردستی به سرعت توسعه داد و رسماً به عنوان جوان‌ترین شعبده‌باز شروع به کار کرد. او در سن ۱۶ سالگی به تدریس یک دوره درسی شعبده‌بازی در دانشگاه نیویورک پرداخت.



کاپرفیلد در طول سال‌های دهه هفتاد میلادی به اجرای شعبده‌بازی در تلویزیون و سالن‌های نمایش پرداخت و در سال ۱۹۷۸ نخستین بار اجرای ویژه خود را با نام «جادوی دیوید کاپرفیلد» به نمایش گذاشت که موفق به کسب جوایزی شد و نامش بر سر زبان‌ها افتاد. در سال‌های دهه هشتاد، او به شعبده‌بازی‌هایی در مقیاس بالاتر روی آورد، از محبوبترین نمایش‌های او ناپدید نمودن مجسمه آزادی به سال ۱۹۸۳ بود. از تردستی‌های دیگرش، گذشتن از دیوار بزرگ چین و فرار از زندان «آلکاتراز» (که تا به آن روز هیچ زندانی، موفق به فرار از آن نشده بود) می‌باشد. وی همچنین به عنوان نخستین تردستی شناخته شد، که بدون کمک کابل، توانست پرواز کند.

او شعبده‌بازی‌های قدیمی را به سبک مدرن و جدید و جالبی عرضه کرد و موجب شد تا مردم دنیا، به این

نمایش‌ها با دید بهتر و هیجان‌انگیزتری نگاه کنند. ولی وی شخصاً از روشی بنام کار درمانی را که در بیش از ۱۱۰۰ بیمارستان در بیش از ۳۰ کشور در مورد معلولین انجام داده است و توانسته اعتماد به نفس آنها بالا ببرد، بیشتر احساس رضایت دارد.

یکی از ویژگی‌های بارز او این است که شعبده‌بازی‌های قدیمی را به سبکی مدرن و جالب عرضه می‌کند و تمام کسانی که شاهد نمایش‌های او هستند دید بهتر و هیجان‌انگیزتری به شعبده‌بازی‌های او دارند علی‌رغم آن چه که بیشتر مردم تصور می‌کنند قدرت تاثیرگذاری‌اش تا حد بسیار زیادی خارج از حیطه جادو و جادوگری است. دیوید خود بر این باور است که تعدادی از کارگردان‌های سرشناس



## گفتم ، گفت

### استاد (ممن دلرمیم)

گفتم: پروردگارا دلم گرفته

گفت : از من؟

گفتم: پروردگارا نگران روزیم

گفت : با من

گفتم: پروردگارا درون قلبم خالیست

گفت: پُرش کن از عشق من

گفتم: پروردگارا دست نیاز دارم

گفت : بگیر دست من

گفتم: پروردگارا از تو خیلی دورم

گفت: من از تو نه

گفتم: پروردگارا چگونه آرام گیرم

گفت : با یاد من

گفتم: پروردگارا کمک خواستم

گفت : غیر از من؟

گفتم: پروردگارا دوست دارم

گفت: بیشتر از من

گفتم: پروردگارا هیچ کسی کنارم نمانده

گفت: به جز من؟

گفتم: پروردگارا چرا این قدر می‌گویی من

گفت : چون که من از تو هستم و تو از من

در عرصه سینما از جمله ارسن ولز ، اسپیلبرگ و فرانسیس فورد کاپولا الهام‌بخش او در چگونگی جلب احساسات و عواطف طرفدارانش هستند.

کاپرفیلد رمز موفقیتش را در تمرین مداوم و مستمر می‌داند و عمیقا به کسانی که علاقه‌مند به زندگی در سایه هنر جادو هستند چنین توصیه می‌کند «تمرین کنید، تمرین کنید، تمرین کنید و بدانید که غیر ممکن وجود ندارد.»

دیوید بدون کمک دوربین یا جلوه‌های ویژه دست به کارهای اعجاب‌انگیز می‌زد و همه تماشاچیان را به شدت متحیر می‌کرد. این برنامه‌ها در بیش از ۴۰ کشور اجرا شد و تا جایی پیش رفت که در حال حاضر بینندگان کارهای حیرت‌آور او به بیش از ۴ میلیارد نفر می‌رسد.

دیوید کاپرفیلد جوایز بسیاری نیز دریافت نموده و موفق به کسب لقب شوالیه از دولت فرانسه و دکترای افتخاری از دانشگاه فوردهام شده است. همچنین در موزه مادام توسو در لندن که مجسمه مومی اشخاص مشهور را قرار می‌دهند، مجسمه مومی وی هم اضافه گردیده است. مجله‌ی فوربس او را موفق‌ترین تریدست جهان در تمام دوران‌ها معرفی کرده است. برنامه‌های تلویزیونی کاپرفیلد تا به امروز نامزد ۳۸ جایزه امی شده‌اند که توانسته ۲۱ عدد از آن‌ها را برنده شود. او در طول ۳۰ سال دوران فعالیت، ۱۱ رکورد جهانی گینس را به نام خود ثبت کرد و به اولین تریدستی تبدیل شد که ستاره‌ای در پیاده‌روی شهرت هالیوود به نام وی ثبت شد. درآمد او فقط در سال ۲۰۰۳ بالغ بر ۵۷ میلیون دلار بوده و از نظر درآمد در دنیا نفر دهم می‌باشد . کاپرفیلد تا به امروز بیش از ۴۰ میلیون عدد بلیط فروخته و توانسته بیش از ۳ میلیارد دلار از این راه کسب درآمد کند که این مقدار حتی از مایکل جکسون و مدونا نیز بیشتر است و باعث شد رکورد پردرآمدترین و پرتماشای‌ترین سرگرمی‌ساز و پرتماشای‌ترین تریدست جهان را در کتاب گینس به نام خود ثبت کند. ■

منابع

۱. دانشنامه ویکی پدیا.

۲. www.beytoote.com



## یهودیان یزد

الهه مودب

مترجم زبان انگلیسی

بسیاری از گردشگران داخلی و خارجی هر سال از نقاط مختلف جهان رهسپار یزد، هفتمین شهر بزرگ ایران، می‌شوند تا از جاذبه‌های گردشگری و بافت تاریخی زیبای آن دیدن کنند. یزد به عنوان اولین شهر ایران و بیست و دومین اثر تاریخی کشور در ۱۸ تیر سال ۱۳۹۶ به دلیل معماری تاریخی ارزشمند و بافت سنتی دست نخورده در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید. از طرفی حسینیه‌ها، مساجد، کنیساها و آتشکده‌ها در یزد گوناگونی ادیان را به تصویر می‌کشند.

هر سال، زائران یهودی از شهرهای مختلف برای زیارت آرامگاه هاراو اوشرگا در ۲۸ ماه عبری حشوان (آبان ماه) - سالگرد فوت او - راهی یزد می‌شوند. بلیط قطار تهران یزد برای آن زمان سریع تمام می‌شود و بسیاری از یهودیان مسافران کپه‌های قطار هستند. تعدادی زایران با خودروهای خود و برخی با تورهای زیارتی با اتوبوس از تهران، شیراز و اصفهان به یزد می‌روند. تاکنون خبرگزاری‌ها و رسانه‌های مختلف جهان از این مراسم گزارش، عکس و فیلم تهیه کرده‌اند.

شیمون گوهریان و برادرش روبرت گوهریان مغازه لباس فروشی در خیابان قیام دارند. هر سال او با همکاری کلیه ساکنان یهودی مهمان‌دوست یزد رسم میزبانی را به بهترین نحو بجا می‌آورند. اما امسال در شرایطی که کرونا به شدت بر همه‌ی شهرها به ویژه یزد (که وضعیت قرمز داشت) سایه افکنده بود، با کمک و همدلی کلیه جامعه یهودیان یزد و ایگال سیمایی عمدتاً از تهران و شیراز و تعدادی از کشور آمریکا به طور آنلاین و مجازی از مزار هاراو دیدار کردند. یهودیان یزد به نیابت از زایران بر سر مزار ایشان شمع روش کردند و نایب‌الزیاره شدند. به همت

گروه مذهبی (تلمود تورای) شیراز نیز مراسم داراش (سخنرانی مذهبی) آنلاین برگزار شد. این مراسم بهانه‌ای شد تا با مصاحبه‌ای با تعدادی از یزدی‌ها داشته باشیم.

• **معمولا علاوه بر یهودیان چه کسانی در چنین روزی به زیارتگاه می‌آیند؟**

شیمون گوهریان: هر سال اساتید دانشگاه ادیان و دانشجویان یا برخی خبرنگاران استانداری و وزارت ارشاد برای دیدن مراسم و تحقیق یا تهیه گزارش از زندگی مسالمت‌آمیز یهودیان به زیارتگاه می‌آیند. مرتضی نیک‌روش استاد ایران‌شناسی دانشگاه میبد یزد و اردکان نزدیک به ۱۷-۱۸ سال تقریباً هر سال در مراسم شرکت کرده است.

• **لطفاً نظر و انگیزه حضورتان را در کنار یهودیان بفرمایید.**

اساتید و دانشجویان علاوه بر علاقه، با توجه به درس ایران‌شناسی برای شناخت فرهنگ یهودیان ایران در کنار مسلمانان و آشنایی با آداب و رسوم سنت‌های مذهبی آنان در مراسم شرکت می‌کنند. نزدیک بودن بسیاری از عقاید بین یهودیان و مسلمانان برای ما قابل توجه بوده است. زیرا ریشه‌های هر دو دین، ادیان ابراهیمی است. اعتقاد به زیارتگاه و مقبره بزرگان دین، در یهودیت و اسلام مورد توجه و احترام می‌باشد. نذر و روشن کردن شمع نیز مشترک است. با برخوردی که با یهودیان در این آرامگاه طی سال‌های متوالی داشتم، آنان را به عنوان یک ایرانی با فرهنگ ایرانی می‌بینم. اگر خارج از دین نگاه کنیم

یا تهران ارسال می‌شود.

• **محلّه یهودیان درگذشته کجا بود؟**

یهودیان در دو محلّه زندگی می‌کردند. «این محلّه» طرف حمام و کنیسه‌ی ملا آق بابا بود. «آن محلّه» نزدیک مسجد بود. هر دو محلّه یک حمام داشتند یکی به خانم‌ها و دیگری به آقایان اختصاص داشت. مسلمانان آن را «محلّه کلیمیان» می‌نامند و در اسناد «برزن یهودیان» قید شده است. اکنون یهودیان نزدیک مسجد جامع ساکن هستند.

• **در گذشته شغل یهودیان چه بود؟**

رابرت گوهریان: بعضی تاجر ابریشم و پارچه، برخی بافنده و معروف به شعرباغ بودند. برخی پیلهور و دوره گرد بودند و پارچه و وسایل خرازی می‌فروختند. دو خواهر به نام ریقا و برسیون ماما (قابله) بودند. برسیون مجوز تولد صادر می‌کرد که ثبت احوال یزد می‌پذیرفت. زنان معمولاً خانه‌دار بودند.

• **لطفاً از مراسم یهودیان یزد بفرمایید.**

شهلا داوودپور از یهودیان یزدی که اکنون ساکن تهران و معلم دینی است: مراسم بله‌بران را در یزد «قول کنون» می‌نامیدند. در گذشته دوردرد یک بعدازظهر خانم‌های خانواده عروس و داماد به همراه سه نفر آقا از بزرگان یزد در خانه عروس جمع می‌شدند. خانم‌ها چادر مجلسی بر سر می‌کردند. یکی از آقایان از دختر نظرش را در مورد خواستگار می‌پرسید. او در پاسخ می‌گفت: «اختیار با پدرم است». در صورت فوت پدر می‌گفت «اختیار با مادرم است». سپس شربت و شیرینی و نقل پخش می‌کردند. دف و دایره و کل می‌زدند. در آن زمان رسم نبود شام بدهند و مدتی بعد از آن نامزدی بگیرند.

خداداد گوهریان (رئیس جامعه کلیمیان یزد) از پارچه فروشان یزد و پدر رابرت گوهریان: یکی از مراسم پیش از ازدواج در یزد مراسم «بند اندازان» در منزل عروس بود. همه مهمانان خانم بودند و با نخودچی، تخمه و شربت پذیرایی می‌شدند. بنداندا، صورت عروس و همه مهمانان را به خرج عروس بند می‌انداخت. سارا و مزال از مطربان زن یهودی، شعرهای شاهین تورات یا شعرهای یهودی را

تشابهات فرهنگی را به عنوان ایرانی در کنار هم داریم. اگر در خیابان باشیم و همدیگر را معرفی نکنیم کسی متوجه نمی‌شود مذهب فرد مقابل چیست. چون فرهنگ مشترک داریم.

• **مراسم سالگرد و ادای نذورات به چه صورت است؟**

شیمون گوهریان: همیشه مراسم سالگرد درگذشت ایشان در کنیسه‌ی ملا آق بابا برگزار شده است. بعضی زایران روز قبل از سالگرد برای پخت و پز و کمک در یزد حضور دارند. اکثراً افراد نذورات را به صورت نقدی به حساب آشپزخانه واریز می‌کنند تا به نیت آنان مخارج صبحانه و شام تامین شود. برخی به طور شخصی کیک، شیرینی، آمیوه، میوه و آش در بین زایران در کنیسه‌ی یو خود و ملا آق بابا پخش می‌کنند. جا دارد از پرسنل محترم و زحمتکش نیروی انتظامی و ارگان‌های دیگر که برای بهتر شدن مراسم حداکثر همکاری را دارند به نمایندگی از یهودیان یزد تشکر کنم.

• **ملا آق بابا چه کسی بود؟**

رابرت گوهریان: او از خاندان هاراو اوشرگا و از بنیانگذاران این کنیسا بود.

• **جمعیت یهودیان یزد در حال حاضر چند نفر است؟**

رابرت گوهریان: ۲۸ نفر

• **وضعیت تشکیل عسارا (حضور ده نفر مرد**

**مکلف برای ادای نماز جماعت) به چه صورت است؟**

رابرت گوهریان: در اینجا فقط ۱۰ نفر شرایط تشکیل عسارا دارند. در اعیاد و روزهای شنبه این حد نصاب تشکیل می‌شود ولی طی هفته مشکل است. طی دو سال گذشته فقط مراسم شحریت (نماز صبح) به صورت جماعتی برگزار شده است.

• **مشکلی برای شحیطا (ذبح شرعی) و تهیه**

**مصا (نان فطیر ویژه عید پسخ) ندارید؟**

رابرت گوهریان: شحیطا برای پرندگان خیر، ولی گوشت (دام) را از شیراز یا تهران تهیه می‌کنیم. مصا تا ۳-۴ سال گذشته در یزد پخته می‌شد. ولی پس از آن از شیراز

(شستشوی شرعی) می‌کردند. مصای سنتی یزد ترد و نازک و با طعم خاص بود. برای مراسم پوریم حلوای مخصوص با برنج و شیر خرم و گلاب تهیه می‌کردند.

• **غذاهای یهودیان چه بود؟**

شهلا داوودپور: آش شولی و پلو با زیره و نخود آبگوشتی با مرغ که از غذاهای مردم یزد هم به شمار می‌آید. پلوی مذکور را شب‌های شنبه یا شنبه صبح ( شبات ) و برای مهمانی‌های رسمی تهیه می‌کردند. آش شولی با آرد و سبزی و نخود کوبیده با چغندر یزدی که سفیدرنگ است تهیه می‌شد.

• **لطفا در مورد کنیسه‌های یزد بفرمایید.**

رابرت گوهریان: در یزد ۱۲ کنیسه به این شرح وجود دارد ولی اکنون فقط کنیسه‌های یو خود و ملا آقا بابا دایر است.

کنیسه‌های: یو خود، ملا اسحق، ملا یوسف، ملا آقا بابا، نظام، ملا شمویل، کمال، حاداش، الی، الیاهو، الیاس نبی (الیاهویناوی) و حاخام.

• **تخصیص‌های مهم یزدی کدامند؟**

رابرت گوهریان: حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار. حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار: ملا یوسف اورشرگا (از نوادگان هاراو اوشرگا) که سال‌ها رهبر دینی ایران بودند و در سال ۱۳۸۶ فوت کردند. حاخام یوسف حییم همدانی که از طایفه حاجی هیلل از سال ۱۳۷۱ رهبر دینی کلیمیان ایران بودند.

• **پوشش و لباس کلیمیان یزد چگونه بود؟**

رابرت گوهریان: در ۱۰۰-۱۵۰ گذشته اکثرا عبا یا قبا می‌پوشیدند. برخی روحانیون عمامه مخصوصی بر سر می‌گذاشتند. پوشش زنان روسری و چادر بود.

• **گورستان یزد در کجا واقع شده است؟**

رابرت گوهریان: گورستان در همان زیارتگاه هاراو اوشرگا است.

• **خانه‌های یزد به چه صورت بود؟**

با لهجه یزدی می‌خواندند. شب بعد مراسم خنابندان بود. خانواده عروس حنا را به همراه شمع و اسفند به خانه داماد می‌بردند. و مراسم خنابندان در منزل داماد برگزار می‌شد.

شهلا داوودپور: یکی از مراسم، حمام رفتن بود. ابتدا یک آقا به خانه داماد می‌رفت و صورت او را اصلاح می‌کرد. سپس آقایان داماد را به حمام و خانم‌ها عروس را به حمام و بعد میقوه (حوضچه غسل شرعی) می‌بردند. پشت در حمام دف و دایره می‌زدند. سپس برای کتوبا (عقد شرعی) به دفتر حاخام می‌رفتند.

• **عروسی‌ها چگونه برگزار می‌شد؟**

خداداد گوهریان: عروسی‌ها در خانه‌ها برگزار می‌شد و سالی نبود. مطرب‌ها از اصفهان یا شیراز برای عروسی‌ها دعوت می‌شدند. تنبک و ویولون می‌زدند یا خود یزدی‌ها شیرا (سرودهای مذهبی) می‌خواندند و ضرب می‌زدند.

• **شام عروسی چه بود؟**

شهلا داوودپور: عروسی‌ها ساده بود. همه یزدی‌ها دعوت می‌شدند. یک نوع شام چلو خورشت یا پلو مرغ با سالاد داده می‌شد.

شبات عروسی در شنبه پس از عروسی برگزار می‌شد.

صبحانه تخم‌مرغ، سیب‌زمینی، بادمجان و چای

مخصوص شبات داده و بعد از ظهر شبات، پلو

نخود با مرغ یا آش داده می‌شد.

• **پاتختی چگونه بود؟**

شهلا داوودپور: در یزد آن را «روی دست کردن یا پاتختی» می‌نامیدند و یکشنبه یا دوشنبه بعد از شبات عروسی برگزار می‌شد. عروس روی صندلی می‌نشست و مردم بنا بر وسع‌شان به او کادو می‌دانند.

• **لطفا رسوم یهودیان یزد را بفرمایید.**

حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار: یزدی‌ها درعید پسح ظروف مخصوص پسح، شامل سرویس کامل چینی و قاشق و چنگال نقره داشتند. فقط دیگ‌های بزرگ را هگعالا



تا روی کار آمدن ناصرالدین شاه بوده است. در این دو دوره نگرش‌های مردم هم براساس نگاه حاکمان و هم علما و فقهای دینی بوده است. با توجه به شرایط جامعه و سنت‌های مردم، آنان اول تابع احکام حکومتی، دوم احکام شرعی و فقهای دین بودند. اولاً از ابتدای ورود اسلام به ایران نظر حاکمان که بر اساس حاکمیت اسلامی بوده است. آنان درصدد بودند اقلیت‌های دینی نسبت به اکثریت مسلمان شناخته شوند. دوماً نظر فقهای اسلامی بر این بوده است که اقلیت‌های دینی بیشتر جذب اسلام شوند. بنابراین ما می‌بینیم تعصبات و فشارهای اجتماعی بر اقلیت‌ها بیشتر بوده است، حتی در برخی موارد منجر به رویگردانی از دین خود می‌شده است. ولی ما می‌بینیم پس از روی کار آمدن ناصرالدین شاه تا پایان مشروطیت و دوره پس از مشروطیت تا انقلاب اسلامی نگرش‌ها متفاوت می‌شود. اگر نگاه کنیم در دوره ناصرالدین شاه رویکرد فرهنگی ایران با گذشته متفاوت می‌شود. اولاً با توجه به روابط تجاری و تغییر رویکرد اقتصادی ایران از کشاورزی به تجاری، رابطه ایران با اروپاییان برقرار می‌شود. از طرفی حضور اروپاییان در ایران نگرش‌ها را متفاوت می‌کند. با آمدن مشروطیت و شعار تساوی خواهی، باز اندیشه‌ها و نگرش‌ها با قبل متفاوت می‌شود. از طرفی روی مردم و نظریات آنان تاثیرگذار است. از این روی است که ما می‌بینیم که تعصبات مردم کمتر می‌شود. پس از مشروطیت و اواخر قاجار، دوران پهلوی اول و دوم تا انقلاب اسلامی حتی می‌بینیم که اقلیت‌های دینی دارای نماینده در مجلس می‌شوند. در جمهوری اسلامی با طرح اصل ۱۳ قانون اساسی حقوق اقلیت‌ها محترم شمرده می‌شود. فرهنگ مردم نسبت به گذشته متفاوت می‌شود. علاوه بر اقلیت‌های مذهبی نگاه متفاوت به قومیت‌های دیگر پذیرفته شده است.

جا دارد از همه صاحب‌شوندگان به ویژه رابرت گوهریان که با صبر و حوصله فراوان همکاری کرده‌اند تشکر کنیم. ■

رابرت گوهریان: خانه‌های خشتی در کویر یزد ۳دری یا ۵ دری با درهای اروسی، زیرزمین، بادگیر و حوض بزرگ بود. خانه‌ها با توجه به وضعیت مالی هر خانواده متفاوت بود. ولی اکثراً در هر اتاق خانه، یک خانواده یهودی زندگی می‌کردند.

#### • مدرسه مختص کلیمیان در یزد بود؟

بله دبستان و راهنمایی اتحاد بود که تا سال ۶۱ دانش‌آموزان یهودی تحصیل می‌کردند.

#### • علاوه بر یزد یهودیان در چه شهرهایی ساکن بودند؟

رابرت گوهریان: در گذشته در مهریز، تفت، ده بالا، مجومرد، اردکان، طرزجان، منشاد و میبد زندگی می‌کردند. آنان دوره گرد و پارچه فروش بودند. برای اعیاد و اجرای مراسم به یزد می‌آمدند.

#### • تعامل یهودیان با پیروان ادیان دیگر چگونه بود؟

قبلاً یهودیان پیلهور با زرتشتی‌ها معامله می‌کردند. برای آب خوردن و استراحت به منزل‌شان می‌رفتند. خیلی مواقع زرتشتی‌هایی که برای خرید می‌آیند، سراغ آنان را می‌گیرند و از خاطرات‌شان از آن دوران می‌گویند.

#### • با توجه به بافت سنتی مذهبی یزد، آیا

#### تعصباتی بود؟

رابرت گوهریان: در گذشته گاهی تعصباتی بود. با اعلام نظر رهبر معظم انقلاب که فرمودند اهل کتاب پاک هستند و افزایش سطح فرهنگ و آگاهی، تعصبات هم از بین رفته است. با دوستان و همسایه مسلمان مشکل خاصی نداشتیم. حتی در گذشته چراغ‌های شب‌تاب (شنبه) را آنها برای ما روشن می‌کردند.

#### • علت تعصبات مذهبی نسبت به غیر مسلمانان

#### در گذشته چه بود؟

مرتضی نیک روش: بیشترین حضور اقلیت‌های دینی به ویژه زرتشتیان در یزد در دوران تیموری بوده است. البته اقلیت یهودی شاهد تاریخی قبل از آن داشته است. بیشترین تعصبات در دوران صفوی و نیمه اول دوران قاجار

## بررسی مقابر منسوب به پیامبران بنی اسرائیل در ایران

یاسمن غنی\*

کارشناس ارشد ایران‌شناسی

نوادگان حضرت موسی بن جعفر، هفتمین امام شیعیان بوده‌اند.

حضرت اسحق تقریباً به سال ۲۰۶۱ پ.م. به دنیا آمد. او غالباً در قسمت جنوبی مملکت کنعان و آن حوالی به سر می‌برده است. به روایت اکثر مورخان یهودی و مسلمان، عیسو و یعقوب او را در ملک مقبره‌ی ابراهیم که به مکفیله معروف بود دفن کردند و هرگونه ادعایی مبنی بر وجود مقبره‌ی این پیامبر در ایران حتی اگر بعدها در مکان‌های دیگری مشاهده شود، با استنادات تاریخی کاملاً مغایرت دارد.

### ۴. مقبره‌ی اشعیا، شهر اصفهان

اشعیا در سال ۷۴۰ پ.م. نبوتش را آغاز کرد و قسمت اعظم زندگی خود را در اورشلیم سپری کرد. در اکثر منابع تاریخی و دینی یهود محل فوت وی را همان اورشلیم ذکر کرده‌اند و دور از منطق است که به ایران آورده شده باشد.

### ۵. مقبره‌ی انوش، شهرستان فلاورجان، استان

#### اصفهان

انوش نخست‌زاده‌ی شیث و نوه‌ی حضرت آدم بود. در بسیاری منابع تاریخی و حتی دانشنامه‌ها نامی از انوش به میان نیامده و مسئله‌ی پیامبری او نیز در منبعی ذکر نشده است. حال با توجه به کمبود اطلاعات از زندگانی و چگونگی فوت وی و با در نظر داشتن این مسئله که او بالغ بر ۵ هزار سال پیش می‌زیسته، بسیار بعید و عجیب به نظر می‌رسد که مقبره‌ای در فلاورجان داشته باشد.

### ۶. بقعه‌ی اوریا، شهرستان لردگان، استان

#### چهارمحال و بختیاری

به اعتقاد اهالی، شخص مدفون در بقعه، حضرت اوریای نبی است و او را به اشتباه از برادران حضرت داوود نبی می‌دانند.

اوریا در سال ۲۵۶۳ پ.م. می‌زیسته است و هم‌دوره با حضرت ارمیا بوده است. در کتاب مقدس ما با شخصیت‌های متفاوتی روبه‌رو هستیم که هم نام با این پیامبر بنی اسرائیل هستند. باید گفت وی ساکن سرزمین مقدس بوده و مدرکی جهت پذیرفتن وجود مزار او چه در روستای چشمه‌خانی

**مقدمه:** نظر به تعدد قبور منسوب به انبیاء بنی اسرائیل در ایران، اهمیت وجودی این مقابر و مقبولیتی که نزد پیروان دارند و نیز با توجه به عدم صورت گرفتن پژوهشی علمی پیرامون صحت و سقم انتساب این آرامگاه‌ها به اشخاص مدفون در آن، تصمیم بر آن شد تا درستی یا نادرستی این انتسابات بررسی شود و زندگی و تاریخچه‌ی رسالت این انبیاء یا بزرگانی که نامشان در کتاب مقدس ذکر شده است، با بررسی امکان یا علت مهاجرت ایشان به ایران (با توجه به اینکه بر اساس منابع تاریخی و دینی عموماً در میان رودان، فلسطین و اردن می‌زیسته‌اند) مورد تحقیق و مطالعه قرار گیرد که در نهایت، جز در چند مورد خاص، انتساب بقیه مقابر قابل پذیرش نبود.

### ۱. بقعه ارم بن سام، شهر خورموج، شهرستان

#### دشتی، استان بوشهر

ارم یا آرام، پسر سام بن نوح است. با توجه به اطلاعات اندک از او و نبود هیچ سند و مدرک تاریخی دال بر ورود و زندگی وی در ایران، ضعیف به نظر می‌رسد که این محل، بقعه ارم بن سام نوه‌ی حضرت نوح باشد.

### ۲. مقبره‌ی ارمیای نبی، روستای جیغه، شهرستان

#### هریس، آذربایجان شرقی؛ و بقعه ارمیا، روستای ارمیان، شهرستان شاهرود، استان سمنان

ارمیای نبی از بزرگترین انبیاء بنی اسرائیل پسر کاهن عناتوت واقع در سرزمین بنیامین (شمال شرقی اورشلیم) است که در حدود ۶۵۰ پ.م. متولد شد و در سرزمین مقدس به نبوت رسید. در برخی منابع محل دفن وی را اورشلیم بیان کرده‌اند. گفتنی است عده‌ای زرتشت، پیامبر ایرانی را شاگرد ارمیا و یا خادم برخی از شاگردان ارمیا دانسته‌اند اما در هیچ کتاب و سند تاریخی به آمدن آن حضرت به ایران اشاره‌ای نشده است.

### ۳. بقعه‌ی اسحق، دزفول، استان خوزستان؛ و

#### بقعه‌ی اسحق، مرودشت، استان فارس

در بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد هر دو مقبره مربوط به امامزادگانی هم نام با حضرت اسحق بوده است. این دو امامزاده هر دو از فرزندان پدرانی به نام ابراهیم و از

\*- گزارشی از پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد ایران‌شناسی با عنوان «بررسی تاریخی-توصیفی مقابر پیامبران در ایران»، نگارنده: یاسمن غنی؛ استاد

راهنما: دکتر محمدحسین رجیبی‌دوانی؛ بنیاد ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، شهریور ۱۳۹۹

محققان و مورخان دیدگاه‌های گوناگونی ابراز داشته‌اند اما در این مورد که به ایران نیامده و وارد همدان نشده اتفاق نظر دارند.

#### ۱۰. مقبره‌ی حیقوق (حبقوق)، تويسرکان، استان همدان

حبقوق معاصر ارمیا و دانیال بود و در اوایل قرن ۷ در اورشلیم می‌زیست و پس از فتح آن به بابل به اسارت برده شد. وی از جمله اسرای بود که به همراه عده‌ی زیادی از یهودیان از جمله حضرت دانیال پس از گذراندن مدت طولانی در اسارت به سرزمین پارس آمدند. او در این منطقه رحلت نمود و به خاک سپرده شد. در منابع بسیاری از مقبره او در تويسرکان یاد شده اگرچه مدرک متقن و قابل قبولی که نشان دهد او به ایران آمده و در تويسرکان دفن شده، موجود نیست. گفتنی است که در شهر کاداریم در شمال اسرائیل نیز مقبره‌ای به نام حضرت حبقوق وجود دارد، اما شهرت و مقبولیت زیارتگاه تويسرکان بسیار بیشتر است.

#### ۱۱. بقعه‌ی دانیال - شوش، خوزستان؛ مقبره‌ی دانیال - تنکابن، مازندران؛ بقعه‌ی دانیال - شاهرود، سمنان؛ بقعه‌ی دانیال - گلپایگان، اصفهان

دانیال به سال ۶۰۵ پ.م. همراه با دیگر جوانان یهودی به بابل به اسیری برده شد؛ همان جایی که بقیه‌ی عمرش را سپری کرد و در همان‌جا به نبوت رسید. پس از فتح بابل نیز مورد لطف و عنایت کوروش بود. البته در پایان مشخص نیست که آیا به اورشلیم بازگشت یا نه. روایات متعددی پیرامون محل فوت دانیال وجود دارد، بعضی گفته‌اند او پس از اعلام آزادی اسرا توسط کوروش و امکان بازگشت به اورشلیم بدان‌جا مراجعت کرد و در همان‌جا وفات نمود، اما برخی بر این باورند او در همان شوش فوت کرده و دفن شد. بعضی دیگر نیز معتقدند او در بابل فوت کرده است، و در برخی منابع نیز می‌خوانیم که دانیال در بابل فوت کرده و پیکر او را بعدها به شوش انتقال داده‌اند. قبرهای متعددی نیز در فلسطین اشغالی و عراق منسوب به دانیال است. همچنین، بنا بر قولی، سه یار همراه دانیال هم در مسجد انبیاء در قزوین مدفون‌اند. به هر روی، در خصوص وجود مقبره‌ی حضرت دانیال نبی در شوش، مورخان و سفرنامه‌نویسان بسیاری در رسالات خود به آن اشاره کرده و گاه به شرح آن پرداخته‌اند. در خصوص سایر مقابر منتسب به حضرت دانیال، با توجه به نبود مقبولیت مردمی و نیز عدم وجود سند و مدرک تاریخی دشوار بتوان انتساب‌شان را صائب دانست.

لردگان و چه در نقطه‌ای دیگر از خاک ایران وجود ندارد و قابل اثبات نیست.

#### ۷. بقعه‌ی ایوب و یوشع رودبار الموت، قزوین؛ بقعه‌ی ایوب تنکابن، مازندران؛ بقعه‌ی ایوب مرودشت، فارس؛ بقعه‌ی ایوب بجنورد، خراسان شمالی

کتاب مقدس می‌گوید ایوب در سرزمین عوص (منطقه‌ای در حوالی دمشق یا ناحیه‌ای بر کنار فرات) زیست می‌کرد. به گفته‌ی مورخان ایوب در منطقه‌ی عوص در جنوب‌غربی بحرالمیت و شمال خلیج عقبه یا در بَنیّه، منطقه‌ای میان دمشق و آذرعات، زندگی می‌کرد. به نقل اکثریت مورخان محل دفن ایوب شام است در روستایی که مقام او بود و آن‌جا را به نام تربت ایوب می‌خوانند و برخی نیز مدفن آن حضرت را در قلعه‌ی کوه حِجاف در ۸۰ مایلی عَدَن دانسته‌اند. البته وی در کشورهای مختلف مانند عراق، لبنان، فلسطین، عمان، ترکیه، ازبکستان و ایران دارای مدفن و بارگاه است. اما به هر روی هیچ سند و مدرک تاریخی وجود ندارد که نشان‌دهنده‌ی حضور یا ورود ایوب به خاک ایران باشد.

#### ۸. مقبره‌ی حَجّی، همدان

حَجّی (حَجّی) نام یکی از انبیاء بنی‌اسرائیل است. در عهد عتیق کتابی به نام او وجود دارد که بر اساس گفته‌های کتابش وی شاهد تخریب هیکل سلیمان بوده و در بازگشت اولین گروه از اسرای بنی‌اسرائیل از بابل، به همراهی زروبابل به اورشلیم مراجعت نمود. او به روایتی حدود ۲۴۲۰ سال پیش و به روایتی دیگر در سال ۵۲۰ پ.م.، در سال دوم سلطنت داریوش هخامنشی نبوت می‌نمود و پس از بازگشت به همراه زکریا، یهودیان را به تعمیر هیکل ترغیب فرمود. همچنین مقبره‌ای نیز در اورشلیم به نام او وجود دارد. دلیلی بر بازگشت وی به ایران نه تنها وجود ندارد که در جایی هم بیان نشده که به ایران یا همدان کوچ کرده باشد. به هر حال، گفته‌ها به حدی نیست که بتوان انتساب این مقبره به حضرت حَجّی را قاطعانه پذیرفت.

#### ۹. بقعه‌ی حزقیل، دزفول، استان خوزستان

حضرت حزقیال (حزقیل) احتمالاً به سال ۶۲۷ پ.م. در یهودیه متولد گردید و پس از محاصره‌ی اورشلیم به اسارت برده شد و در اراضی کلدانیان در کنار نهر خابور (یکی از شاخه‌های فرات) ساکن و در مقبره‌ای در حوالی بغداد میان کوفه و حله مدفون می‌باشد. یهودیان از گذشته‌های دور و از سرزمین‌های مختلف به زیارت این آرامگاه در عراق می‌آمدند. درباره‌ی زمان و مکان زندگی و نبوت این نبی

## ۱۲. بقعه‌ی حضرت داوود، روستای داوود پیغمبر،

### اژنای لرستان

داوود در بیت‌لحم به دنیا آمد. در سن ۷۱ سالگی وفات یافت و بر کوه صهیون در شهر داوود او را دفن کردند. در منابع دیگر، از مقبره‌ی دیگری منتسب به او در حلب سوریه یاد شده است. در خصوص مقبره‌ی منتسب به حضرت داوود در لرستان که البته بر طبق هیچ منبعی جز روایات محلی و فهرست سازمان اوقاف مطرح و قابل قبول نیست، بسیار بعید و دور از ذهن است که وی که در بیت‌المقدس مقرر پادشاهی‌اش بوده و بر طبق نوشته‌های کتاب مقدس در همان‌جا دفن شده و دارای مقبره است، در چنین منطقه‌ای دارای زیارتگاه باشد.

## ۱۳. بقعه‌ی زکریا، انبارالوم، استان گلستان

در کتاب مقدس، ۲۸ شخصیت مختلف با نام زکریا هست که دو تن از آنان از شهرت بیشتری برخوردارند. یکی در میان بنی‌اسرائیل و دیگری در میان مسلمانان. اولین، زکریا پسر برکیا است که در بابل به دنیا آمد و ۴۴ امین نبی بنی‌اسرائیل و یازدهمین نبی از دوازده انبیای کوچک است. وی هم‌دوره‌ی حجی نبی بود که همراه با زروبابل و یوشع در سال ۵۳۸ پ.م. از اسارت به یهودیه برگشتند. دومین زکریا که نامش در میان مسلمانان و مسیحیان شناخته شده‌تر است، کاهنی از فرقه‌ی ابیا بوده که در دوره‌ی سلطنت هیروودیس حدود ۲ هزار سال پیش زندگی می‌کرده و نسب وی به سلیمان بن داوود می‌رسید، در اورشلیم می‌زیست و پیوسته در مسجد اقصی به عبادت خدا می‌پرداخت. وی پدر یحیی تعمیددهنده بود. درباره‌ی سال‌های پایانی عمر اولین زکریا اطلاعات چندانی نداریم، و پیرامون زکریای دوم تنها در انجیل لوقا گفته شده که توسط کاتبان و فریسیان یهودی در میان مذبح و هیکل (قربانگاه و عبادتگاه) کشته شد. اما دو مقبره به وی منسوب است یکی در مسجد جامع‌الکبیر حلب در شمال سوریه و دیگری در کوه زیتون در سرزمین مقدس. نکته قابل توجه آن است که تمامی مقابر ذکر شده برای حضرت زکریا چه در بیت‌المقدس چه در حلب و چه مقبره‌ای که موضوع بحث ماست (در منطقه انبارالوم استان گلستان)، همگی متعلق به زکریایی می‌باشند که پدر یحیی است و از سرنوشت زکریای اول، پیامبر بنی‌اسرائیل که در زمان داریوش هخامنشی می‌زیسته، اطلاعی در دست نداریم. احتمال می‌رود در حوالی منطقه‌ی گرگان که در گذشته استرآباد نامیده می‌شد عده‌ی کثیری از اسباط ده‌گانه‌ی

اسرائیل ساکن بوده‌اند، زیرا تا عصر ربی بنیامین تودلا (قرن ۱۲ میلادی) که مسافرتی به ایران نموده، صحبت از کثرت یهودیان در این ایالت و تا سمرقند و تبت و هند شده است و مقبره‌ای هم که مورد توجه و زیارت ترکمانان در ایران است، به احتمال زیاد مدفن یکی از بزرگان یهود است؛ چراکه گرگان (استرآباد سابق) محل زندگی بسیاری از یهودیان مهاجر به ایران بوده است.

## ۱۴. بقعه‌ی سام و لام، سمنان؛ بقعه‌ی سام و

### جالوت، رودبار الموت، قزوین

سام نام اولین پسر نوح است و در برخی منابع آمده که در شام و در برخی دیگر آمده که در کوه‌های اطراف بیت‌المقدس دفن شده است. از این رو، با توجه به این که نوح پسری به نام لام نداشته و پسر اولش هم که سام بود، بر طبق بسیاری منابع در بیت‌المقدس مدفون است، هیچ‌گونه سند و مدرکی دال بر حضور او در ایران موجود نیست. پس بسیار بعید به نظر می‌رسد مقبره‌ای که در سمنان است یا زیارتگاهی که در قزوین وجود دارد، ارتباطی به سام پسر نوح داشته باشد و با توجه به نسب‌نامه‌هایی که از صاحبان این بقاع وجود دارد، احتمال بیشتر آن است که مدفن امامزاده یا بزرگی هم نام آن حضرت باشد تا یک پیامبر. طی تحقیقاتی که انجام شد، در فهرست امامزادگان، مقابر دیگری هم یافت شد که مدفن دو تن به نام‌های سام و لام بودند مانند بقعه سام و لام در اطراف ملایر و چندین بقعه‌ی دیگر.

## ۱۵. بقعه پیغمبریه‌ی قزوین (چهار انبیاء): سلام،

### سَلوم، سَهولی، اَلقیا

پیرامون مدفونین در این مقبره در سفرنامه و تذکره‌ها و منابع مختلف مطالب اندک و متفاوتی آمده اما با توجه به کمبود اطلاعات کافی و شرح حالی از این چهار نفر و این که در میان پیامبران ذکر شده، در کتاب مقدس و دیگر منابع با نام چنین پیامبرانی مواجه نشده‌ایم، به سختی می‌توان انتساب این بقعه به مدفونین را به‌عنوان پیامبر پذیرفت و هیچ‌گونه اظهار نظر قطعی در این زمینه نمی‌توان داشت.

## ۱۶. مقبره‌ی سموئیل، روستای پیغمبر، استان

### مرکزی

سموئیل با تلفظ عبری «إِسْمُوئیل»، در ۱۱۰۵ پ.م. در اورشلیم متولد گشت. وی آخرین داور و اولین نبی بعد از تشکیل حکومت در سرزمین مقدس محسوب می‌شد. در کتاب اول سموئیل ذکر شده که وی را پس از وفاتش در خانه‌اش در رامه (حوالی اورشلیم) دفن کردند و در اکثریت



که او در ایران مقبره داشته باشند و از جایی که مقابر نامبرده بدون هیچ سند و مدرکی و تنها بر اساس خواب و باور مردم بنا شده و دارای نسب نامه و شجره‌نامه هم نیست و قدمت چندان زیادی هم ندارد پس این زیارتگاه‌ها عقلاً نمی‌تواند مدفن او باشد و تنها منسوب به حضرت شیث است.

#### ۱۹. بقعه‌ی عزرای نبی، دشت میشان، استان خوزستان؛ بقعه‌ی عزرای نبی، روستای دینه‌گرد، استان مرکزی

عزرا نام کاتب و کاهن یهودی در سده‌ی پنجم پیش از میلاد بوده که دومین گروه مهاجرین یهودی را که از اسارت بابل به فلسطین باز می‌گشتند، رهبری می‌کرد. او به خاطر مقام مقدسی که احراز کرده بود، در دربار سلطنتی پارس نیز رفت و آمد داشت و به احتمال زیاد وی ساکن شهر شوش بوده است و در مسافرت آخر در میانه‌ی راه شوش به بابل فوت کرده است. در دیگر منابع نیز می‌خوانیم که عزرا هنگام یکی از مسافرت‌های خود به ایران میان بصره و کوت‌العماره فوت و مقبره‌ او هنوز باقی می‌باشد. چندین مقبره در ایران و فلسطین و سوریه و عراق به او منسوب است که مقبره‌ی واقع در کشور عراق از شهرت و مقبولیت بیشتری برخوردار است. با در نظر گرفتن تاریخ زندگانی و محل سکونت او و نظر مورخین و اینکه طبق هیچ اقوالی، هیچ مورخی قبر او را در ایران ذکر نکرده است، در مورد مقبره موجود در خوزستان با توجه به اینکه اطلاعاتی در این زمینه ثبت نشده است خود نشان از ناموثق بودن این انتسابات دارد و به احتمال قوی تر مقبره عزرای نبی همان مقبره‌ی ای باشد که در بصره‌ی عراق است.

#### ۲۰. بقعه‌ی لوط، رباط کریم، استان تهران

لوط برادرزاده‌ی ابراهیم بود. او در شهر اورکلدانیان جایی که پدرش درگذشت، متولد گردید. او با ابراهیم از اورکلدانیان حرکت کرده به حران واقع در میان رودان آمدند و از آنجا به کنعان رفتند. آنچه از منابع یهودیان و منابع اسلامی و نوشته‌های مورخان استنباط می‌شود، این است که لوط در نهایت در همان منطقه‌ی فلسطین ساکن شده و در همانجا از دنیا رفته است و این که قبر او در نزدیکی قبر حضرت ابراهیم باشد، کاملاً منطقی است. مقبره‌ای که در رباط کریم وجود دارد و به او منسوب است، اولاً دارای سبقه‌ی تاریخی چندان نبوده و بنای آن مربوط به دوره‌ی قاجار است و ثانیاً، برای انتساب این بقعه به حضرت لوط هیچ سند و مدرکی در سازمان اوقاف موجود نیست و صرفاً

منابع تاریخی نیز مقبره‌ی وی در رامه معرفی شده است. در کتاب مقدس هیچ اشاره‌ای به خروج حضرت سموئیل نبی از اراضی مقدس فلسطین نشده است و با توجه به آن که اطلاعات ما از این نبی وابسته به منابع یهودی است و آن منابع جملگی مدفن او را در سرزمین مقدس می‌دانند و با در نظر گرفتن محل نبوت و رسالت آن حضرت و این که برای هدایت قوم بنی‌اسرائیل در دوره‌ی تاریک از تاریخ یهود فرستاده شده بودند، انتساب چنین مقبره‌ای به آن حضرت در ایران، امری غریب و دور از ذهن است. با این همه، این امکان وجود دارد که مدفون در آن بقعه، یکی از صلحا یا بزرگان دینی یهود در گذشته بوده که با حضرت سموئیل نبی که در سرزمین مقدس مدفون گردیده، تشابه اسمی داشته است.

#### ۱۷. بقعه‌ی شعیب نبی، شهرستان شوشتر، استان خوزستان؛ بقعه‌ی شعیب، شهرستان قوچان، استان خراسان رضوی

در منابع اسلامی از پیامبری به نام شعیب یاد شده است که در کتاب مقدس با نام پیترون و یا رعوئیل معرفی شده است. حضرت موسی با دختر او به نام «صفوره» ازدواج کرد. به عقیده‌ی طبری، مدین یا مسکن شعیب در جنوب سوریه است و در نتیجه، مقبره‌ی شعیب باید نزدیک شهر سلط اردن باشد. فارغ از آن که محل دقیق مقبره‌ی حضرت شعیب در کدامیک از نقاط یاد شده است، قابل توجه است که هیچ‌یک از مورخان و سفرنامه‌نویسان در نوشته‌های خود به مقبره حضرت شعیب در قوچان یا خوزستان اشاره‌ای نکرده‌اند، و با توجه به محل سکونت و رسالت این نبی، بسیار بعید و دور از ذهن است که بدون هیچ دلیل و مدرکی مقابر منتسب به وی را در ایران بپذیریم.

#### ۱۸. بقعه‌ی شیث، خنداب، استان مرکزی؛ بقعه‌ی

شیث، روستای مهکویه سفلی فیروزآباد، استان فارس  
حضرت آدم سه پسر داشت که سومین شیث بود. برای او قبور متعددی معرفی شده، از جمله قبر موجود در غار کوه ابوقبیس در اطراف مکه، مقبره‌ای در شمال موصل، مدفنی در بیت‌المقدس در جوار مدفن آدم و حوا و همچنین مقابری در لبنان و اردن. به هر صورت با توجه به فاصله‌ی زمانی بسیار زیادی که از دوره زندگانی شیث گذشته و نبود سندی مکتوب، تا حدّ زیادی ناممکن است که مکان مقبره‌ی وی را حدس بزنیم. اما می‌دانیم که در هیچ‌کدام از نوشته‌های مورخین و محدثین هیچ‌گونه اشاره‌ای به حضور این پیامبر در خاک ایران نشده است و غیرقابل قبول و ناباورانه است

### ۲۳. مقبره‌ی یعقوب، گرگان، استان گلستان

حضرت یعقوب را در مقبره‌ی موجود در «مغاره» که در صحرای مکفیله در کنعان واقع است، نزدیک پدر و جدش اسحاق و ابراهیم، دفن کردند. این موضوع بنا به گفته‌های کتاب مقدس و نوشته‌های اکثر مورخین و شواهد و مدارک تاریخی، مورد قبول است و هیچ‌گونه سند و مدرکی دال بر حضور این نبی در ایران وجود ندارد و مقبره‌ی موجود در گرگان تنها منتسب به او است و به احتمال قوی، مقبره‌ی یکی از بزرگان هم نام با حضرت یعقوب می‌باشد.

### ۲۴. بقعه‌ی یوشع، اصفهان

یوشع بن نون، نبی، معاون و جانشین حضرت موسی بود. یوشع را در شهر خودش، «تَمَنه سارح»، شهری در سرزمین مقدس دفن کردند. در مورد محل مقبره او نیز اقوال متفاوت است اما به احتمال بسیار قوی مقبره وی در همان منطقه است. برخی نیز بر این باورند که احتمالاً غیر از حضرت یوشع که وصی حضرت موسی بود، یوشع دیگری نیز در ادوار بعدی زندگی می‌کرده؛ که اولی قبرش در سرزمین مقدس و دومی قبرش در اصفهان است. در منبع دیگری پیرامون مزاری که در تخت فولاد اصفهان وجود دارد، آمده است که کوروش، پادشاه هخامنشی ایران، یهودیان را از اسارت بابل نجات داد و آن‌ها را به ایران کوچ داد و تعدادی از آنان را در اصفهان ساکن گردانید که این یهودیان برای خود شهری به نام «یهودیّه» احداث کردند که در محل «جوباره» فعلی اصفهان واقع بوده است و گفته شده دو تن از پیامبران و پیشوایان مذهبی آنان به نام‌های «شعیبا» و «یوشع» در اصفهان به خاک سپرده شدند. «شعیبا» در محل فعلی امامزاده اسماعیل در محله گلبار اصفهان و «یوشع» در تخت فولاد در اراضی لسان‌الارض مدفون است. مردم اصفهان «یوشع» مدفون در لسان‌الارض را «یوشع نبی» می‌دانند و او را به‌عنوان یکی از پیامبران بنی‌اسرائیل می‌شناسند؛ اما در منابع یهودی اشاره نشده که «یوشع» از پیامبران یهود، در اصفهان مدفون باشد. به هر روی، مقبره‌ی یوشع در تخت فولاد نمی‌تواند از آن حضرت یوشع بن نون باشد و نبی دیگری نیز به این نام در تاریخ قوم یهود ندارد.

### ۲۵. بقعه‌ی یونس زُنُوز، شهرستان مرند، استان

#### آذربایجان شرقی

حضرت یونس احتمالاً در قرن ۸ یا ۹ پ.م. می‌زیسته است. یونس و ناحوم در زمان سلطنت سِنخَریب از جانب

بر اساس باور مردم روستا پذیرفته شده است و هیچ دلیل تاریخی، عقلی و نقلی وجود ندارد که حضور وی را در این منطقه تأیید کند.

### ۲۱. مقبره‌ی استر و مردخای، همدان

مردخای از بزرگان و از انبیای بنی‌اسرائیل است که نزد یهودیان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. همان‌طور که در رساله‌ی استر گفته شده، او در سال ۵۹۷ پ.م. به بابل مهاجرت نمود. وی پسرعموی استر است و بیشترین اطلاعات از شخصیت او را در رساله استر در عهد عتیق داریم. در برخی منابع تاریخی پیرامون استر و مردخای آمده اخشوروش (احتمالاً خشایارشا) پس از سیزده سال از ازدواجش با استر، با توطئه‌ی درباریان به قتل رسید و استر و مردخای که می‌دانستند دربار دیگر جای آنان نیست، پایتخت را ترک نموده، به همدان رفته و در آن شهر که مسکن عده‌ی بسیار زیادی از یهودیان بود، اقامت گزیدند. پیرامون این انتساب سند تاریخی یا باستان‌شناسانه‌ای صحت تعلق آرامگاه همدان به استر و مردخای را تأیید نمی‌کند اما قرن‌هاست که مورد مقبولیت ایرانیان کلیمی است. با توجه به تفاسیر و نوشته‌های سیاحان و مورخان تنها بنایی که تا کنون به‌عنوان مقبره برای مردخای نبی معرفی شده است، همین بنای موجود در همدان است و بعد از زیارتگاه بیت‌المقدس، دومین زیارتگاه یهودیان در جهان است.

### ۲۲. امامزاده نوح نبی‌الله روستای جهت‌آباد،

#### شهرستان نورآباد ممسنی، استان فارس

در کتاب مقدس به محل وفات و دفن نوح اشاره‌ای نشده است. مقابر منسوب به حضرت نوح بدین شرح است: در اورشلیم، در قریه‌ی ثمانین نزدیک کوه جودی در موصل، در نخجوان، در کوه بوذ در هند، در مکه بین زمزم و رکن و مقام، در کوفه، در کرک بعلبک لبنان، در مغاره‌ی قدس، در کنار آدم و سام و ابراهیم و اسحاق و یعقوب، در نجف اشرف در کنار حضرت آدم و حضرت علی (ع). نکته‌ی مهم آن‌که در خصوص شهر شیراز در کتاب تاریخ یهود آمده که این شهر زیارتگاهی ندارد و مردم افسانه‌های مذهبی هم ندارند. اگر زیارتگاه حضرت نوح که در تمامی ادیان شخص مهم و تأثیر گذاری بوده، در ایران بود، می‌بایست توسط مورخین و محدثین شناسایی و معرفی می‌شد یا حداقل اشاره‌ای به محل آن می‌شد که تاکنون نشده است و به احتمال زیاد، این بقعه مربوط به یک امامزاده یا یکی از بزرگان فارس است که هم نام با حضرت نوح بوده‌اند.

نکته سوم این است که قدمت اکثر این مقابر با توجه به دوره‌ی زندگانی آن انبیا بسیار کم و اکثراً از دوره‌ی صفوی به بعد است و تنها در چند مورد مانند مقبره‌ی مردخای با قدمتی بیشتر روبرو هستیم که آن هم از دوره‌ی ایلخانی تجاوز نمی‌کند و این مسئله خود بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا از دوره‌ی صفوی که تشیع، مذهب رسمی کشور شد، سیاست حاکمان بر آن بود تا به سمت ساختن چنین مقابری بروند و به احتمال زیاد، بسیاری از این مقابر مدفن اشخاصی هم نام با پیامبران بوده که احتمالاً از بزرگان یا از سادات و یا از یهودیان ساکن در آن منطقه بوده‌اند.

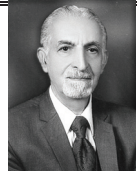
در باب چرایی و چگونگی حضور برخی انبیا در ایران نیز باید گفت که تنها دوره‌ای که انبیای بنی‌اسرائیل وارد خاک ایران شدند، دوره‌ی بعد از تصرف سرزمین مقدس و آوارگی قوم بنی‌اسرائیل (حدود ۵۷۰ ق.م) بود. اگر بپذیریم که نبی‌ای وارد ایران شده است، آن نبی باید برای پیروان خاص خود آمده باشد و زمانی این اتفاق می‌افتد که پیروان نیز به این سرزمین مهاجرت کرده باشند و در شرح سابقه‌ی ورود بنی‌اسرائیلی‌ها به ایران چنان‌که گفتیم نخست بار در دوره‌ی ماد در شمال و غرب ایران بوده (حدود ۷۴۱ پ.م) و سابقه‌ی ورود یهودیان در فارس و خوزستان جنوب ایران حدود ۵۳۵ پ.م. بوده است. با توجه به این مهاجرت‌ها شاید بتوان گفت اگر قبوری در این مناطق موجود باشد که منتسب به یک نبی هم‌نام با یکی از انبیاء بنی‌اسرائیل است، احتمال دارد از بازماندگان بزرگان این قوم بوده که در آن منطقه می‌زیستند. در نهایت از میان مقابر منسوب به انبیاء بنی‌اسرائیل، چنین به نظر می‌رسد که تنها در چند مورد خاص می‌توان پذیرفت که آن مقابر مدفن انبیا باشند. متقن‌ترین موارد مقبره‌ی دانیال در شوش است و بعد، مقبره‌ی مردخای در همدان و مقبره‌ی حبقوق در تویسرکان. در باقی موارد اگر نگوئیم که این انتسابات کاملاً مردود است، اما می‌توان گفت که سند و مدرک تاریخی برای پذیرش آن یافت نشده است. با این حال، این مقابر اگر مدفن پیامبران هم نباشند، و تنها مقبره‌ی یکی از اولیا یا اوصیا باشند، باز به واسطه‌ی این انتساب همواره برای پیروان ادیان آسمانی دارای ارزش و احترام است. ■

خداوند برای نبوت به شهر نینوا فرستاده شدند. در برخی منابع تاریخی آمده مدفن وی در نزدیکی شهر الخلیل فلسطین است و در برخی دیگر نیز گفته شده در نینوا در محل «نبی‌یونس» باشد. با آن‌که مقابر متعددی در کشورهای مختلف به حضرت یونس نسبت داده شده، اما با توجه به محل زندگی و رسالت او بیشترین احتمال آن است که مدفن اصلی‌اش در همان موصل عراق باشد که نسبت به سایر مقام‌های موجود از شهرت بیشتری برخوردار است و مزار موجود در روستای زنوز آذربایجان شرقی، صرفاً مورد قبول مردم محلی است و منتسب به او است زیرا هیچ سند و مدرک متقن و تاریخی برای حضور آن پیامبر در این منطقه بدست نیامده است و چه‌بسا در نقاطی دیگر در ایران هم از این دست بناهای منتسب به حضرت یونس که مقبولیت تاریخی و دینی ندارند وجود داشته باشد.

#### جمع‌بندی

در ایران، ۱۷۶۰ موقعیت جغرافیایی داریم که مناطق را به نام امامزاده‌ها، یا شهرها را به نام بقاع متبرکه تغییر نام داده‌اند و این مناطق پس از فوت آن شخص بزرگ تغییر نام یافته‌اند، مانند روستای داوود پیغمبر لرستان، روستای پیغمبر رباط کریم و بسیاری دیگر که البته این نام‌ها دلیلی بر تأیید انتساب این بناها به شخص مدفون نیست. آن‌چه در این پژوهش برای نگارنده مهم بود، آن بود که آیا همگی پیامبران مذکور در یک دوره بوده‌اند و دلیل حضور ایشان در ایران چه بوده که پس از تحقیقات لازم معلوم گشت این دوره بسیار گسترده‌تر از حد تصور است و بازه‌ای در حدود چهار هزارسال را در بر می‌گیرد، و جز واقعه‌ی تصرف سرزمین اسرائیل به دست آشوریان و سپس تصرف سرزمین یهودا به دست بخت‌النصر و اسارت قوم بنی‌اسرائیل در سده‌ی ۸ و ۶ پ.م. که موجب مهاجرت بسیاری از یهودیان و چندین نبی از بنی‌اسرائیل به سرزمین‌های شرقی (مانند ایران) شد، در باقی موارد دلیل و سند تاریخی برای این مهاجرت‌ها یافت نشد.

نکته‌ی دیگر آن‌که عده‌ای از این مقابر که به نام انبیاء ثبت شده، اولاً امامزاده‌هایی هستند هم‌نام با انبیای مذکور، که بر اثر بی‌اطلاعی مردم محلی به نبی مشهور گشته است. نیز این امکان وجود دارد که این مقابر صرفاً مکان مقدسی برای اهل کتاب بوده که بعدها تغییر کاربری داده و شاید بزرگی در آن مدفون شده و با توجه به پیشینه‌ای که داشته، به نام یکی از پیامبران ثبت شده است.



## «معلم سایه لطف خدا است»

تقدیم به تمام معلمین

تهیه و تنظیم : استاد رحمن دلرمیه

پژوهشگر و مدرس زبان و تعلیمات دین یهود

دهنده‌ی آن درخت. بزرگانی گفته‌اند: در هر کشوری، دهقان و معلم بهترین خدمتگزارند. دهقان نان می‌بخشد و معلم جان. تن نادان با مرده یکسان است و معلم در چنین تن جان می‌دهد. این شاگرد کوچک به وجود تو معلم بزرگ افتخار می‌کند. تو بودی که الفبای زندگی به من آموختی و با دلی گرم و سری پر شور آگاهم کردی و درس عزت یادم دادی. پس هستی‌ام از هستی تو است. به تو عشق می‌ورزم و به وجودت مباحثات می‌کنم و یکی از افتخاراتم در طول زندگی این است که بر دستان پر برکت تو بوسه زده‌ام. به تو سوگند می‌خورم و به خدایی که تو را آفرید و عزت داد قسم یاد می‌کنم که تاکنون به غیر از خدا و انبیاء و اولیاء عظام او مدح کسی را نگفته‌ام و اینک با سربلندی و با صدای بلند مدح تو می‌گویم. مدح تو باعث عزت من است از هیچکس نشنیده‌ام که از تعریف گل روبرگرداند و تو گل زندگی من هستی.

معلم گرانقدر، تو را خوب می‌شناسم، با تو سال‌ها زیسته‌ام در محضر مبارکت زانوی شاگردی به زمین زده‌ام و دست ادب به سینه گذاشته‌ام. اگر چیزی دارم از تو دارم. چشمانم را تو باز کردی. زبانم را تو گشودی. درست‌گویی و حق‌گویی را تو به من آموختی. تو گفتی که دم فرو بستن به گفتن، خطاست. تو فرمودی که گفتن، به وقت خاموشی یک خطای دیگر است. تو درسمان دادی، تو بینایمان کردی. تو راه و چاه را نشانمان دادی، تو بودی که کتب آسمانی را برای ما گشودی، تو به ما درس شجاعت و شهامت و آزادگی و قناعت آموختی. پس تو همیشه باش، تو باش برای ما.

معلم عزیز و گرمی، زبانم از وصف کمالات و بزرگداشت مقام آسمانی تو عاجز است شاعران بزرگ در مدح تو چه زیبا سروده‌اند یکی از این بزرگان فرموده است: آموزگار گر چه خداوندگار نیست، بعد از خدای، برتر از آموزگار نیست. در میشنا (تورات شفاهی) فصول پدران فصل چهارم آیه ۱۵ آمده :

מורה רבה כמורה שמים

یعنی احترام استادت چون احترام خدا باشد.

امام خمینی رحمت الله علیه فرموده‌اند : «شغل معلمی

شغل انبیاء است» . ■

سلام بر جانشین انبیاء . سلام بر دارنده‌ی آسمانی‌ترین عشق‌ها. سلام بر تربیت‌کننده پاکیزه‌ترین و نیرومندترین نسل‌ها. سلام بر فرشته‌ی خاک‌نشین، و سلام بر مهر و رنج. ای معلم، ترا در کجا تماشا کنم؟ در بهشت زیبای خدا که جایگاه انبیاء و اولیاست؟ یا در افلاک که قرارگاه فرشتگان بی‌گناه است؟ یا در این جهان خاکی و در حریم پاک مملکت به هنگام رنج بردن و خون دل خوردن؟ ای معلم عزیز، هر گاه تجلیات با عظمت و پدیده‌های مقدسی را می‌بینم نمیدانم چه حالی می‌شوم که بی‌اختیار به یاد مقام آسمانی تو می‌افتم، هر گاه بر شکوه و عظمت آسمان و ستاره‌های ابهام‌انگیز می‌نگرم هر دم مجد و جلال دریاها و اقیانوس‌های بی‌انتها را به‌خاطر می‌آورم، هر وقت ابهت و صفای دشت‌ها و جنگل‌های فرح‌انگیز را به یاد می‌آورم نمی‌دانم چه احساس می‌کنم که بی‌اختیار به یاد عظمت روح و صفای دل و بزرگی مقام تو می‌افتم.

آری روح آسمانی معلم از پاکي و صفا سرشته، با عظمت و وقار لبریز گشته و وفا آکنده است. «معلم، سایه‌ی لطف خدا است» و یا فرشته رحمتی است که به هواداری سعادت و نیکبختی فرزندان جامعه خلق شده است. معلم عاشق بی‌آزاری است که از زحمت سوختن پروا ندارد. انسان مقدسی است که سراپای وجودش از فداکاری و زحمت ساخته شده است و به خاطر همین رنج‌ها و فداکاری‌هاست که گاهی قهرمان‌ها به وجود می‌آیند. نابغه‌ها پیدا می‌شوند. دانشمندان پا به صحنه می‌گذارند. پزشکان و مهندسان پدید می‌آیند. مخترعین و مکتشفین و متفکرین و متعهدین خلق می‌شوند. آری، همه کس شخصیت خویش را پس از پدر و مادر مدیون رنج‌ها و فداکاری‌های معلم می‌داند. به ستاره نگاه کن (ای معلم عزیز و گرمی) که شب را شکسته‌اند بی تو شب من شبی بی‌ستاره است. آفتاب را ببین که غول تاریکی از مقابلش می‌گریزد. بی تو روز من آفتاب ندارد. چمن‌زار را نگر با لاله و جویبار که زمزمه‌کنان روان است. بی تو دنیای من از صفای چمن‌زار و از زمزمه جویبار خالیست. بی تو هیچم، نیستم. اگر می‌خواهی من بمانم، اگر می‌خواهی من نمیرم، هرگز نمیر معلم. زیرا جهان چون باغ است و انسان چون درخت و تو باغبان این باغی و پرورش-



## چهار یهودی، برندگان نوبل ۲۰۲۰ در پزشکی، فیزیک و ادبیات

مهندس آرش آبائی

امسال در میان برندگان جوایز نوبل ۲۰۲۰ میلادی، یک نفر در پزشکی، دو نفر در فیزیک و یک نفر در ادبیات، یهودی هستند.

### نوبل پزشکی

امسال نوبل پزشکی به سه پژوهشگر - هاروی آلتز (آمریکا)، چارلز رایس (آمریکا) و مایکل هاوتن (انگلیس) - برای اکتشافات در زمینه ویروس هیپاتیت سی اهدا شده است. این اکتشافات جان میلیون‌ها بیمار را نجات خواهد داد، چرا که بیش از ۷۰ میلیون نفر در سراسر جهان به هیپاتیت مبتلا هستند و سالانه ۴ هزار نفر در اثر این بیماری جان خود را از دست می‌دهند.

هاروی آلتز (Harvey James Alter) ۸۵ ساله و متخصص ویروس شناسی است که در ۱۹۳۵ در خانواده‌ای یهودی در نیویورک در آمریکا متولد شد. او دکترای خود را در ۱۹۶۴ گرفت و پیش از دریافت جایزه نوبل پزشکی، ۳ جایزه تخصصی دیگر را نیز در سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۳ گرفته است.

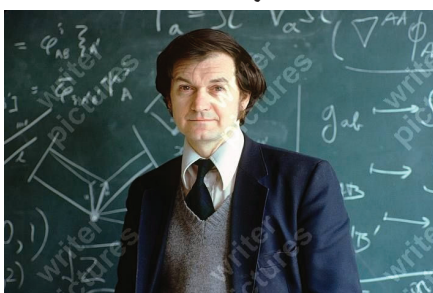


Harvey James Alter

### نوبل فیزیک

امسال نوبل فیزیک به سه فیزیکدان - راجر پنروز (انگلیس)، راینهارد گنتسل (آلمان) و آندریا گِز (آمریکا) - برای تحقیقات در زمینه شناخت بیشتر سیاه‌چاله‌ها اهدا شد. راجر پنروز که استاد دانشگاه آکسفورد بوده طبق نظریه نسبیت انیشتین، شکل‌گیری سیاه‌چاله‌ها را به تصویر کشیده و این موضوع را مورد بررسی قرار داده است. از سوی دیگر دو

پژوهشگر دیگر راینهارد گنتسل (فیزیکدان آلمانی) و آندریا گِز نیز یک سیاه‌چاله در مرکز کهکشان راه شیری کشف کردند. راجر پنروز (Sir Roger Penrose) ۸۹ ساله با تخصص در ریاضی فیزیک و هندسه‌ی موزاییکی (Tessellation) است که در ۱۹۳۱ در اسکس در بریتانیا متولد شد. او نسل سوم یهودیان مهاجر از روسیه در ۱۸۸۰ است. وی در سال ۱۹۵۸ از رساله‌ی دکترای خود دفاع کرد. پنروز پیش از این برنده‌ی بیش از ۱۵ جایزه‌ی تخصصی از سال ۱۹۷۱ تا ۲۰۱۵ بوده است.



Roger Penrose

آندریا گِز (Andrea Mia Ghez) ۵۵ ساله متخصص اخترشناسی و در ۱۹۶۵ در نیویورک در آمریکا متولد شده است و پدری یهودی تبار دارد. او دکترای فیزیک خود را در ۱۹۹۲ اخذ نمود و پیش از این ۱۴ جایزه‌ی تخصصی را از ۱۹۹۴ تا ۲۰۲۰ برنده شده است.



Andrea Mia Ghez

## رونمایی مجازی از آثار جدید نویسندگان و ناشران ادیان توحیدی در هفته‌ی کتاب

بیست و هشتمین دوره‌ی هفته‌ی کتاب جمهوری اسلامی ایران از ۲۴ تا ۳۰ آبان ماه ۱۳۹۹ با شعار «دانایی؛ مانایی» برگزار شد.

همزمان با بیست و هشتمین هفته‌ی کتاب جمهوری اسلامی ایران، رونمایی مجازی از آثار نویسندگان و ناشران ادیان توحیدی ۲۷ آبان ماه» با حضور دکتر محسن جوادی؛ معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دکتر علی فریدونی، مدیرکل اداره کل مجامع، تشکل‌ها و فعالیت‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد.

آرتویت زهراییان (مدیر مسئول انتشارات نایبری، از آرامنه)، بهنام مبارکه (مدیر مسئول انتشارات هیرمبا، از زرتشتیان)، دکتر فرزانه گشتاسب (مدیر مسئول انتشارات فروهر، از زرتشتیان)، دیناز دهنادی (مدیر مسئول انتشارات برس، از زرتشتیان) در این مراسم حضور داشتند. از سوی جامعه‌ی کلیمیان، دکتر مونا عرب‌زاده و آرش آبائی به معرفی آثار جدید خود که در سال ۱۳۹۹ منتشر شده پرداختند.

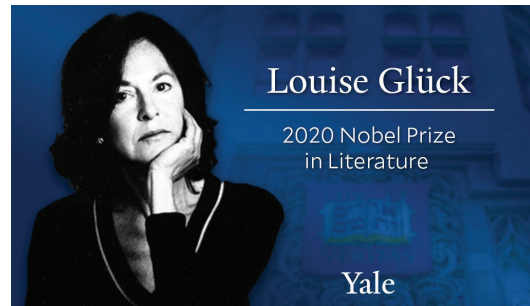
در این مراسم، مونا عرب زاده به معرفی کتاب مجموعه شعر خود با عنوان «خیالانه» (انتشارات نسل نواندیش، ۱۳۹۹) پرداخت. وی که دارای دکترای معماری کامپیوتر است، کتابش را «یک مجموعه شعر نیمایی» دانست که عنوان آن یک عنوان مرکب از ترکیب «خیال» و پسوند نسبت «آنه» است به نوعی که به عنصر خیال‌پردازی در مجموعه دلالت دارد. او افزود: در این مجموعه شعر از واژه‌ها و عبارات آشنا به گوش در قالبی متفاوت از روند معمول استفاده شده و با ابزار تصویرسازی، مخاطب به بر هم زدن عادت نگاه به دنیای اطراف فراخوانده شده است.

آرش آبائی نیز دو کتاب «گفت‌وگوی صوفی - یهودی» (انتشارات حکمت و عرفان، ۱۳۹۹) و «درس‌گفتارهایی درباره‌ی مدارا در ادیان ایران زمین» (دکتر علیرضا بهشتی، نشر روزنه، ۱۳۹۹) را به حاضران در این همایش مجازی معرفی کرد. ■

شایان ذکر است که آندریا گز چهارمین زنی است که تاکنون موفق به دریافت نوبل فیزیک شده است.

## نوبل ادبیات

لوئیز گلیک (Louise Elisabeth Glück) شاعر و منتقد ادبی ۷۷ ساله است که در ۱۹۴۳ در نیویورک در آمریکا در خانواده‌ای یهودی با اصلیت اتریشی-مجارستانی متولد شد و برخی از نخستین اشعار خود را در سن ۵ سالگی سرود. او در سال ۱۹۶۸ نخستین مجموعه اشعارش را منتشر کرد. این سرآغاز فعالیت جدی شاعرانه‌ی وی بود که در سال‌های بعد برایش موفقیت به همراه آورد. گلیک در ۱۹۹۳ جایزه پولیتزر را از آن خود کرد. در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۱۴ نیز به ترتیب جوایز «بولینگن» و «کتاب ملی آمریکا» را به خود اختصاص داد. از گلیک غالباً به عنوان یک شاعر زندگی‌نامه‌ای یاد می‌شود. کار او به دلیل شدت عاطفی و اغلب با استفاده از اسطوره، تاریخ یا طبیعت برای مراقبه در تجارب شخصی و زندگی مدرن شناخته شده است. ■



منابع

۱. روزنامه همشهری - ۲۰ مهر ۹۹

2. [dinu.ir](http://dinu.ir)
3. [www.jinfo.org/Nobel\\_Prizes.html](http://www.jinfo.org/Nobel_Prizes.html)
4. [en.wikipedia.org/wiki/List\\_of\\_Jewish\\_Nobel\\_laureates](http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_Jewish_Nobel_laureates)
5. [en.wikipedia.org/wiki/Roger\\_Penrose](http://en.wikipedia.org/wiki/Roger_Penrose)
6. [en.wikipedia.org/wiki/Andrea\\_M.\\_Ghez](http://en.wikipedia.org/wiki/Andrea_M._Ghez)
7. [en.wikipedia.org/wiki/Louise\\_Gluck](http://en.wikipedia.org/wiki/Louise_Gluck)
8. [en.wikipedia.org/wiki/Harvey\\_J.\\_Alter](http://en.wikipedia.org/wiki/Harvey_J._Alter)

## زبان و گویش یهودیان همدان

نسترن جاذب



کلیمیان همدان در سال ۱۹۱۷ میلادی

(فارسیهود) نگاشته شده است. کلیمیان همدان زبان عبری را معمولاً در کنیساها یا مکتب‌خانه‌هایی که در آن زبان عبری تدریس می‌شد، فرا می‌گرفتند. پس از مدتی از فعالیت مکتب‌خانه، در محلی به نام «گن یلادیم» که امروزه مهد کودک نامیده می‌شود به کودکان و نوجوانان عبری یاد داده می‌شد.

پس از مدت‌ها مدرسه آلیانس بعد از تهران، در همدان نیز تأسیس شد. تا قبل از تأسیس مدرسه آلیانس، کلیمیان همدان از نظر امنیت و امکانات مادی و معنوی وضع خوبی نداشتند. علی‌خان ظهیرالدوله حاکم همدان (داماد ناصرالدین شاه) در خاطرات خود در مورد تأسیس مدرسه آلیانس همدان در همدان چنین می‌گوید:

«جمعه دو ساعت به ظهر مانده به مدرسه آلیانس دعوت داشتیم، رفتیم، این مدرسه مکان مخصوصی برای این کار ندارد، دو سه خانه کوچک را اجاره کرده به توی هم راه باز کرده‌اند. ۴۰۰ پسر و ۸۰ دختر شاگرد دارند. بیشتر شاگردها یهودی هستند (چون خود شرکت آلیانس یهودی

یهودیان همدان به یهودیانی گفته می‌شود که از حدود سال ۵۸۶ پیش از میلاد به بعد، یعنی پس از تسخیر بیت المقدس به دست بخت النصر، وارد شهر همدان شدند و از آن زمان به بعد در این شهر ماندگار گردیدند. یهودیان همدان بخاطر تراکم جمعیت دارای مدارس مذهبی، کنیسه‌ها و راسته‌ای به نام خود در بازار شهر بودند. طی گذشت زمان علی‌رغم بعضی از مهاجرت‌های یهودیان از شهرها و استان‌های مجاور به داخل شهر همدان، تعداد یهودیان این شهر، همواره رو به کاهش گذاشته است. با کاهش جمعیت یهودیان تنها یکی از محل‌های عبادت آنان به نام آرامگاه استر و مردخای در همدان برجای مانده است که از جمله مکان‌های تاریخی این شهر به‌شمار می‌رود و سالیانه صدها جهانگرد از آن دیدن می‌کنند.

### آرامگاه استر و مردخای در همدان

آرامگاه استر و مردخای در همدان جزء مهم‌ترین زیارتگاه‌های یهودیان ایران و جهان است. علاوه بر یهودیان، سایر هموطنان نیز از این مکان مقدس دیدار می‌کنند. مقبره استر و مردخای جزء آثار میراث فرهنگی ایران ثبت شده است. وجود این زیارتگاه، عامل مهمی در شکل‌گیری و تداوم حضور جامعه یهودی در همدان بوده است.

### سواد

اکثر کلیمیان همدان فاقد سواد فارسی بودند و سواد آن‌ها به سواد عبری محدود می‌شد. یعنی اگر مطلبی را می‌خواستند بنویسند به خط عبری و زبان فارسی می‌نوشتند یعنی حروف آن را با فارسی تطبیق می‌دادند و می‌نوشتند. هم‌اکنون در بعضی از کنیساها کتاب‌هایی مذهبی - مانند ترجمه متون مقدس - موجود است که به خط عبری فارسی

## زبان یهودی-همدانی

**یهودی-همدانی** زبان رو به مرگ جامعه یهودی ساکن در همدان است. زبان یهودی-همدانی همانند سایر زبان‌های یهودی دارای مقدار زیادی وام‌واژه از عبری است و به گونه‌ای از الفبای عبری نوشته می‌شود. در پی انحطاط و ادغام جامعه یهودیان ایرانی در میانه قرن بیستم، استفاده از این زبان به مرور رو به کم شدن است و بازماندگان آن در ایران شروع به سخن گفتن به فارسی‌یهود و فارسی کرده‌اند. زبان گروه‌های مهاجر به علت مهاجرت هم به مرور با انگلیسی و عبری جابه‌جا شده‌است.

## زبان راجی در همدان

به ادعای برخی، گویش راجی همان گویش زبان رازی است که در مناطقی همچون ری و همدان رواج داشته و حتی اشعاری از باباطاهر عریان را به این گویش منسوب می‌کنند. به اعتقاد این عده از محققین، گویش مردم همدان و زبان کلیمیان همدان زبان «فهلوی» بوده‌است. آن‌ها در این زبان هنگام تلفظ واژه‌ها یا کلمات به آن‌ها کسره می‌داده‌اند و کلیمیان به این گویش، زبان راجی می‌گفته‌اند. روبن آبراهامیان خاورشناس ارمنستانی به این نتیجه رسید که گویش بکار رفته در دوبیتی‌های باباطاهر گرایش نزدیکی با گویش مورد استفاده توسط یهودیان معاصر همدان دارد.

امروزه چند خانوار کلیمی هنوز در همدان ساکنند و با توجه به علاقه شخصی خود به زادگاهشان همچنان در این شهر زندگی می‌کنند. ■

### منابع

- ۱- ویکی پدیا
- ۲- واژه‌نامه راجی (گویش دلجان)
- ۳- نغزگوی کهن، مهرداد. نگاهی به فرهنگ و زبان یهودیان همدان. فرهنگ مردم، ش. ۲۶ (تابستان ۱۳۸۷): ۱۳۸.

است) سه نفر رئیس و معلم دارند که فرنگی و فرانسوی هستند، ولی با مذهب یهودند. جدی دارند که بچه‌های پنج شش ساله را فرانسه بیاموزند و هم آموخته‌اند، از این عده شاگرد از کوچک تا بزرگ هیچ‌کدام نیستند که زبان فرانسه را خوب حرف نزنند. بعضی‌ها به کلی زبان فارسی و تلفظ فارسی یادشان رفته‌است و فرانسه خوب می‌دانند. معلمین نقش بزرگی نشان دادند که در این نقاط ما مدرسه داریم. در غالب جاها به جز ممالک متمدنه مدرسه دارند. رئیس می‌گفت عدد شاگرددهی ما در تمام دنیا چهل و پنج هزار نفر است...».

ظهیرالدوله مجدداً در خاطره دیگری چنین می‌گوید :

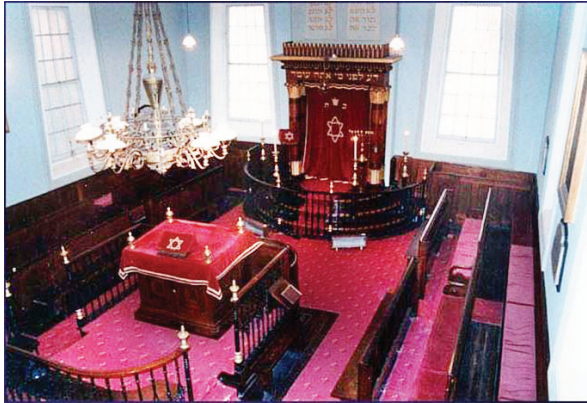
مدرسه آلیانس همدان تا جایی پیش رفت که بهترین آموزگاران و دبیران را در اختیار داشت و در مسابقات درسی که هر ساله در همدان برگزار می‌گردید، نفرات اول یا دوم و سوم همواره از مدرسه آلیانس بودند و در مسابقات ورزشی نیز مقام‌هایی را نصیب خود می‌کردند. مدرسه آلیانس همدان تا یک سال بعد از انقلاب اسلامی پابرجا بود ولی به علت مهاجرت عده زیادی از کلیمیان همدان به تهران و گاه خارج از کشور، منحل و نام آن تغییر یافت و بعداً به علت قدیمی بودن تخریب و به جای آن مدرسه دیگری ساخته شد.

## زبان کلیمیان همدان

زبان کلیمیان همدان زبان فهلوی (دری) بود. در این زبان هنگام تلفظ واژه‌ها یا کلمات به آن‌ها کسره می‌داده‌اند و کلیمیان به این زبان اصولاً زبان راجی می‌گفته‌اند و این زبان هنوز در برخی خانواده‌های کلیمی تکلم می‌گردد. اطلاعاتی در مورد تاریخچه به وجود آمدن این زبان در دست نیست ولی عده‌ای را عقیده بر این است که این زبان در زمان مغول‌ها به وجود آمده است ولی با توجه به شباهتی که این زبان با زبان هموطنان زرتشتی دارد گمان می‌رود که تاریخچه این زبان به زمان ورود یهودیان به ایران بازگردد.



## قدیمی‌ترین کنیسه‌های قاره اقیانوسیه



Hobart Synagogue

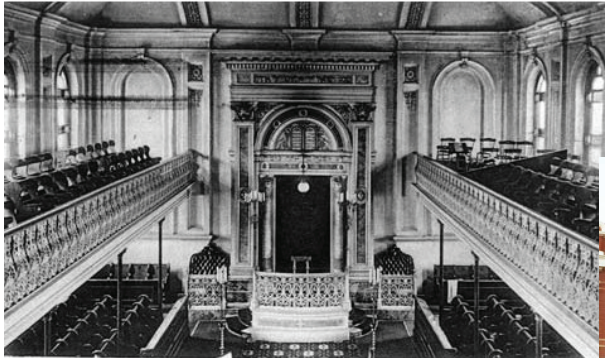
**ملبورن:** اولین یهودیان در ملبورن تقریباً در زمان تأسیس این شهر در سال ۱۸۳۵ وارد آن گردیدند. مراسم مذهبی یهودیان ابتدا در سال ۱۸۳۹ برگزار شد و در سال ۱۸۴۱ مجمع عبری ملبورن تشکیل گردید. اولین ساختمان کنیسه‌ای جماعت، واقع در خیابان ۴۷۲ بورک، در سال ۱۸۴۷ با ظرفیت ۱۰۰ صندلی احداث شد. در سال ۱۹۳۰ به خیابان توراک، یارا جنوبی منتقل شد. در دهه ۱۸۵۰ ملبورن شاهد ورود حدود ۳۰۰ یهودی از لندن و پوزن، پروسیا بود، که همین امر باعث گردید کنیسه‌ای جدید و بزرگتری در



در سال ۱۷۸۸ میلادی ۱۶ یهودی به همراه دیگر افراد به وسیله ناوگانی از انگلستان پا به خاک سیدنی در استرالیا نهادند، در آن زمان استرالیا مستعمره کشور انگلستان بود. انجام آیین مذهبی یهودیان در سیدنی از سال ۱۸۲۸ آغاز گردید، این مراسم در ابتدا در خانه فیلیپ جوزف کوهن برگزار می‌شد. در سال ۱۸۴۴ اولین کنیسه (کنیسه) ساخته شده در استرالیا به پایان رسید، این بنا توسط جمیز هوم به سبک مصری طراحی گردید.

**هوبارت:** کنیسه‌ای هوبارت در لیست میراث فرهنگی قرار دارد و در منطقه هوبارت، تاسمانیا، استرالیا واقع شده است. کنیسه‌ای مذکور قدیمی‌ترین کنیسه در استرالیا می‌باشد که از نمونه‌های نادر طرح معماری به سبک مصری است. در سال ۱۸۴۲ طی سرشماری که انجام شد تعداد یهودیان ساکن در منطقه ون دیمن حدود ۲۵۹ نفر بود. این بنا در سال ۱۸۴۴ ساخته شد. شکل دوزنقه‌ای پنجره‌ها و ستون‌هایی با سرهای لوتوس از ویژگی‌های سبک مصری است.





Dunedin Synagogue



Melbourne Synagogue

خیابان بورک بنا شود. شخصی نیکوکار و خیر به نام دیوید بنیامین سنگ بنای ساختمانی با ظرفیت ۶۵۰ نفر را در مارس ۱۸۵۵ بنا نهاد.

کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران افتخار دارد با تهیه کتاب‌های جدید در زمینه‌های مختلف اجتماعی، روانشناسی، رمان‌های متنوع ایرانی و خارجی، علمی، تاریخی و ... در خدمت همکیشان عزیز باشد. منتظر دیدار شما عزیزان هستیم.

نشانی: خ جمهوری، خ شیخ هادی، کوچه هاتف  
۶۶۷۰۴۲۴۷

**دوندین:** پشت یک دیوار سنگی در بالای خیابان‌های «مورای پلیس» قدیمی‌ترین کنیسای نیوزلند، به نام دوندین سابق قرار دارد که قدمت آن به سال ۱۸۶۴ می‌باشد. اولین جماعت یهودی دوندین در ژانویه ۱۸۶۲ در خانه شخصی به نام ناتان گرد هم جمع شدند این جماعت ۴۳ عضو داشت و در سال ۱۸۶۳ زمین مثلث شکل و شیب‌داری را جهت ساخت بنای کنیسا خریداری کردند. ویلیام کلایتون طراحی بنا را به‌عهده گرفت و نمای خارجی ساختمان مستطیل شکل با طرحی ساده و پنجره‌های گرد در ارتفاعات جنوب شرقی و شمال غربی در سال ۱۸۶۴ تکمیل گردید. فضای داخلی بنا بسیار پر زرق و برق و رنگارنگ تزئین شده بود. ■

مشرده

مشرده

تقویم جیبی «امید» عبری، فارسی، انگلیسی،

دوسالانه ۱۴۰۰ - ۱۴۰۱ منتشر شد.

پخش در فروشگاه‌های کاشر و کنیساها و

انجمن کلیمیان تهران ۰۹۱۲۳۸۷۱۵۱۸

APP موبایل [www.OmidTime.com](http://www.OmidTime.com)

منابع

Phillips, P. (2008). Singing the Lord's song in a strange land: The Great Synagogue, Sydney.

Rubinstein, W. D., & Hughes, P. J. (1995). *Judaism in Australia*. Australian Government Pub. Service.

<https://www.heritage.org.nz/the-list/details/9606>



## اینجا هنوز هم جای ماندن است

المیرا سعید

اینجا هنوز جای ماندن است، جای بودن است. گرچه ما دیوانه‌وار با ندانم‌کاری‌هایمان، آن را به ورطه‌ای کشانیدیم که هزار عاقل هم بیایند دیگر قادر به نجاتش نیستند و آن را با خراب‌کاری‌هایمان، آن قدر حق خود دانستیم که بی‌وقفه و بی‌امان تاختیم تا سر از ناکجاآبادی درآوردیم که دیگر پائانش را نشانی نیست. با این همه این دنیا هنوز هم جای آدم‌ها هست، جا برای آدم‌هایی که دل می‌سپارند ولی در عوض کیسه‌ای زر، سرنمی‌سپارند.

این جمله را این روزها بارها می‌گویی و زیاد می‌شنویم: «دنیا دیگر جای ماندن نیست.» دنیا را لایق خود کنیم، دنیا را جای ماندن کنیم. با گفته‌ها و شنیده‌هایمان، با لمس اندوه‌خانه‌ی دیوار به دیوارمان و درک رنج و شرم پدری، آن سوی شهر، با داستان خالی.

این درست که به قول محمود خان دولت‌آبادی «ما دیر آمدیم یا زود... هر چه بود به موقع نیامدیم»، ولی ناخواسته آمدیم و حالا هم که هستیم. جایی هستیم که ابر و باد و مه خورشید و فلک در کارند تا کاری بکنند، شاید دنیا از این که هست بهتر شود. پس چرا ما کاری نکنیم؟ به خاطر بودنمان هم که شده باید کاری بکنیم. باید جای خالی خودمان را پُر کنیم. وقتی می‌توانی هنوز کاری بکنی و نانی به دست آری، هنوز جای ماندن هست. وقتی هنوز دنیا جای من را به کس دیگری نسپرد، پس هنوز من لایق این دنیا هستم. هنوز بودنم به درد می‌خورد. با دیدنم، اندیشه‌ام و امید دادنم، دنیا هم لایق من می‌شود.

آدم‌های زیادی به این دنیا آمدند و می‌آیند ولی اینجا جای کسانی است که با آمدنشان دستی را فشردند و برادروار ایستادند تا تکیه‌گاهی باشند. جای کسانی اینجا خالی‌ست که بودنشان حال مردم را خوب می‌کرد و رفتنشان، هوای رفتن را در سرمان می‌انداخت.

دنیا بدون تو هم می‌گردد. عقربه‌های ساعتش، اگر ما هم نباشیم، بی‌وقفه می‌دوند. ولی وقتی تو باشی و بودنت را نشان‌شان دهی، آرام‌تر می‌شوند و با هدف می‌چرخند. خوب که نگاه کنی می‌بینی ساعت ایستاده تا تو برسی. به صدایی، به فریادی، به نگاهی و شاید دستی. و این همان تکرار شب و روز است. تکرار می‌شوند تا تو به خودت آیی، دست و پایت را جمع کنی و به دنیا برسی. چون هنوز بودنت را برای دنیا غنیمت می‌دانند.

اینجا وقتی دیگر جای ماندن نیست که نه برای دوستی‌هایمان تلاشی کنیم، نه صداقت را رواج دهیم، نه دستگیری را بهایی نهیم و نه بی‌عدالتی و نابرابری را خوار شماریم. هنوز جا دارد که بمانیم. از فصل‌ها که کمتر نیستیم. می‌آیند و می‌سازند، می‌روند و تمام می‌شوند ولی تمام نمی‌کنند. با آمدنشان، ما دوباره شروع می‌شویم و با رفتنشان دل به روز و سالی نو می‌بندیم. این یعنی من و تو هم می‌توانیم. برای ما هم جایی هست تا از نو شروع کنیم و بسازیم.

وقتی هنوز پدر و مادری داریم که سر زدن به آن‌ها دلشادشان می‌کند و دلجویی از آن‌ها خوشنودشان، پس هنوز باید بمانیم و دنیایشان را رنگی کنیم. اگر هنوز دلت با نگاهی می‌رود، تا مرز دل سپردن، پاهایت هنوز هم به وقت قرار بی‌قرارتر می‌شوند و گونه‌هایت هنگام چشم‌دوختن به چشم یار به رسم شرم گلگون می‌شوند و سر به زیرت می‌کنند، هنوز دنیا تو را می‌خواهد و برایت آرزوها دارد. اگر هنوز آن کودکِ کار چشم به دستان تو دوخته و هر شب تا به نیمه برسد منتظر است تا در آن خیابان خسته از هیاهوی شهر تو از راه برسی و به بهانه‌ی صدقه‌ای لب‌هایش را به لبخندی مهمان کنی، هنوز بودنت



اینجا لازم است. اگر هنوز دلت برای رسیدن خبری، پیامی از یک دوست قدیمی در سینه پر پر می‌زند و برای دیدن دوباره‌اش و مرور خاطرات کوجه‌های کودکی‌تان، دقیقه‌ها را می‌شماری، هنوز اینجا کاری برای انجام دادن هست. اگر آسمان ابری دلت با احوال‌پرسی کوتاه یک همسایه، دوباره میزبان نور و شور شد و دلگرم شدی به بودنش، شک نکن هنوز تو جایی در این دنیا به اندازه‌ی خودت داری.

دنیا از این بالا و پایین‌ها زیاد به خود دیده. تا بوده و هست جنگ و فقر و ننگ دیده، ظلم و نامردی و مصیبت‌ها چشیده. درست کردن همه چیز هم که دست من و تو نیست. غصه یک دنیا را هم خوردن، اندازه‌ی من و تو نیست. ناگزیریم که بپذیریم تا ماندن‌مان آسان‌تر شود. آرزوی ماندن نشود گریزمان که عین فرار است. فراموش نکن اینجا قرارش به فرار ترجیح دارد. چرا که با صاحبش پیمان داری. صاحب دنیا هنوز هم برای نجات دنیایش به تو دل بسته، نعمت‌هایش را به پایت ریخته، راه و چاه را نشانت داده. او هنوز هم امید دارد که تو به درد این دنیا می‌خوری.

دنیا هنوز هم جای ماندن است. وقت بودن است. وقت رفتن حتی اگر نرسی. هدف را نشانه بگیر، دنیا هم با تو هم سو می‌شود. گرچه همیشه سازش با تو کوک نیست و مدام چوب لای چرخ می‌گذارد. بی‌خیالش شو، این خاصیت روزگار است. تو هر طور شده چرخ زندگی را بچرخان. اگر همه چیز همان‌طور که ما نمی‌خواهیم پیش می‌رفت که دیگر مقصد معنایی نداشت و انگیزه‌ای برای بودن‌مان پیدا نمی‌شد.

وقتی هنوز حقی هست که باید در این دنیا گرفته شود و هنوز دادی مانده که از ظالمی نستانده‌ای، هنوز جای ماندن هست. بمان و ثابت کن که از آمدنت هدفی بوده و هست. حالا که خالقت پای تو ایستاده، پای همه‌ی خطاها و کمبودهایت، تو هم بایست، پای آمدنت.

به همه بگو «اینجا هنوز هم جای ماندن است.» ■

## فتوگالری مهر (کوروش شایان مهر)

نامزدی - عروسی - تولد - برمیصوا - بریت میلا

دو دوربین HD فول HD

آلبوم دیجیتال ۱۰ برگ (۲۰×۳۰)

۳۰ عکس (۱۳×۱۸) باغ

۱۰ عکس (۱۶×۲۱) آتلیه

۵۰×۶۰ شاسی شب مراسم

تومان ۱۸۰۰۰۰۰

دارای منوهای مختلف

تخفیف ویژه جهت مراسم برمیصوا و بریت میلا

با مجوز رسمی از اتحادیه عکاسان و فیلمبرداران

۰۹۱۲۲۷۸۷۸۵۸ - ۲۲۵۲۳۶۲۷ - ۷۷۶۵۴۰۱۴



لیت شب مراسم  
خدمات ویژه: کرین و هلی شات  
اجرای کلیپ شب مراسم

چاپ عکس در سایزهای مختلف از روی رم و فلش

تبدیل انواع فیلم (آپارات و VHS و ...) به DVD

عکس 4x6 و 4x3 فوری

عکاسی نوزاد / کودک / بارداری

آدرس: رسالت خ کرمان جنوبی خ موسوی پلاک ۴۳





شرکان انورزاده  
فعال اجتماعی

## آقا یونس

افغانستان چه می‌کند و اوضاع خانواده‌اش چطور است. برایش دعا می‌کردیم به خاطر آن همه صداقت و پاکی- اش، تا این که ماه پیش، دوباره با سلامتی، به مجتمع برگشت. «آقا یونس» فداکار، دوباره برگشته، با همان نگاه محجوب و نگاه مهربان. ■

گاهی اوقات، مهربانی یک انسان و نگاه پاک و زلالش، انسان را شگفت‌زده می‌کند.

گاهی اوقات، از خودگذشتگی و فداکاری انسان، شگفت زده‌مان می‌کند. آن قدر که دلمان می‌خواهد درباره‌شان بنویسیم. آن قدر که تایید می‌کنیم «زندگی قصه می‌سازد».

زیر ساخت این داستان واقعی، «آقا یونس» است.

سرایدار مهربان و صبور مجتمع ما.

کاری و فعال، با لبخندی که همیشه بر لب داشت، همیشه مجتمع را با نظم خاصی، پاکیزه نگه می‌داشت و با صبوری، دوری از دو دختر کوچک و همسرش را که در افغانستان هستند، تحمل می‌کرد.

هرگاه خسته و با خرید در دست، به منزل برمی‌گشتیم، شتابان و خندان، کم‌کم می‌کرد. گاهی در حیاط مجتمع، می‌دیدمش که با شادی، با همسر راه دورش، با موبایل، صحبت می‌کند. خلاصه، «آقا یونس» پاک و مهربان، عزیز همه در مجتمع بود و دوستش می‌داشتند، تا این که چند ماه پیش، قبل از عید، تب مرموزی گرفت.

مدیر مجتمع، او را نزد پزشک برد و از او تست گرفتند. خدا را شکر، منفی بود و ویروس منحوس این روزهای جهان نبود. اما نگرانش بودیم.

در اتاقش بود و حالش را تلفنی می‌پرسیدیم. می‌گفت حالش کنیم که به کارهای مجتمع نرسیده و من به او گفتم او ما را حلال کند و برای سلامتی‌اش، دعا کردم.

مدتی گذشت و سرایدار جدیدی آمد.

اما یاد «آقا یونس» در دل همه‌ی ما ماند. دوست داشتیم به سلامت پیش همسر و دختران کوچکش رسیده باشد. دوست داشتیم با خوشحالی در کنارشان باشد.

گویی گل‌ها و درختان حیاط هم دلتنگش بودند.

فکر این که انسان‌هایی کوشا، برای گذران زندگی از کشور دیگری به وطن ما می‌آیند و با تلاش، معاش خود و خانواده‌شان را تامین می‌کنند، ذهنم را در گیر می‌کرد.

گاه‌گاهی فکر می‌کردم که حالا «آقا یونس» در

## چقدر باید بگذرد

### سمر بروییه

چقدر باید بگذرد، تا آدمی بوی تن کسی را که دوست داشته از یاد ببرد؟

چند روز؟ چند هفته؟ چند ماه؟ چند سال؟

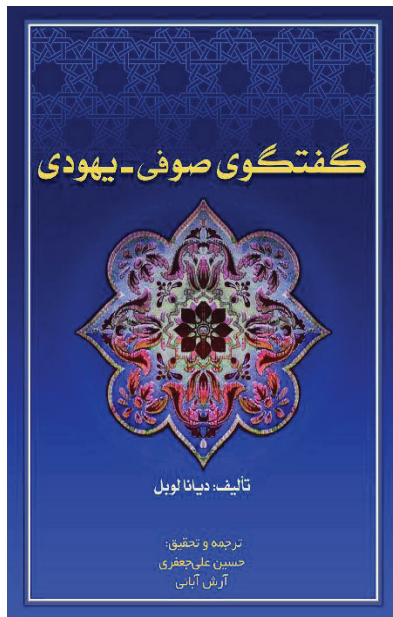
از من بپرسی می‌گویم هیچ‌وقت، می‌گویم دوست داشتنی که از یاد بردنی نیست، حتی اگر تا آخر عمر هم صبر کنی، دوست داشتنی از یاد نمی‌رود، که گفته از دل برود هر آن که از دیده برفت؟

به هیچ وجه این‌گونه نیست. او بی که بخواهد با رفتنش از دل هم برود، از همان اول هم نبوده، از همان اول هم جایی در دل نداشته. کسی که دوست داشتنی باشد تا عمر داری در یادت می‌ماند، تا نفس می‌کشی با خاطراتش زندگی می‌کنی، تا جان در بدن داری از او یاد می‌کنی، عطر تنش در مشامات همیشه‌گی است. دیگر هیچ وقت هیچ کس بوی او را نخواهد داد، دیگر مشامات از عطر تنش پر نخواهد شد، حتی اگر کسی عطری که او می‌زد را بزند، حتی اگر خودت همان عطری که او می‌زد را بزنی، باز هم بوی او را نخواهد داد. عطر تن خودش بوده که این طور به رخت کشیده می‌شده... منتظر فراموشی نباش، تا آخرین نفست از یاد نخواهی برد، هیچ چیزش را، نه عطر تنش، نه طرز نگاهش، نه مهربانی هایش، نه آغوش گرمش، و نه وجود آرامش بخشش، با هنر دل تنگ کردنت، با هنر دوست داشتنی بودنش، با هنر خواستنی بودنش، و غم فراموش نشدنش نبودش زندگی خواهی کرد...

معرفی کتاب

## «گفت‌وگوی صوفی-یهودی»

مهندس آرش آبائی



بحیا ابن پاقودا، عارف و فیلسوف یهودی (متوفای ۱۱۶۱ میلادی) در اسپانیای اسلامی زندگی می‌کرد. وی کتابی اخلاقی - عرفانی، با عنوان «الهدایه الی فرائض القلوب» (هدایت به سوی وظایف قلبها) با عنوان عبری תורת החובות הקלבות تدوین نمود که آراء فلسفی و عرفانی خود را در آن بیان کرده است. این کتاب نخستین بیان نظام‌مند اخلاقیات یهودی است و از دیدگاه بحیا، عمل صحیح به فرائض جوارح (احکام ظاهری) بدون عمل به فرائض قلبی که همان فرائض باطنی و عقلانی هستند، غیر ممکن است.

ابن پاقودا ده فصل کتابش درباره‌ی وظایف قلبی را در دروازه‌ای می‌داند که هر فرد یهودی باید از آنها گذر کند (به رعایت آنها بپردازد) تا به کمال معنوی دست یابد. در نظر بحیا، هدف زندگی روحانی آن است که مفهوم خدا جایگاه حقیقی خود را در روح انسان بیابد. در این حالت، انسان به عشق کامل الهی و توکل به او دست خواهد یافت و عبادت او، بدون چشمداشت به پاداش اخروی و تنها به خاطر درک وجود خداوند صورت می‌گیرد. این کتاب با تحقیق و ترجمه‌ی آرش آبائی و دکتر حسین علی‌جعفری (از دو زبان عربی و عبری) با عنوان «وظایف قلبها» توسط انتشارات حکمت و عرفان در مهرماه ۱۳۹۸ منتشر شد.

کتاب «گفت‌وگوی صوفی-یهودی»<sup>۱</sup> (چاپ ۲۰۰۷) به تحلیل محتوای «وظایف قلبها» و خاستگاه فکری بحیا می‌پردازد.

این کتاب نوشته‌ی دایانا لوبل، دانشیار یهودی گروه دین در دانشگاه بوستون (امریکا) است؛ بیشتر آثار او به عرفان و فلسفه اختصاص یافته و کتاب گفتگوی صوفی - یهودی، به‌طور متمرکز بر ریشه‌های تفکر عرفانی - فلسفی بحیا ابن پاقودا اندلسی، در کتاب الهدایه الی فرائض القلوب و بررسی شباهت‌ها یا تفاوت‌های آن با عرفای اسلامی از بدو ظهور صوفیه تا عصر خویش به خصوص محمد غزالی، محاسبی، جاحظ، حسن بصری، ابوطالب مکی، ابونصر سراج، رابعه عدویه و ذوالنون مصری پرداخته و در این بین حتی از متفکرین یونانی نظیر تئودوروس غافل نمانده است. این محقق یهودی بدون پیش‌قضاوت دینی درباره‌ی اسلام و یهودیت در ذهنش، نفوذ تفکر عرفای اسلامی را در نگرش عرفای یهودی به ویژه بحیا، به نمایش گذاشته است.

لوبل در «گفتگوی صوفی - یهودی» نشان می‌دهد که کتاب وظایف قلبها، نشانه‌ی رشد همزیستی یهودیان و مسلمانان و تداخل تمدن اسلامی و یهودی و شکوفایی متفکران یهودی در در اسپانیای آن زمان است. اندیشه بحیا در کتاب الهدایه، به‌سان پلی ارتباطی بین تفکر اسلامی و یهودی عمل نموده است؛ پلی که با روی‌کردی عقل‌گرایانه راه را برای ادغام فلسفه و معنویت، در ذهن متفکران بعداز خود، نظیر موسی‌بن میمون باز می‌کند. تلاش عمده‌ی

<sup>1</sup> A Sufi-Jewish Dialogue: Philosophy and Mysticism in Bahya ibn Paquda's "Duties of the Heart" (Jewish Culture and Contexts), by Diana Lobel, University of Pennsylvania Press (2007)

### معرفی کتاب

**جایگاه حقوقی غیرمسلمانان  
در فقه شیعه و قوانین ایران (۱۳۸۵-۱۳۹۷)  
نویسنده: سعید عدالت‌نژاد، نشر نی، ۱۳۹۹  
لنا دانیالی**

**عضو هیئت مدیره انجمن کلیمیان اصفهان**

این کتاب در پنج فصل تدوین شده است. مولف در فصل نخست با عنوان «جایگاه غیرمسلمانان در منابع شیعه امامی» به تاریخچه‌ی قوانین و سلوک اسلامی با غیر مسلمانان در صدر اسلام و کتب پایه فقه شیعه پرداخته و حوزه‌های مختلف مربوط به غیر مسلمانان را تعریف و شرح کرده است. در ادامه در فصل دو با عنوان «آشنایی با زمینه‌های جنبش مشروطه‌خواهی (۱۲۶۵-۱۳۲۴ق)» شرایط آن روز ایران و مخصوصاً اقلیت‌ها را سنجیده است. در فصل سه با عنوان «تدوین قوانین و مقررات»، چگونگی تدوین قوانین در ایران و راهیابی فقه شیعه مخصوصاً درباره غیرمسلمانان در قانون اساسی را پی گرفته و نحوه اجرای قوانین را در دوره پهلوی بررسی کرده است. در فصل چهار با عنوان «تدوین قوانین و مقررات در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۷-۱۳۹۷ش)»، به بازنگری و تدوین مجدد قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران پرداخته و با ذکر نظرات نمایندگان اقلیت‌ها در بدو تدوین این قوانین، به چگونگی تغییر و تصحیح آنها تا امروز پرداخته است. نویسنده با توجه به اینکه در بسیاری از قوانین از جمله قوانین دیه تغییرات و بازنگری صورت گرفته در فصل پنجم کتاب با عنوان «به‌سوی اجتهاد نوین» خواهان بازنگری در دیگر قوانین مانند ارث شده و با آوردن مثال‌های مشهود و دلایل کافی راه این بازنگری را هموار می‌سازد.

شیوه کتاب علمی و پژوهشی است و با استنادات دست اول و مصاحبه‌های موثق بر غنای آن افزوده شده است. نثر موجز و محکم و شیوا و سیر تاریخی تدوین قوانین در ایران و مرور احوال ایرانیان غیرمسلمان در این بین مخاطب را سر شوق می‌آورد و پانویس‌ها و پیوست‌های به‌جا و روشن‌گر بر نشاط کتاب افزوده و راه را برای مخاطب غیر متخصص هموار کرده است.

لازم به ذکر است که مولف در حوزه‌ی اقلیت کلیمی، از مصاحبه‌هایی با هارون یشایایی و آرش آبائی و نیز گزارش‌هایی از نشریه‌ی افق بینا (ارگان انجمن کلیمیان تهران) استفاده نموده است. ■

نویسنده نشان دادن سازگاری عرفان یهودی و فلسفه است که حکمت بحیا ریشه در هر دو منبع دارد.



پروفسور لوبل که بر مطالعات تطبیقی ادیان تمرکز دارد، پیش از این کتابی با عنوان «میان عرفان و فلسفه: زبان صوفیانه‌ی تجربه‌ی دینی در کتاب یهودا هیلوی» (۲۰۰۰ م.) و مقالات متعددی نیز درباره‌ی آثار موسی بن میمون منتشر کرده است. وی در بررسی «میدراش» (تفاسیر فقهی تورات و تلمود) نیز تحقیقات گسترده‌ای دارد. کتاب «گفت‌وگوی صوفی - یهودی» با ترجمه‌ی دکتر حسین علی‌جعفری و آرش آبائی توسط انتشارات حکمت و عرفان در پاییز ۱۳۹۹ منتشر شده است.

خلاصه‌ای از فهرست مطالب کتاب:

- خدای یکتا: دو احساس از یکتای استعاری - یکتای شهودی
- سخن درباره‌ی خداوند: صفات الهی، زبان کتاب مقدس عبری، تفسیر متون عهد عتیق - رویکرد سعدیا در مورد تفسیر کتاب مقدس
- تعمق در خلقت: مبحث طراحی جهان - تعمق و مراقبه در خلقت - استدلال نظم جهان - ناهنجاری‌ها و بی‌نظمی‌ها در ارتباط با خداوند - تأمل در تاریخ
- پرستش خالصانه (اخلاص): تخلیص وحدانیت (اخلاص‌التوحید)، خلوص در نیت اعمال (اخلاص‌العمل) - لازمه اخلاص‌التوحید و اخلاص‌العمل - معیابی که به خلوص یگانگی و عمل خدشه وارد می‌نمایند
- عقل، شریعت و راهی به روح: نظریه اخلاقی معتزله
- معنویت دین: دسته‌بندی دوگانه: وظایف قلب و وظایف جوارح - تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ی احکام کتاب مقدس: وظایف قلب، وظایف جوارح، ... - آیا انجام احکام شرعی نیاز به نیت دارد؟ تحلیل فقهی - از منظر بحیا آیا فرامین نیازمند نیت هستند؟ - نماز
- آگاهی، عشق و تکریم: عشق و تکریم - مفهوم مسیر معنوی در نظر بحیا ■

معرفی کتاب

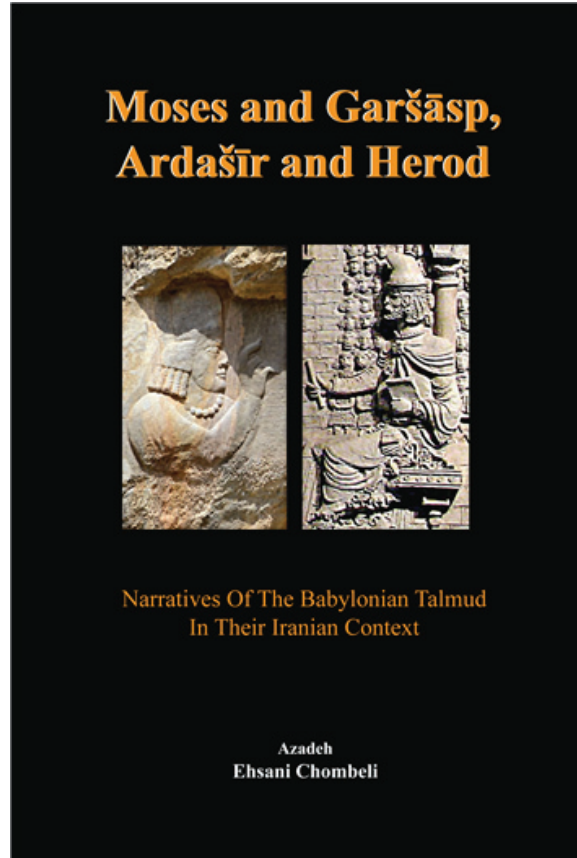
# موسی و گرشاسب، اردشیر و هرود

Moses and Garšāsp, Ardašīr and Herod  
Narratives of the Babylonian Talmud in Their Iranian Context

تالیف: دکتر آزاده احسانی چمبلی

انتشارات مزدا، امریکا، ۲۰۲۰

امروزه باور کلی پژوهشگران این حوزه چنین است که به دلیل سابقه‌ی کهن یهودیان در ایران و پیوند آنان با آیین و فرهنگ این سرزمین، ناگزیر مجموعه‌ی تلمود نیز با آثار ایرانی در پیوند بوده و از آن‌ها تاثیر پذیرفته است. کتاب مورد نظر نیز روایت‌هایی از تلمود بابلی را در سه حوزه‌ی تاریخی، اسطوره‌ای و دینی بررسی نموده و با روایت‌هایی از متون کهن ایرانی مقایسه نموده و شباهت‌ها و گاهی تفاوت‌ها و نیز چگونگی تغییرات و تحولات اسطوره‌ها را بررسی نموده است. در حوزه‌ی تاریخی (باید توجه داشت که تلمود یک متن تاریخی به حساب نمی‌آید و در حوزه‌ی تخصصی تاریخ نمی‌توان به صورت منبعی موثق بدان استناد نمود) روایتی از هرود (والی یهودیه از سوی امپراتوری روم) با متن پهلوی کارنامه اردشیر بابکان مقایسه شده است و در همان بخش به شاهنامه فردوسی نیز گریزهایی زده شده است. در حوزه‌ی اسطوره‌ها روایت‌هایی از حضرت موسی و حضرت سلیمان در تلمود با روایت‌هایی از متون پهلوی (گرشاسب و جمشید) مقایسه شده و تغییر و تحول شخصیت‌های اسطوره در طول زمان بررسی شده است. در بخش پایانی کتاب برخی روایت‌های مربوط به بهشت و دوزخ و همچنین پایان جهان از تلمود گردآوری شده و با متون پهلوی (به ویژه ارداویرافنامه) مقایسه شده‌اند. در پایان برای روشن شدن تاثیرات تلمود بر متون ایرانی (به ویژه ادبیات کلاسیک ایران) روایتی از تلمود با قطعه‌ای از عطار نیشابوری مقایسه شده است. به طور کلی کتاب موافق جریان تاثیرپذیری برخی روایت‌های تلمودی از آیین و فرهنگ ایران دوران ساسانی است، اما گه‌گاه و به مناسبت از تاثیرات تلمود بر متون ایرانی کهن و ادبیات کلاسیک ایران نیز سخن به میان می‌آید. ■



کتاب «موسی و گرشاسب، اردشیر و هرود: روایت‌هایی از تلمود بابلی در بستر ایرانی‌شان»، کتابی است در حوزه‌ی مطالعات ایرانی-تلمودی. گرایش مطالعات ایرانی-تلمودی، مجموعه کتاب‌های تلمود بابلی را -که مجموعه‌ای وزین از آداب و رسوم، اساطیر و آیین‌ها و قوانین دینی یهودیان ایران در دوران ساسانی است- در پیوند با متون کهن ایرانی، به ویژه متون فارسی میانه بررسی می‌نماید. نویسنده‌ی کتاب آزاده احسانی چمبلی، کارشناس ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی بوده و دکترای خود را در گرایش مطالعات ایرانی-تلمودی از دانشکده ادیان و فرهنگ‌های دانشگاه کنکوردیا در کانادا (۲۰۱۸) دریافت نمود.



طنز



## این کت صاحب مرده من چی شد ???

استاد (ممن دلرمیم)

آخه سرکار خانم ... سرکار خانم و زهر مار گفتم برو بیرون مردکه هرزه . حاج اسمال چیزی نگفت درخواست خود را برداشته و از اتاق مدیرکل خارج شد وقتی که اداره مذکور را ترک می‌کرد با خود می‌گفت ای بابا این چه دنیایی است کار که نمی‌دن به درک! چرا توهین می‌کنند، مگه نمی‌شه مثل آدم گفت: برو بابا جان استخدام نمی‌کنیم برو پی کارت.

فریدون پسر جوان حاج اسمال تازه از خواب بیدار شده، در حالی که خمیازه می‌کشید نگاهش به چرک‌نویس نامه‌ای افتاد که دیشب نوشته بود آن را برداشته یک بار دیگر خواند:

محبوبه‌ی عزیزم ... امیدوارم که ناامیدم نکرده به تقاضایم جواب مثبت بدهی ... قلب سرکش من فقط تو را می‌خواهد و بس ... خواهش می‌کنم عشق آتشین مرا بپذیری ... گرچه جسارت است ولی باید بگویم که تو را قلباً دوست دارم و تو را می‌خواهم و اگر موافق باشی زن و شوهر خوبی برای هم خواهیم بود. قلباً دوستت دارم . قربون تو فریدون.

فریدون بعد از این که نامه را خواند تصمیم گرفت چند جمله عاشقانه دیگر هم اضافه کند بعد یادش آمد که نامه را پاک‌نویس کرده در جیب کت خود گذاشته است. از جایش بلند شد تا از جیب کتش اصل نامه (درخواست ازدواج) را بگیرد ولی کت خود را نیافت... سر و صدایش بلند شد ... ای بابا این کت صاحب مرده ما چی شد!!! مادرش از در وارد شده گفت:

سر و صدا نکن پسر جان ... قربون اون قد و بالای خوشگلتم برم ... امروز بابات در جستجوی کار برآمد واسه این که روز اول سر و صورتش خوب باشد و استخدامش کنند کت تو را پوشید ... الان برمی‌گرده. تقاضانامه‌ای هم که نوشته بودی با خودش برد. ■

حاج اسمال مرد مسن و خجالتی کارگر ساده یکی از شرکت‌ها بود که در اثر شیوع ویروس کرونا به عللی آن شرکت بسته شد و حاج اسمال بیکار ماند. در جستجوی کار برآمد و چون بی‌سواد بود کار خوبی گیرش نمی‌آمد. بنابراین دنبال کاری نظیر درباری و این جور کارهای ساده بود. تا این که یک روز یکی از رفقای قدیمی‌اش گفت:

والله حاج اسمال نمی‌دانی این مدیر کل «اداره راهنمای خانواده» چه زن نازنین، مهربون و دلسوزی است اگر نزد او مراجعه کنی و درخواستی بنویسی و به او بدهی شاید تو را به عنوان دربان استخدام کند.

حاج اسمال از شنیدن این حرف‌ها گل از گلش شکفت، پسر جوان حاج اسمال، یک درخواست استخدامی برای پدرش نوشت تا فردا صبح زود نزد مدیر کل رفته از او بخواهد وی را برای درباری استخدام کند.

فردا صبح حاج اسمال با صورت تر و تمیز به طرف اداره «راهنمای خانواده‌ها» به راه افتاد وقتی هم صدای اعتراض و داد و فریاد نانا، بقال و قصاب سر کوچه را شنید، با اطمینان زیاد گفت: بابا حالا خوب شدم و امروز ممکنه استخدام بشم، ایشالا حساب‌هایتان را تسویه می‌کنم. وقتی پشت در اتاق مدیرکل رسید اجازه ورود خواست و بعد داخل شده با احترام سلام کرد با التماس و تمنا گفت: سرکار خانم به حضور شما یک عرض داشتمم اگر به این حقیر مرحمت کنین ، خانم مدیرکل با لحن مهربانی گفت چه فرمایشی بود جانم ... بفرمائین. حاج اسمال فوری درخواستی را از جیبش بیرون آورد و روی میز جلو مدیرکل گذاشت.

وقتی مدیرکل درخواست را خواند قیافه‌اش تغییر کرده چهره‌اش قرمز شد بعد با عصبانیت از جایش بلند شد سیلی محکمی بیخ گوش بیچاره حاج اسمال زد و گفت: برو بیرون مردکه دیوانه ... برو بیرون احمق بی‌تربیت.

طنز



## مارو دور ننداز...

تشیپورچی

می‌خوردیم. دوست عزیز که ما را آنفالو می‌کنی آخرین باری که من شما را دیدم هر دو مان در کالسه مشغول مکیدن شست پای‌مان بودیم.

آخه پدر بیامرز یک جوری آنفالو می‌کنی که هیچ‌کس نداند فکر می‌کند که اداره پست از رساندن فوج فوج نامه عاشقانه من به درب منزلتان عاصی شده است.

بابا یاد دارم تنها رابطه ما در فضای مجازی به ۴ سال پیش برمی‌گردد که دست‌مان خورد استوری تو را seen کردیم تو هم پاسخ دادی ممنون از توجه شما.

بقیه با خود چه فکری می‌کنند وقتی شما همه رو از صفحه حذف کردی. ما خودمان را برای تو می‌کشتیم یا تو زیر آلاچیق حیاطمان آواز می‌خواندی.

یک سلام و علیکم مختصری به رسم آشنایی بوده و از این به بعد هم همان است باور کنید اگر ما به شما نظر داشتیم تا الان همه فهمیده بودند از بس که ماشالله در این جامعه حریم خصوصی معنا دارد و هیچ‌کسی در زندگی دیگری سرک نمی‌کشد. در آینده به فرزندمان خواهیم گفت:

فرزندم به یاد داشته باش که روزی نیاکان تو در این سرزمین به محض آشنایی با جنس مخالف حتی موریانه-های عذب را از صفحه خود حذف می‌کردند.

پسرم دخترم به این مراسم خود آفتاب مهتاب ندیده کنون می‌گویند شاید خنده‌تان بگیرد اما حتی همجنس‌های ما بعد از اولین مراسم آشنایی ما را از صفحه‌شان حذف می‌کنند.

به ولله که من پیگیر وصلت شما نبودم، این چه فکری است که با خود می‌کنید. مورد داشته‌ایم که طرف ۱۶k

دنبال کننده داشته است و در بیوگرافی صفحه خود نوشته بود انسان ذاتا موجودی است، اجتماعی اما بعد از ورود به رابطه صفحه را پاک کرد، صفحه جدیدی زد که در آن تنها ۴ نفر را دنبال کرده بود پدر، مادر، برادر، آموزش کرامات انسانی و شعارش این بود: من در گوشه تنهایی خود فقط خدا را دارم، صفحه شخصی است مزاحم نشوید عکس صفحه‌اش هم یک شمع بود که یه روبان قرمز داشت، من بمیرم برای این همه صداقتان. ■

تو بجه‌هی قرنطینه و اون وسط مسطا که همه جا از جمله تالارهای عروسی تعطیل بود و عده‌ای جوان بی‌گناه برای رفتن به خانه و زندگیشان در صف بودند متوجه این شدم که تعداد فالوورهاهم چند وقتی است که هیچ تغییری نکرده.

اما به محضی که وضعیت از حالت قرمز خارج شد و تک و توک تالارها مهمونی‌های قاچاقی و کم جمعیت و زیر جولگی می‌گرفتند به یک باره متوجه این شدم که بین افزایش وصلت‌های سر گرفته و کاهش فالوورهای صفحه من رابطه مستقیم عجیبی وجود دارد، کنجکاو شدم که بینم ماجرا از کجا آب می‌خورد. طی تحقیقات میدانی و کاملا برنامه‌ریزی شده با چند تن دیگر از دوستان مجردم چه مذکر چه مؤنث به این نتیجه رسیدیم که به محض پاس کردن اولین واحد از پیش نیازهای یک وصلت دختر و پسر بعد از اتمام اولین مراسم آشنایی با رسیدن به خانه قبل از شستن دست و صورت و پوشیدن لباس خانگی اقدام به حذف تمام موجودات با جنس مخالف در صفحه خود می‌کنند، در این بین الحق و الانصاف رعایت عدالت هم می‌کنند چون سن و سال و شرایط طرف مقابل و نسبتی که با او دارند هیچ تاثیری بر فرود آوردن شمشیر حذف بر گردن صفحه آنها نمی‌گذارد.

پسرها از دختر عمه گرفته تا مادر بزرگ عروس خاله-شان تا طفل دختر شیرخواره‌ای که در شکم همسر پسر عموشون است و با این لوس بازی‌ها برای او پروفایل coming soon ساخته‌اند را حذف می‌کنند. حتی مورد داشته‌ایم که مادر بزرگ خود را از صفحه‌اش حذف کرده است، وقتی علت را جويا شدیم پاسخ داد: چشمان من هیچ فرد مؤنثی را بجز نامزد نمی‌بیند.

دختر خانم‌ها هم که جوری پسرها را آنفالو می‌کنند که انگار علت ناکامی آنها در ازدواج تا این سن پسرها بوده‌اند.

چند روز پیش به من خبر رسید فلان کس بله برون کرده است فوراً همان لحظه چک کردم دیدم که یک نفر دیگر از فالوورها کم شده است.

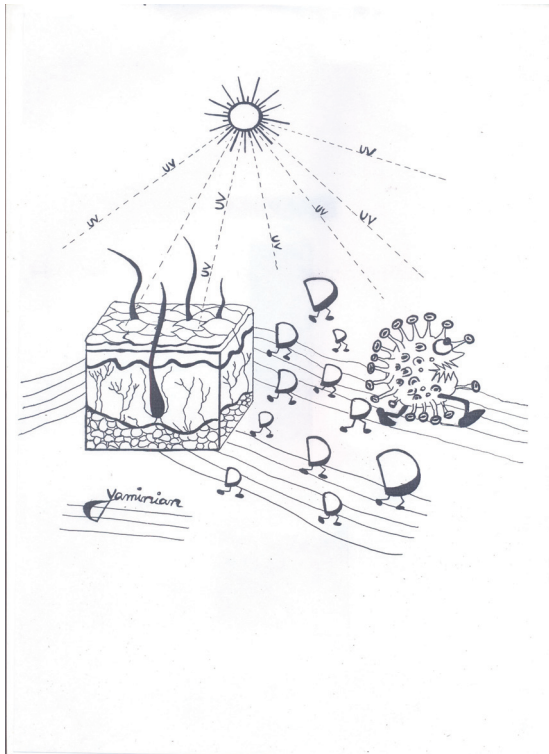
حالا ما داشتیم در خانه با زیر شلواری ماس-ت‌مان را



## نقش ویتامین D در تقویت سیستم ایمنی

مژده یمینیان

کارشناس تغذیه



و قندها، ویتامین‌ها و املاح معدنی، به اندازه مورد نیاز، بهره‌مند شود که هر کدام در جهت تقویت سیستم ایمنی، می‌تواند نقش اساسی ایفا نماید.

تمام مواد مغذی در حفظ و تقویت سیستم ایمنی، به گونه‌ای دخالت دارند، اما با توجه به این نکته که بیشتر افراد مخصوصاً زنان و دختران، در معرض کمبود ویتامین D قرار دارند، در این مقاله در رابطه با نقش ویتامین D در تقویت سیستم ایمنی بدن انسان، توضیح داده می‌شود.

ویتامین D که به ویتامین آفتاب شهرت دارد، یکی از ویتامین‌های محلول در چربی، می‌باشد. این ویتامین به جذب کلسیم کمک می‌کند و باعث استحکام استخوان‌ها می‌شود. ویتامین D در استخوان‌ها، روده کوچک، کلیه‌ها و

در این روزها که بیماری کرونا، در مرحله پاندمی<sup>۱</sup> قرار گرفته و کووید ۱۹ در کل سطح زمین، روزانه قربانیان زیادی برجای می‌گذارد، ضرورت پیشگیری از این بیماری برای همه انسان‌ها حس می‌شود و این مسأله از طریق رعایت پروتکل‌های بهداشتی و تقویت سیستم ایمنی بدن، امکان‌پذیر است.

مهم‌ترین روش برای تقویت سیستم ایمنی، برخورداری از تغذیه سالم است که در این رابطه باید در درجه اول، وزن بدن را در محدوده سلامت حفظ کرد و چون اضافه وزن و چاقی و همچنین لاغری، هر کدام به گونه‌ای می‌توانند منجر به تضعیف سیستم ایمنی شوند، باید با استفاده از رژیم غذایی صحیح و استاندارد و تغییر سبک زندگی برای برخورداری از وزن ایده‌آل و طبیعی، برنامه‌ریزی شود. باید توجه داشت که استفاده از رژیم‌های غذایی نادرست و غیراستاندارد، نتیجه معکوس خواهد داشت و منجر به تضعیف سیستم ایمنی بدن می‌شود. از جمله نکات قابل توجه دیگر، طبیعی نگه داشتن پارامترهای خونی است و افرادی که به دلایل ژنتیکی و یا بیماری‌های زمینه‌ای دچار قند خون بالا، افزایش چربی‌های مضر خون و ... هستند و یا مبتلا به فشارخون بالا می‌باشند، باید با استفاده از رژیم غذایی صحیح و در صورت نیاز، مصرف دارو، بیماری خود را کنترل نمایند.

برای برخورداری از تغذیه سالم، هر انسانی باید دقت کند که در طول روز از تمام گروه‌های غذایی، به اندازه و مطابق با نیازش مصرف نماید که این نیاز، با توجه به جنسیت، گروه سنی و نیازهای خاص فیزیولوژیکی در افراد مختلف، فرق می‌کند به این صورت، هر انسانی می‌تواند از تمام مواد مغذی از قبیل کربوهیدرات‌ها، پروتئین‌ها، چربی‌ها

<sup>1</sup> - Pandemic

پستان، افزایش فشار خون، تشدید بیماری‌های التهابی روده و بیماری‌های پوستی و ... مساعد می‌سازد.

از جمله نکات قابل توجه در رابطه با نقش ویتامین D در این دوران، تأثیر ویتامین D در پیشگیری از عفونت‌ها، سرماخوردگی و آنفلوانزا است.

در این زمینه، تحقیقاتی نشان داده‌اند که یک رابطه قوی بین کمبود ویتامین D و میزان مرگ و میر ناشی از بیماری کرونا وجود دارد و ۸۰٪ از بیماران مبتلا به کرونا، کمبود ویتامین D دارند و همچنین تئوری‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد، میزان طبیعی ویتامین D در بدن بیماران مبتلا به کرونا، از شدت بیماری در آنها می‌کاهد و به درمان آنها کمک می‌کند.

### چه افرادی در معرض کمبود ویتامین D قرار می‌گیرند؟

- افرادی که به اندازه لازم در معرض نور خورشید قرار نمی‌گیرند.
- افرادی که از منابع غذایی ویتامین D به اندازه کافی استفاده نمی‌کنند تابع رژیم غذایی وگان<sup>۸</sup> (گیاهخواری مطلق) هستند.
- افرادی که به کلیه‌شان به دلایل مختلف، قادر به تبدیل ویتامین D به فرم فعالش نیست.
- افرادی که دستگاه گوارشان به دلایلی، قادر به جذب ویتامین D به اندازه کافی نیست. نظیر بیماران مبتلا به کرون<sup>۹</sup>، فیبروز کیستیک<sup>۱۰</sup> و بیماری سلیاک<sup>۱۱</sup>.
- افرادی که چاق هستند، به طوری که BMI<sup>۱۲</sup> یا شاخص توده بدنی آنها بالای ۳۰ می‌باشد.
- افرادی که پوست تیره دارند. رنگدانه‌های ملانین<sup>۱۳</sup> موجود در پوست، مانع از ساخت ویتامین D

غده پاراتیروئید<sup>۲</sup>، باعث تنظیم کلسیم و فسفر خون می‌شود و چون فعالیتی هورمون گونه دارد، می‌تواند آن را هورمون نامید.

**ویتامین D**، در تنظیم فشار خون، عملکرد پوست، ماهیچه‌ها، سیستم عصبی، تنظیم رشد و تکثیر سلولی دخالت دارد.

این ویتامین در کنار دیگر وظایف مهم خود در بدن، باعث تقویت سیستم ایمنی و پیشگیری از بیماری‌های خود ایمنی می‌شود، همچنین برای پیشگیری از عفونت‌ها و بیماری‌های تنفسی از جمله سرماخوردگی و آنفلوانزا، بسیار مؤثر می‌باشد.

### کمبود ویتامین D

کمبود ویتامین D، در کودکان باعث بروز راشیتیس<sup>۳</sup> یا ریکتز<sup>۴</sup> می‌شود که در این بیماری، پاها به شکل پرانتری یا ضربدری در می‌آیند. قسمت جلوی جمجمه برجسته می‌شود، تغییراتی در ستون مهره‌ها و لگن به وجود می‌آید، استخوان سینه بیرون زده می‌شود که اصطلاحاً به آن سینه کبوتری گفته می‌شود. قوز کمر، کوتاه قامتی و توقف رشد، شکستگی استخوان‌ها، درد و گرفتگی عضلانی، تأخیر در تشکیل دندان‌ها و ... از جمله دیگر علائم بیماری راشیتیس می‌باشند، این بیماری بیشتر در بین کودکان دیده می‌شود که کمتر در معرض نور خورشید قرار گرفته‌اند و یا این که کمتر از منابع غذایی ویتامین D و کلسیم بهره‌مند شده‌اند. گرچه در بعضی موارد هم، این بیماری می‌تواند ارثی باشد.

در بزرگسالان، کمبود ویتامین D، می‌تواند باعث بیماری استئومالاسی<sup>۵</sup> یا نرمی استخوان، استئوپروزیس<sup>۶</sup> یا پوکی استخوان، دردهای استخوانی، خستگی و افسردگی شود. همچنین زمینه را برای ایجاد بیماری ام اس<sup>۷</sup>، دیابت نوع دو، انواع سرطان‌ها از جمله سرطان پروستات، روده،

<sup>۸</sup> - Vegan

<sup>۹</sup> - Crohn's disease

<sup>۱۰</sup> - Cystic fibrosis

<sup>۱۱</sup> - Celiac

<sup>۱۲</sup> - Body mass index

<sup>۱۳</sup> - Melanin

<sup>۲</sup> - Parathyroid

<sup>۳</sup> - Rachitisme

<sup>۴</sup> - Rickets

<sup>۵</sup> - Osteomalacia

<sup>۶</sup> - Osteoporosis

<sup>۷</sup> - Multiple Sclerosis



با توجه به عوارض کمبود ویتامین D در بدن و با توجه به شرایط فعلی و خطر بیماری کرونا، بر هر فردی لازم است که میزان ویتامین D خون خود را چک نماید و در صورت نیاز، طبق نظر پزشک و متخصص تغذیه از مکمل دارویی ویتامین D استفاده کند. لازم به توضیح است که دریافت بالای ویتامین D هم باعث بروز مسمومیت و مشکلاتی در بدن می‌شود و در رابطه با بیماری کرونا هم، یکی از تحقیقات جدید نشان داده است که همان‌گونه که کمبود ویتامین D می‌تواند خطر ابتلای شدید به این بیماری را در انسان‌ها افزایش دهد، سطح بالاتر از میزان طبیعی این ویتامین در بدن، نمی‌تواند از شدت بیماری بکاهد و مدت زمان ماندگاری بیماران در بیمارستان را کاهش دهد. ■

می‌شود. بنابراین افراد سفید پوست، نسبت به افرادی که پوست سبزه دارند و افراد سبزه نسبت به سیاه‌پوستان، به مدت زمان کمتری برای برخورداری از اشعه ماورابنفش نور خورشید نیاز دارند. افراد با پوست تیره، اگر به اندازه کافی در معرض نور خورشید قرار نگیرند، می‌توانند دچار کمبود این ویتامین شوند.

- افرادی که موقع بهره‌گیری از نور خورشید به منظور جذب ویتامین D، از کرم‌های ضد آفتاب استفاده می‌کنند. چون کرم‌های ضد آفتاب، مانع از جذب اشعه ماورا بنفش و ساخت این ویتامین در بدن می‌شود.

- افرادی که سالمند هستند، چون در بدن سالمندان ویتامین D کمتری تولید می‌شود.

باید توجه داشت که اشعه ماورا بنفش در هوای آلوده و از پشت شیشه عبور نمی‌کند و کمبود ویتامین D در زنان و دختران که کمتر در معرض نور مستقیم خورشید قرار می‌گیرند، بیشتر از مردان می‌باشد.

### منابع ویتامین D

منبع اصلی ویتامین D، نور خورشید می‌باشد. بهترین زمان برای برخورداری از آفتاب به منظور تولید ویتامین D، از ساعت ۱۰ صبح تا ساعت ۳ بعدازظهر می‌باشد، که سایه کوتاه‌تر از جسم است و مدت زمان لازم به طور متوسط ۱۰ تا ۱۵ دقیقه می‌باشد.

در صورت آفتاب گرفتن بیش از این زمان، به منظور حفاظت از پوست و حفظ سلامتی باید از کرم‌های ضدآفتاب استفاده شود. این نکته حائز اهمیت است که قرار گرفتن در مقابل اشعه نور خورشید به مدت طولانی، باعث آفتاب سوختگی، پیری پوست و سرطان پوست می‌شود.

### منابع غذایی این ویتامین عبارتند از :

ماهی‌های پرچرب، نظیر ماهی تن، ساردین، سالمون و ماهی آزاد، جگر گوساله، روغن کبد ماهی، قارچ‌هایی که با اشعه ماورابنفش خورشید پرورش یافته‌اند، زرده تخم‌مرغ و لبنیات غنی شده با ویتامین D.

### منابع

- Modern Human Krause
- [www.healthline.com](http://www.healthline.com)
- More Vitamin D , lower risk of severe covid 19? By Kathleen Doheny
- [www.reuters.com](http://www.reuters.com)>article be nancy lapid



## حقوق خانواده

امیرفراز نعیموت  
کارشناس ارشد مقوق

می‌دارد که نظریه دارالشرع کلیمیان، منطبق بر احکام شرعی یهود بدین صورت می‌باشد.

زمانی که نامه به دست شعبه دادگاه رسید دادرسی با استناد به آن رای را صادر می‌کند. طبق قانون هر یک از طرفین این دعوا چنانچه دادنامه شرایط قانونی لازم را داشته باشد و در واقع حکم قطعی نباشد می‌تواند نسبت به آن در مراجع بالاتر اعتراض کند. اما در مراجع بالاتر هم چنانچه برای شعبه رسیدگی کننده محرز شود که دادرسی رای اولیه، در صدور رای موازین قانونی را رعایت کرده است رای مبتنی بر همان نظریه‌ای است که مرجع شرعی کلیمیان اعلام داشته است.

این است یک تصویر کلی از روند رسیدگی به دعاوی احوال شخصیه. با توجه به این که قانون‌گذار در احوال شخصیه اقلیت‌های مذهبی به طور مطلق احکام شرعی را بر صدور رای حاکم می‌داند با رویکرد حاضر و اعلام نظر یک طرفه از سوی مرجع شرعی و عدم توان طرفین دعوا در دفاع از خود در مرجع شبه قضاییه دارالشرع، عملاً خیلی از شاخصه‌های حقوقی از روند دادرسی حذف می‌شوند، چرا که اطلاع از قوانین شرعی و دسترسی به متون و قوانین مربوط به شریعت یهود و تفسیر آن منحصر در اختیار دارالشرع است، شاهد این هستیم که در این نظام دادرسی تنها یک نهاد است که از قانون خبر دارد، حکم صادر می‌کند و در صورت تجدید نظر هم باز نظر همین نهاد تأثیرگذار است.

در جایی که نه وکیل و نه طرفین دعوا و نه حتی مرجع صادر کننده رای از قانون شرعی خبر ندارد چطور می‌توان انتظار داشت که برای احقاق حق راهکار قانونی پیدا شود؟ اگر نظریه صادر شده از سوی دارالشرع نارسا باشد و در واقع مفهومی قاطع نداشته باشد و به روشنی حکم را بیان نکند چطور می‌توان ثابت کرد که این نظر منطبق بر احکام شرعی نیست؟ آیا زن و شوهر یا وکیل ایشان از قانونی که دارالشرع به استناد آن نظر می‌دهد با خبر هستند؟ و با توجه به اینکه جامعه کلیمی در ایران یک جامعه کم جمعیت است اغلب نظریه‌های صادره از دارالشرع ماهیتی دو پهلو دارد و به قول قدیمی‌ها طوری است که «نه سیخ بسوزد نه کباب!» به وضوح می‌توان این را درک کرد که بر اثر

خوشبختانه در چند سال اخیر ما در این ستون از مجله، به بررسی مختصر موارد پر کاربرد حقوقی می‌پردازیم، با توجه به این که این مجله بیشتر مربوط به جامعه کلیمیان ایران است و در واقع تنها مکتوبی است که به صورت مدون به دست افراد جامعه کلیمی ایران می‌رسد، با خود می‌انگاشتم که رسالت این ستون همواره باید این باشد که علاوه بر افزایش سواد حقوقی همکیشان در رفع معضلات حقوقی جامعه کلیمی اثرگذار باشد.

از منظر نگارنده، بر حسب تجربیات حرفه‌ای، بی‌شک بزرگترین مشکل حقوقی جامعه کلیمیان در این ایام، مسائلی است که در حقوق خانواده رخ می‌دهد، در واقع این معضلات مجموعه‌ای از مسائل سترگی است که راه گذر از آن بسیار ناهموار و صعب العبور است.

با توجه به این که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حل مسائل احوال شخصیه اقلیت‌های مذهبی به رسمیت شناخته شده در این قانون را، متبوع کیش و آیین خودشان می‌داند، لاجرم در بحث مسائل مربوط به حقوق خانواده نیز که بخش اعظمی از احوال شخصیه را شامل می‌شود راه حل را باید در متون مذهبی آیین یهود پیدا کنیم و در واقع ارائه راهکار و نظریه‌ای که منجر به صدور رای قضایی می‌شود در دست افرادی است که به عنوان مراجع مذهبی جامعه کلیمی شناخته می‌شود.

در حل مسائل قضایی مربوط به حقوق خانواده روند کار به این شکل است هر کسی که قصد دارد دادخواهی خود را نزد قوه قضاییه ببرد به شکل قانونی درخواستی را مبنی بر خواسته خود به دادگاه ارائه می‌دهد مانند: درخواست مهریه، درخواست نفقه، درخواست صدور گواهی عدم سازش و به طور کل طلاق و موارد مشابهی که بین زن و شوهر مطرح است، با ارجاع موضوع به دادگاه، پس از اطلاع از این که دعوا در حوزه احوال شخصیه اقلیت‌های مذهبی است، مرجع قضایی موضوع را به انجمن کلیمیان ارجاع می‌دهد. انجمن کلیمیان نیز برای پاسخگویی نظر کارشناسان مذهبی و در واقع مسئولین دارالشرع را جویا می‌شود.

هر پاسخی که کارشناسان مذهبی ارائه دهند انجمن کلیمیان با مهر و سربرگ خود به شعبه قضایی اعلام

این مشکلات تنها گوشه‌ای از معضلاتی است که در بحث قوانین خانواده جامعه کلیمیان با آن رو به رو است، نظریات کارشناسان مذهبی غالباً غیر قاطع، دو پهلو و بعضاً متناقض است که چنانچه مرجع قضایی از آن تبعیت محض نماید منجر به نابودی زندگی عده‌ای جوان بی‌گناه می‌شود که با هزار آرزو وارد زندگی مشترک شده‌اند.

وجود راه‌کار قطعی و حل این مشکلات نیاز به اصلاح روند حاضر و تغییرات اساسی در اجرای قوانین مربوط به احوال شخصیه دارد یعنی در واقع وجود مشکل در بخش اجرای قوانین است زیرا قانون موجود در این باره بر پایه تکریم اعتقادات مذهبی اقلیت‌های رسمی و اصول حقوق بشر اسلامی است که وجود آن نعمتی بزرگ برای جامعه‌ی اقلیت‌های مذهبی از جمله کلیمیان است که اما عدم استفاده صحیح از آن می‌تواند حقوق ابتدایی افراد را از جمله برخورداری از دادرسی عادلانه و احقاق حق در سایه حکومت دینی و مشروع را متزلزل سازد.

اما با توجه به اینکه مسیر اصلاح شرایط موجود در جامعه کلیمی نیاز به زمان و نظریه‌های کارشناسانه متصدیان اجتماعی و مذهبی جامعه کلیمی و کمک همه جانبه دستگاه‌های حکومتی از جمله قوه قضاییه و قوه مقننه و حتی مراجع دولتی دارد باید این موضوع را در نظر داشته باشیم که تا آنجایی می‌توانیم راه را بر بروز چنین مشکلاتی ببندیم، به این نحو که در انتخاب همسر دقت و حساسیت بیشتری به خرج دهیم و با فکر به این که زمان مناسب برای ازدواج کردن خودمان یا عزیزانمان به زودی سپری می‌شود تن به یک وصلت عجولانه و غیر منطقی ندهیم.

عزیزان جدی بگیریم که آنچه در پس ازدواج رخ می‌دهد آینده و یک عمر زندگی خودمان و عزیزانمان است. اگر آگاه باشیم که هر دعوی حقوقی خانواده بین زن و شوهر چقدر می‌تواند هزینه بر و زمان بر باشد هرگز بدون در نظر گرفتن کلیه‌ی شرایط و آگاهی از حقوق یکدیگر حاضر به ازدواج نمی‌شویم.

امروزه دسترسی به کارشناسان مجرب امور خانواده و روانشناسی و همچنین کارشناسان حقوقی آگاه در جامعه کوچک خودمان امر دشواری نیست، می‌توانیم با کمک از این عزیزان تا حدود زیادی خیال خودمان و اطرافیانمان را از وصلت ازدواج آسوده کنیم. ■

مناسبت‌های خانوادگی و اجتماعی دارالشرع کلیمیان همواره رفتار محافظه‌کارانه‌ای دارد.

قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۲، حکم کرده است که کلیه دادگاه‌های خانواده با حضور قاضی مشاور زن تشکیل شود! این به آن دلیل است خیلی از مبانی خانوادگی و عواطف و احساسات مادرانه و زنانه و همچنین نیازهای زنانه را اغلب، زن‌ها راحت‌تر درک می‌کنند و طبق این قانون قاضی باید نظریه قاضی مشاور زن را اخذ کند و سپس رای صادر کند، این در حالی است که در دارالشرع که نهاد تصمیم‌گیری در مسائل حقوقی خانواده‌های کلیمی است هرگز همچین اتفاقی نمی‌افتد و همکیشان عملاً از این نهاد پرسود قانونی محروم می‌شوند، جا دارد به نوبه خویش استفاده از مشاور خانم را به دارالشرع بیهود ایران نیز پیشنهاد دهم تا شاهد حفظ هرچه بیشتر حقوق زنان در جامعه باشیم.

فارغ از این که تا چه اندازه رفتار دارالشرع راه‌گشا است یا خیر، ما باید به این باور برسیم که متون مذهبی شریعت یهود در شرایط کنونی راه‌کار قاطعی برای فصل خصومت بین زوجین ارائه نمی‌دهد. به طور مثال در دعوی طلاق هرچند دادگاه و حتی دارالشرع نیز حکم به اجرای طلاق زوجین دهد، تا زمانی که مرد به خواست خود و با پای خود در مجلس تشریفاتی اجرای طلاق شرعی حاضر نشود هیچ شخصی قادر به اجرای عقد طلاق نیست و عملاً این رای اجرا شدنی نیست. فرض کنیم مردی با همسرش بدرفتاری می‌کند، نفقه او را نمی‌پردازد و به اخلاقیات و طهارت خانودگی پایبند نیست، زن که از زندگی با این شخص به تنگ آمده است یک صبح چشم باز می‌کند و می‌بیند مرد او را به مقصدی نامعلوم ترک کرده است. از منظر آنچه کارشناسان مذهبی حکم دینی تلقی می‌کند این زن باید تمام ایام جوانی خود را در گوشه‌ای بنشیند و منتظر بماند تا مرد او را طلاق دهد و اگر دسترسی به مرد مقدور نباشد، این زن همچنان زن شوهر دار محسوب می‌شود. این در حالی است که در کلیه سیستم‌های قضایی کارآمد از جمله قوانین کشور ایران، حاکم این اختیار را دارد که با احراز شرایط قانونی زن را مطلقه نماید.

به نظر می‌رسد در جایی که احکام شرعی راه‌گشا نیست باید قائل به عمومیت صلاحیت قوه قضاییه داشته باشیم، در واقع این مرجع به عنوان تنها مرجع تظلم خواهی ایرانیان این صلاحیت را دارد که چنانچه به هر دلیلی حقی از حقوق مکتسبه شهروندان این آب و خاک ضایع شود با اعمال قدرت مشروع خود مانع از آن شود.



## اخبار

### مهندس امید ممبئی مقدم

#### مدیر روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران

### محکومیت عادی سازی روابط امارات متحده عربی با رژیم صهیونیستی

جامعه ایرانیان کلیمی توافق ننگین عادی سازی روابط امارات متحده عربی با رژیم جعلی و منحوس صهیونیستی را با واسطه‌گری شیطان بزرگ محکوم کرده و اعلام می‌دارد که این اقدام خائنانه‌ی جاهلانی که به تعبیر اربابانشان، گاو شیرده‌ای بیشتر نیستند، باعث فشار و ظلم مضاعف بر مظلومان خواهد شد و چیزی به غیر از بی‌آبرویی محض، برای توطئه‌گران در پی نخواهد داشت. جای تردید نیست این عمل نکوهیده، بیش از گذشته موجبات منفورتر شدن حاکمان امارات متحده و رژیم صهیونیستی را در پی خواهد داشت.

بدیهی است این اقدام مذبحخانه، تمام آزادی‌خواهان جهان را در مبارزه هر چه بیشتر بر علیه رژیم صهیونیستی و دفاع از حقوق حقه ملت فلسطین، ترغیب خواهد نمود.

روابط عمومی انجمن کلیمیان با اعلام انزجار از این توافق ننگین، تردید ندارد بزودی حق بر باطل پیروز گشته و به لطف قادر مطلق، صلحی پایدار مبنی بر عدالت و انصاف، بر ظلم و جفا غلبه خواهد نمود.

### ابراز تسلیت در خصوص درگذشت شادروان دکتر ربیع هرمان مقدم

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران با قلبی اندوهگین و متأثر، درگذشت مرحوم دکتر ربی شیمعون بن اوراهام (ربیع) هرمان مقدم را به جناب حاخام دکتر یونس حمامی لاله‌زار (رهبر دینی کلیمیان ایران) و همسر محترمشان و همچنین سایر بازماندگان بزرگوار آن مرحوم تسلیت گفته و از قادر مطلق برای نِشاما و روح آن شادروان، علو درجات را خواستار است.

### ابراز تسلیت در خصوص درگذشت جانگداز شادروان پروانه خاکشور (خالدار)

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران با اندوه فراوان، چشمانی اشکبار و تاسف لایتناهی، درگذشت ناباورانه مرحوم پروانه (کفایت) خاکشور را به بازماندگان بزرگوار و محترم ایشان، به خصوص مهندس روبرت خالدار و دکتر رامین خالدار تسلیت گفته و با قلبی متأثر و دردمند، برای نِشاما و روح آن مرحوم از قادر مطلق، علو درجات را خواستار است.

بی‌تردید روح آن بانوی گرامی اکنون از ثمره سال‌ها خیرخواهی و تربیت فرزندان صالح و زحمت‌کش قرین رحمت الهی خواهد بود.

### برگزاری جلسه معارفه مدیر مجتمع آموزشی اتفاق

روز پنجشنبه مورخ ۳۰ مرداد ماه ۱۳۹۹، کنیسای ایریشمی شاهد برگزاری جلسه معارفه مدیر جدید مجتمع آموزشی اتفاق بود.

مسئول و اعضای کمیته علمی آموزشی، انجمن اولیا و مربیان، والدین و دانش‌آموزان مجتمع، از جمله حاضرین این جلسه بودند که با رعایت پروتکل‌های بهداشتی برگزار شد.



خانم تیموری (مدیر جدید مجتمع) در این جلسه به اهداف خود برای ارتقای سطح علمی، آموزشی و پرورشی اشاره کرد.

خاطر نشان می‌سازد پیش از این، دکتر همایون سامه‌یخ (رئیس انجمن کلیمیان تهران)، ایلن میشاعلیان (مسئول کمیته علمی آموزشی) و موسی ثانی (خزانه‌دار) در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۹۹، با حضور در محل مجتمع آموزشی اتفاق، با مدیر جدید مجتمع آموزشی اتفاق دیدار و گفتگو کرده بودند.

انجمن کلیمیان تهران امیدوار است با توجه به تجربیات ارزشمند مدیر جدید و شکل‌گیری تعامل سازنده، شاهد ارتقای سطح علمی، آموزشی و پرورشی این مجتمع پرافتخار و پرسابقه باشیم.

### کسب رتبه منتخب استان در دومین جشنواره درس پژوهی دوره دوم متوسطه توسط دبیر کلیمی

به نقل از سایت وزارت آموزش و پرورش، بهاره لویان دبیر کلیمی درس ریاضی مجتمع آموزشی اتفاق، در مرحله استانی دومین جشنواره درس پژوهی دوره دوم متوسطه، موفق به کسب رتبه منتخب استان گردید. شایان ذکر است این دبیر افتخار آفرین کلیمی، از میان ۵۷ دبیر شرکت کننده از ۱۹ منطقه، موفق به کسب رتبه منتخب استان شده است.

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران کسب این موفقیت بزرگ را به دبیر افتخار آفرین و کلیه آموزگاران ارزشمند جامعه، تبریک و شادباش می‌گوید.

### اعلام انزجار از عمل موهن نشریه شارلی ابدو

اقدام موهن و نابخردانه نشریه فرانسوی «شارلی ابدو» در توهین دوباره به مقدسات برادران مسلمان، یکبار دیگر نشان داد که دشمنان توحید، مجدداً ارزش والای آزادی بیان را دستمایه اهداف شوم خود قرار داده و به خیال خام خود بر طبل نفاق و دودستگی بین پیروان ادیان توحیدی می‌کوبند.

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران ضمن ابراز انزجار خود از هر گونه بی‌احترامی به مقدسات مومنین، امیدوار است جهان و جهانیان با تکیه بر ارزش‌های مشترک انسانی و آموزه‌های جاودان الهی، هر چه زودتر شاهد احترام متقابل بین همه ادیان و مذاهب و صلح و دوستی مابین ابنای بشر باشد.

### بازدید از مراکز آموزشی به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید آموزشی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ و بازگشایی مدارس، ایلن میشاعلیان و شرلین سیمانیان (مسئول و عضو کمیته علمی-آموزشی) از چند مدرسه اختصاصی کلیمیان دیدار کردند. مجتمع‌های آموزشی روحی‌شاد، اتفاق و دبستان و دبیرستان موسی بن عمران مراکزی بودند که مورد بازدید قرار گرفتند. سخنرانی و صحبت با مسئولین مدارس و اولیای دانش‌آموزان، از جمله فعالیت‌های صورت گرفته در این بازدیدها بودند.

### دیدار با دکتر حاجی میرزایی، وزیر محترم آموزش و پرورش

ساختمان وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، دهه دوم شهریور ماه، شاهد برگزاری جلسه مشترک مابین دکتر همایون سامه‌یخ (نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی و رئیس انجمن کلیمیان تهران) و ایلن میشاعلیان

(مسئول کمیته علمی-آموزشی انجمن کلیمیان) با دکتر حاجی میرزایی، وزیر محترم آموزش و پرورش بود. در این نشست، نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی ضمن قدردانی از حمایت‌های وزارت آموزش و پرورش از مدارس خاص کلیمی که خود نشانگر توجه به حقوق اقلیت‌های دینی در ایران است، به خاطره خوش کلیمیان از این وزارتخانه در خصوص تعطیلی روز مقدس شبات اشاره کرد. پس از ارائه گزارشی در مورد برخی از مسائل موجود مدارس کلیمی توسط مسئول کمیته علمی آموزشی انجمن کلیمیان، دکتر حاجی میرزایی از مساعدت و پیگیری امور و ارائه برخی تسهیلات در این خصوص خبر داد.

### بازدید مقامات ارشد وزارت آموزش و پرورش از مجتمع‌های آموزشی روحی‌شاد و فخردانش

به دنبال ملاقات نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی و مسئول کمیته علمی-آموزشی انجمن کلیمیان با وزیر محترم آموزش و پرورش، تنی چند از مقامات ارشد این وزارتخانه در آخرین روز از شهریور ماه ۱۳۹۹، از مجتمع‌های آموزشی روحی‌شاد و فخردانش بازدید نمودند.

دکتر احمدی لاشکی (معاون پارلمانی وزارتخانه)، دکتر رخشانی‌مهر (معاون وزیر و رئیس سازمان نوسازی مدارس کشور)، دکتر فولادوند (مدیرکل آموزش و پرورش استان تهران) و دکتر شامنصوری (رئیس آموزش و پرورش منطقه ۱۲ تهران) از جمله چهره‌هایی بودند که در این بازدید شرکت داشتند.

مسئولین وزارت آموزش و پرورش در این بازدید که حدود ۵ ساعت به درازا انجامید، پس از دریافت اظهارنظرهای نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی، مدیران و نمایندگان و فعالین اجتماعی انجمن کلیمیان تهران، مسائل مربوط به تمامی مدارس کلیمیان را به صورت دقیق بررسی کرده و از مساعدت‌های لازم در این خصوص خبر دادند.

ایلن میشاعلیان (مسئول کمیته علمی-آموزشی)، هرصل گلشیرازی (عضو هیات مدیره انجمن کلیمیان)، بهادر میکائیل و امید شایان مهر (از اعضای کمیته علمی-آموزشی) به همراه مدیران، اعضای انجمن اولیا و مربیان، دبیران و برخی از اولیای دانش‌آموزان از جمله افراد دیگر حاضر در این بازدید بودند.

در ادامه تصاویر مربوطه تقدیم شما خوبان می‌شود.

### ابراز تسلیت در خصوص درگذشت جانگداز شادروان جهانگیر نیسانی

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران با اندوه فراوان و تاسف لایتناهی، درگذشت مرحوم جهانگیر نیسانی، ابوی محترم سهیل نیسانی (بازرس انجمن کلیمیان تهران، عضو ستاد خیریه کورش و فعال اجتماعی) را به فرزند، بازماندگان و جامعه کلیمیان تسلیت گفته و با قلبی شکسته و دردمند، برای نیشاما و روح آن مرحوم از قادر مطلق، علو درجات را خواستار است.

بی‌تردید روح آن مرحوم نیکوکار، بابت تربیت فرزند و فرزندانی که بخش عظیمی از زمان و انرژی خود را بدون داشتن هرگونه چشم‌داشت، معطوف به کارهای عام‌المنفعه، خیرخواهانه و ایثار به هم‌نوعان نموده‌اند، قرین رحمت الهی خواهد بود.

هیات مدیره انجمن کلیمیان ضمن سپاس‌گزاری از کلیه زحمات فرزند نیکوکار ایشان، برای آن مرحوم رحمت الهی و برای بازماندگان محترم، صبر جمیل آرزومند است.

### ابراز تسلیت در خصوص درگذشت جانگداز مادر محترم آقای فرید یاشار

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران با اندوه فراوان و تاسف لایتناهی، درگذشت مادر آقای فرید یاشار (بازرس انجمن

کلیمیان تهران و فعال اجتماعی) و همسر شادروان جلال یاشار (از خدمتگزاران جامعه) را به فرزند، بازماندگان و جامعه کلیمیان تسلیت گفته و با قلبی شکسته و دردمند، برای نیشاما و روح آن مرحوم از قادر مطلق، علو درجات را خواستار است. نام خانوادگی «یاشار» سال‌هاست که به نیکی با خدمتگزاری به جامعه کلیمیان پیوند خورده است. بی‌تردید روح آن مرحوم نیکوکار، بابت تربیت فرزندی که بخش عظیمی از زمان و انرژی خود را بدون داشتن هرگونه چشم‌داشت، فروتنانه و به دور از هرگونه تکبر، معطوف به کارهای عام‌المنفعه، خیرخواهانه و ایثار به هموعیان نموده، قرین رحمت الهی خواهد بود. هیات مدیره انجمن کلیمیان ضمن سپاس‌گزاری از کلیه زحمات فرزند نیکوکار ایشان، برای آن مرحوم رحمت الهی و برای بازماندگان محترم، صبر جمیل آرزومند است.

### افتخار آفرینی هنرمند جوان کلیمی در جشنواره ملی موسیقی جوان

«شَلِّمُوْ عَاقِلِیَان» هنرمند برجسته و جوان کلیمی، موفق به کسب مقام سوم در بخش موسیقی دستگاهی ایران چهاردهمین جشنواره ملی موسیقی جوان شد. چهاردهمین جشنواره ملی موسیقی جوان با مشارکت گسترده استادان موسیقی کشور، توسط انجمن موسیقی ایران، با همکاری بنیاد رودکی و با حمایت دفتر موسیقی و معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سه بخش «موسیقی دستگاهی ایران»، «موسیقی کلاسیک» و «موسیقی نواحی ایران» برگزار شده است. روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران با کمال مسرت، کسب این افتخار را به هنرمند باخلاق، بااستعداد و محبوب جامعه کلیمیان اصفهان و ایران تبریک می‌گوید.

### تشکر و قدردانی هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران

#### و هیات امنای سرای سالمندان یهودی از خیرین نیکوکار

هیات مدیره انجمن کلیمیان تهران و هیات امنای سرای سالمندان یهودی از کلیه خیرین همکیش در داخل و خارج از کشور و نیکوکاران غیر یهودی که در این چند دهه همواره پشتیبان این نهاد بوده‌اند تشکر و سپاس‌گزاری می‌نماید. بدیهی است بدون یاری و حمایت‌های مالی و معنوی شما عزیزان که در تمام شرایط و لحظات علی‌الخصوص در این شرایط بحرانی همه‌گیری ویروس منحوس کوید ۱۹ استمرار داشته است، ادامه فعالیت این نهاد خیریه بسیار سخت و حتی غیر ممکن می‌شد. از همکاری‌های صمیمانه و خیرخواهانه شما نیکوکاران بسیار سپاس‌گزاریم و امیدواریم که این حمایت‌های مادی و معنوی شما از سرای سالمندان یهودی همچنان مستدام باشد. برای یکایک شما بزرگواران و خانواده‌های محترم شما سلامت، سعادت، برکت و موفقیت از درگاه پروردگار خواستاریم.

### ابراز تسلیت در خصوص درگذشت جانگداز شادروان جهانگیر مره‌صدق

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران با اندوه فراوان، درگذشت مرحوم جهانگیر مره‌صدق را به جامعه کلیمیان، بازماندگان محترم و به خصوص فرزند ارجمند ایشان، دکتر سیامک مره‌صدق (نماینده سابق سه دوره کلیمیان ایران در مجلس شورای اسلامی) تسلیت گفته و با قلبی متاثر و دردمند، برای نیشاما و روح آن مرحوم از قادر مطلق، علو درجات را خواستار است.

بی‌تردید روح آن مرحوم، اکنون قرین رحمت الهی خواهد بود.

### عرضه گوشت کاشر قرمز توسط انجمن کلیمیان تهران

احتراما به اطلاع می‌رساند به همت کمیته کشتوروت انجمن کلیمیان تهران، در جهت رفاه هر چه بیشتر همکیشان ارجمند و کنترل قیمت گوشت، انجمن کلیمیان تهران مبادرت به عرضه گوشت قرمز کاشر با نظارت بت‌دین، به صورت بسته‌بندی کاملاً بهداشتی و آماده به طبخ نموده است.

افراد متقاضی خرید می‌توانند جهت ثبت‌نام هر روز به غیر از شبات (شنبه‌ها)، از ساعت ۱۰ الی ۱۷ با شماره تلفن ۰۹۳۸۱۷۰۷۵۳۳ تماس حاصل نمایند.

لازم به ذکر است به علت محدودیت مقدار عرضه، اولویت با افرادی است که زودتر ثبت‌نام کرده باشند.

### ابراز تسلیت درگذشت شادروان هارون سعید

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران با قلبی اندوهگین، درگذشت مرحوم هارون سعید را به بازماندگان محترم به خصوص خانم‌ها لیورا و المیرا سعید، از اعضای گروه نشریه افق بینا تسلیت گفته و از قادر مطلق برای نِشاما و روح آن شادروان، علو درجات را خواستار است.

### برگزاری برنامه‌ها و دوره‌های متنوع تخصصی توسط کمیته ورزش انجمن کلیمیان تهران

کمیته ورزش انجمن کلیمیان تهران با توجه به پاندمی کرونا، عدم تحرک خانواده‌ها، شیوع چاقی و افزایش چربی خون در میان افراد جامعه، با بهره‌گیری از مشاوران مجرب و کارآموده، قصد برگزاری برنامه‌های تخصصی و ویژه به شرح ذیل دارد:

- \* کاهش وزن در بزرگسالان براساس جدیدترین روش‌های علمی
  - \* کاهش سایز کمر و دور لگن
  - \* برنامه‌های کاهش وزن ویژه کودکان و نوجوانان با درنظر گرفتن ملاحظات رشدی
  - \* برنامه بدنسازی ویژه نوجوانان دختر و پسر
  - \* ارائه برنامه‌های تناسب اندام
  - \* برنامه‌های ویژه کاهش چربی‌های خون (پروفایل لیپیدی: LDL, HDL, TG, TC)
  - \* برنامه ویژه کاهش چربی کبد درافراد دارای کبد چرب
  - \* توصیه‌های تغذیه‌ای در راستای کاهش وزن
  - \* برنامه‌های ویژه افزایش وزن و تناسب اندام درافراد لاغر
  - \* برنامه ویژه افراد سالمند و دیابتی
  - \* برنامه‌های ویژه ورزشکاران رشته‌های مختلف در راستای بهبود آمادگی جسمانی و عملکرد بدنی
  - \* برنامه‌های ویژه اصلاح ناهنجاری‌های بدنی (قوز یا کایفوز سینه‌ای و گودی کمر یا لوردوز)
  - \* ارزیابی و استعدادیابی مختلف ورزشی نوجوانان دختر و پسر براساس استانداردهای استعدادیابی.
- خاطر نشان می‌سازد تمامی برنامه‌ها به صورت تخصصی و همراه با مشاوره، زیر نظر متخصص فیزیولوژی ورزشی و با رعایت پروتکل‌های بهداشتی انجام می‌گردد.
- جلسه اول شامل ارزیابی و تجویز برنامه مقدماتی و آشنایی با حرکات می‌باشد.



با عنایت به محدود بودن ظرفیت پذیرش، علاقمندان می‌توانند جهت تعیین وقت مشاوره با شماره تلفن ۰۹۱۸۸۴۳۵۱۹۰ (آقای بیگی) تماس حاصل نمایند.  
محل جلسه مشاوره، سالن ورزشی شادروان ژانت کهن صدق در ساختمان سرابندی (یوسف‌آباد) می‌باشد.

### ابراز تسلیت در خصوص درگذشت شادروان بنیامین الفامیدی

روابط عمومی انجمن کلیمیان تهران با قلبی اندوهگین، درگذشت مرحوم بنیامین الفامیدی را به خانواده و بازماندگان محترم تسلیت گفته و از قادر مطلق برای نِشاما و روح آن شادروان، علو درجات را خواستار است.

### موفقیت درخشان هیلیت نقره‌تیان در کاراته

هیلیت نقره‌تیان صدر هیئت رئیسه کیو کوشین کاراته ایران موفق به کسب کمر بند مشکی دان ۳ شد. ضمن تبریک به خانم نقره‌تیان موفقیت روزافزون ایشان را از خداوند متعال خواهانیم.



### مراسم گردهمایی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با حضور پیروان ادیان توحیدی برگزار شد



به مناسبت چهل و دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ظهر روز دوشنبه ۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۹ مراسم گردهمایی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با پیروان ادیان توحیدی در ساختمان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد.

در این مراسم دکتر همایون سامه‌یج نجف‌آبادی رئیس انجمن و نماینده‌ی مجلس و جناب حاخام یونس حمامی لاله‌زار رهبر دینی کلیمیان حضور داشتند.

## پانزدهمین مراسم عطرافشانی و گلباران مزار شهدای ادیان توحیدی برگزار شد



پانزدهمین مراسم عطرافشانی مزار شهدای ادیان توحیدی به صورت محدود و با رعایت پروتکل‌های بهداشتی، روز پنجشنبه ۱۶ بهمن ماه ۱۳۹۹ در آرامستان کلیمیان تهران (بهشتیه) برگزار شد. در این مراسم مسئولان کشوری و مقامات مذهبی ادیان توحیدی (آشوری، ارمنی، زرتشتی و کلیمی) حضور داشتند. معاون فرهنگی و آموزشی بنیاد شهید سردار یعقوب سلیمانی در این مراسم گفت: شهدای ادیان توحیدی نقش مهمی در انقلاب و دفاع مقدس دارند و باید قدردان آن باشیم. این برنامه‌ها همه ساله، با هدف گرمیادداشت ایثار و از خودگذشتگی شهدا برگزار می‌شود. در پایان با اهدای لوح تقدیر از خانواده شهدای ادیان توحیدی تقدیر شد.

## برگزاری مراسم یادبود شهدای ارمنی در اصفهان با حضور پیروان ادیان الهی



مراسم یادبود و غبارروبی یادمان شهدای ارامنه اصفهان به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، پنجشنبه ۱۶ بهمن ماه با حضور نمایندگان ادیان توحیدی کلیمیان و زرتشتیان و آشوریان در آرامگاه ارمنیان اصفهان برگزار گردید. در این مراسم بیژن خاکشور عضو هیئت مدیره انجمن کلیمیان اصفهان شرکت داشت.

## پیروان ادیان توحیدی شیراز با آرمان‌های شهدا تجدید پیمان کردند

نمایندگان کلیمیان، ارمنیان و زرتشتیان ساکن شیراز عصر پنجشنبه ۱۶ بهمن ماه ۱۳۹۹ در آیین پاسداشت مقام شهدا و خانواده ایثارگران شرکت کردند. در این مراسم که در گلزار شهدای گمنام در تنگه الله اکبر شیراز برگزار شد امیر سالاری رئیس انجمن کلیمیان شیراز حضور داشت.

## برگزاری جشن صبر و شکر ادیان در کنیسه‌ای حییم تهران

به مناسبت دهه مبارک فجر سه‌شنبه ۲۱ بهمن ۱۳۹۹، معاونت فرهنگی اجتماعی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با همکاری مشاور دینی در کنیسه‌ای حییم با حضور بزرگان و نمایندگان ادیان توحیدی اقدام به برگزاری جشن شکرگزاری نمودند.

در این مراسم، دعا به روح پرفتوح حضرت امام خمینی (س)، همه‌ی شهدا و شکرگزاری و طلب شفا برای همه‌ی بیماران از جمله موارد مورد تاکید در این مراسم عبادی بود. ■



وجود یک آسیاب چکشی (بدون دخالت آب و نمدار کردن گندم برای آسیاب کردن) است که کل گندم (هم دانه و هم سبوس) توسط این آسیاب تبدیل به آرد با صد در صد سبوس می‌شود و در گونی‌های مخصوص تحت نظارت ناظران کثروت بسته‌بندی می‌شود و در ادامه توسط ماشین مخصوص حمل آرد از اصفهان به تهران توسط یکی از ناظران کثروت به انبار مصاپزی واقع در سرای سالمندان انتقال می‌یابد.

**قسمت اصلی از این جا شروع می‌شود و پخت مصا آغاز می‌گردد.**



## گزارشی از روند تولید مصا

موسی ثانی

عضو هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران

در این مقاله سعی دارم شما را با روند پخت مصا که شاید برای بعضی از عزیزان خیلی راحت باشد آشنا کنم، تا همگی شما همکیشان عزیز بیشتر آشنا شوید.

اولین مرحله انتخاب گندم است. پس از بررسی نوع گندم و میزان رطوبت و گلوتن موجود در بافت گندم، آن گندمی که بهتر است انتخاب و خریداری می‌شود. لازم به ذکر است در طی ۲ سال گذشته این گندم از استان خوزستان انتخاب شده که این گندم خود متشکل از گندم کشت شده در پنج شهر دیگر ایران عزیز است. پس از خریداری گندم آن را در ماشین‌های مخصوص حمل گندم که از دو لایه برزنت ضد آب پوشیده شده نگهداری می‌کنند، سپس به شهر اصفهان انتقال می‌یابد. لازم به ذکر است قبل از این فرآیند برای آسیاب شدن استعمال هواشناسی مبنی بر عدم بارش باران و برف صورت می‌گیرد. پس از انتقال گندم به انبار مخصوصی که چند روز قبل توسط چندی از همکیشان عزیزمان در شهر اصفهان مورد بررسی و نظافت‌های لازمه قرار گرفته مدت چند روز در آن مکان می‌ماند تا فرآیند آسیاب آن توسط همکیشان عزیزمان با لطف و همکاری مسئول آسیاب انجام گیرد.

لازم می‌دانم علت خرید گندم از استان جنوبی کشورمان را بیان کنم.

گندم کشت شده در این شهر به علت جو آب و هوایی منطقه بهترین گندم است که به صورت کشت دیم و دارای گلوتن بالا می‌باشد.

علت انتخاب شهر اصفهان برای آسیاب کردن گندم‌ها



می‌باشد چرا که احتیاج به تمرکز برای همگام‌سازی تمامی قسمت‌های مصاپزی را دارد و تازه پس از گذشت چندین ماه از ابتدای آبان ماه پخت شروع می‌شود.

ابتدا آردها توسط دستگاه الک برقی، دوباره الک شده و سپس درون مخزنی بسته و پوشیده ریخته می‌شود. سپس از مخزن آردهای الک شده، آردها توسط ظروف مخصوص در بسته از اتاق آرد وزن‌گیری شده و به اتاق خمیرگیری در آن سوی سایت مصاپزی توسط نوار نقاله‌ای که دور تا دور آن بسته است به اتاق خمیرگیری انتقال یافته و سپس توسط مسئول اتاق خمیرگیری درون میکسرهای اسپیرال ریخته شده و به آن آبی که از یک روز قبل در یک مخزن مخصوص که توسط سیستم خنک کننده به دمای ۵ درجه سانتی‌گراد رسیده است اضافه می‌گردد (بدون هیچ‌گونه مواد افزودنی فقط آرد و آب) و در مدت ۹-۴ دقیقه آماده می‌شود و بعد از آماده شدن به قسمت



ورزدهی که در سوی دیگر مصاپزی می‌باشد انتقال می‌یابد. لازم می‌دانم که بگویم تمامی اتاق‌های آرد و خمیرگیری از قسمت‌های دیگر مجزا است و این لازمه کار است.

پس از ورز خوردن، خمیر آماده برای پهن شدن بر روی دستگاهی خاص که تمامی سیستم آن توسط خودمان آماده‌سازی شده و از سیستم کارخانه سازنده خارج شده است پهن می‌شود و در زمان مجاز به داخل تنور می‌رود.

بعد از پخته شدن مصاها توسط نوار نقاله‌ای زیر شش فن قوی خنک می‌شود و برای بدیقا از حاص روانه می‌شود و توسط چهار و بعضی زمان‌ها شش نفر از ناظرین مورد بررسی قرار می‌گیرد که شرایط داخل کارتن رفتن را داشته باشد شاید بارها این سؤال برای شما پیش آمده باشد که چرا مصاها بریده شده‌اند یا سوراخ دارند یا اشکال خاصی دارند یا کوچک و خرد شده هستند، علت این امر بدیقا (کنترل کردن شرعی) می‌باشد قسمت‌هایی که مورد شرعی دارد از دور خارج شده و مصا به اشکال بالا تبدیل می‌شود.

در ادامه پس از بدیقا شدن مصا بر روی نوار نقاله‌ای به طول شانزده متر خشک و خنک می‌شود و برای چیدن در کارتن و وزن شدن روانه می‌شود و سپس به انبار خاصی که

در اولین روز کاری سایت مصاپزی پس از چند هفته فعالیت اکیپ فنی، دستگاه‌ها سرویس می‌شود و مورد بررسی قرار می‌گیرد تا سطح کیفی ارتقا یابد. کل ساختمان مصاپزی نظافت، بدیقا و هگعلا می‌شود و در زمان دیگر آرد گندم مورد بررسی قرار می‌گیرد تا میزان آب لازمه جهت خمیر شدن آن به دست آید.

لازم است بگویم کل زمان یعنی از اضافه کردن آب به آرد در اتاق خمیرگیری تا آخرین گرم خمیر که بر روی تنور مصاپزی پهن می‌شود حداکثر ۲۲ دقیقه است. این روند فوق‌العاده سخت و دشواری است که خمیر در زمان مجاز از لحاظ شرعی به پخت مناسب برسد و همیشه یکی از دغدغه‌های تمام پرسنل مصاپزی و به خصوص ناظرین کشور است که کاشرتترین مصا در اختیار تمام همکیشان کشور عزیزمان قرار گیرد.

بعد از پهن شدن خمیر در مدت ذکر شده، باید تمامی دستگاه‌هایی که با این خمیر درگیری داشته از میکسر قسمت خمیرگیری، میکسر قسمت ورز، دستگاه پهن‌کن، لباس پرسنل مربوطه شسته و تعویض گردد و بعد از آن تمامی دستگاه‌های فوق دوباره و چند باره توسط ناظرین کشور بدیقا گردد که عاری از خمیر به جا مانده از پخت قبل باشد. (دوباره لازم می‌دانم بگویم که کل زمان شستشو و مصاپزی جلوی تنور همیشه گرم و سوزان فردی مسئول کنترل دماهای تنور، سرعت دستگاه پهن‌کن و سرعت تنور و کاتر (برای قیچی کردن مصا) است که امری دشوار و سخت



## ابلاغ قانون ممنوعیت توهین به اقلیت‌ها

در آذر ماه سال ۱۳۹۷ نمایندگان مجلس شورای اسلامی یک فوریت طرحی را به تصویب رساندند که بر اساس آن، مجازات سه سال حبس برای توهین‌کنندگان به اقوام ایرانی و مذاهب قانونی تعیین شد. این طرح به امضای ۸۲ نفر از نمایندگان رسیده بود.

بر اساس این طرح، هرکس علناً نسبت به ادیان و مذاهب قانونی و مقدسات مسلم آنها، اقوام ایرانی و فرهنگ، زبان، آداب و رسوم مشروع قانونی آنها توهین نماید، حسب مورد به سه ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شود. این طرح همچنین مجازات‌هایی را در مورد انتشار تصاویر یا مطالب اهانت‌آمیز به قومیت‌ها و مذاهب در رسانه‌های مکتوب، در سخنرانی‌های عمومی یا رسانه‌های صوتی و تصویری، انتشار عکس، کاریکاتور تعیین کرده است.

قانون فوق مشتمل بر دو ماده در جلسه علنی ۲۴ دی ۱۳۹۹ تصویب شد و در تاریخ ۱۵ بهمن ۹۹ به تأیید شورای نگهبان رسید. محمد باقر قالیباف، رئیس مجلس، در تاریخ ۲۷ بهمن ۱۳۹۹ آن را طی نامه‌ی شماره‌ی ۳۰/۹۴۶۹۷ به ریاست جمهوری ابلاغ نمود.

متن این مصوبه به شرح زیر است:

### قانون الحاق دو ماده به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده)

ماده ۱- یک ماده به شرح زیر به عنوان ماده (۴۹۹ مکرر) به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۲/۳/۱۳۷۵ الحاق می‌شود:

«ماده ۴۹۹ مکرر- هر کس با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن به قومیت‌های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی توهین نماید، چنانچه مشمول حد نباشد و منجر به خشونت یا تنش شده باشد به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از آن دو محکوم و در غیر این صورت به حبس و جزای نقدی درجه شش یا یکی از آن دو محکوم می‌شود.»

دارای هواکش‌های قدرتمند مجهز می‌باشد منتقل و به مدت سه روز نگهداری می‌شود.

لازم می‌دانم از کلیه افرادی که خالصانه در این زمان و با وجود این ویروس خطرناک، از جان و دل برای پخت مصافحیت کردند تشکر کنم و همچنین از خانواده‌های این عزیزان که اجازه همکاری و انجام این میصوای بزرگ جماعتی را داده‌اند سپاسگزارم.



شاید اگر بخواهم تمام عزیزانی را که در این امر انجمن کلیمیان تهران را یاری کرده‌اند نام ببرم چندین صفحه شود و ذهن حقیر یاری نکند پس در همین لحظه از تمامی این افراد تشکر می‌کنم عزیزانی که در هر زمان به یاری ما آمدند و شبانه‌روز در کنار ما بودند.

عزیزانی که امسال انجمن کلیمیان را یاری کرده‌اند:

خلیل محبتی، فرید مبصر، یورام نیکوفر، مایکل یعقوبیان، شاهین سلیمانی، رایان گیدانیان، دانیل میرزاده، پرهام الیاسی، داوید برادریان، یوناتان برادریان (به اصطلاح خودمان یوناتان برادریان تهران و یوناتان برادریان اصفهان) روبن بابائیان، داوید گیدانیان، اسحاق میرآخور، ایتان مسیح اسرائیل، دانیل رفوآ، پویا تیشبی، کوشا تهرانی، افشین نیکجو، شهرام بنیامینی، شموئل ملکان، شهرزاد کامرواپور، غزاله بهره‌مند، شیرین بنیامینی، مهسا بهره‌مند، ندا بهره‌مند، لیدا شایان‌مهر، رونیتا سخایی و دانیلا یوم‌طوبیان. مدیریت و پرسنل سرای سالمندان یهودی. ■

الوهیت، نبوت یا امامت و یا ارتباط با پیامبران یا ائمه اطهار (علیهم السلام)

تبصره ۱- تأمین مالی و یا هر نوع حمایت مادی دیگر از گروه های موضوع این ماده با آگاهی از ماهیت آنها موجب محکومیت به حبس درجه پنج و جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر ارزش کمک های مالی و حمایت های مادی ارائه شده می باشد. چنانچه مرتکب شخص حقوقی باشد به انحلال و پرداخت جزای نقدی مذکور محکوم می گردد.

تبصره ۲- ارتباط گروه های موضوع این ماده با خارج از کشور برای دریافت حمایت یا هدایت های تشکیلاتی موجب تشدید مجازات مقرر به میزان یک درجه می گردد.

تبصره ۳- اموال سردرسته ها و اشخاص تأمین کننده مالی گروه های موضوع این ماده که ناشی از جرم بوده یا برای ارتکاب جرم استفاده یا به این منظور تهیه شده باشد و اموال متعلق به گروه های مزبور به نفع بیت المال مصادره می گردد.

در صورتی که مشخص شود اموال متعلق به دیگری بوده یا دیگری نسبت به آن صاحب حق باشد و آن اموال به منظور انجام افعال مجرمانه در اختیار اشخاص و گروه های مذکور قرار نگرفته باشد، اموال مزبور به مالک یا صاحب حق مسترد و مرتکب معادل ارزش آن به جزای نقدی محکوم می شود، و یا چنانچه مشخص شود مجرم نسبت به دیگری دین حال دارد و اموال استفاده شده در ارتکاب جرم یا تهیه شده به منظور ارتکاب جرم، متعلق به خود او است و ناشی از جرم نیست، اموال وی معادل ارزش دین حال به طلبکار یا طلبکاران مسترد و مجرم معادل ارزش اموال مسترد شده به جزای نقدی محکوم می شود.

تبصره ۴- امور آموزشی و پژوهشی و سایر اقدامات مشابه به منظور رد و طرد و پاسخگویی به شبهات و نقد عقاید گروه های موضوع این ماده از شمول حکم این ماده و ماده (۴۹۹ مکرر) این قانون خارج است. ■

تبصره ۱- منظور از توهین موارد مندرج در «قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزائی مواد (۵۱۳)، (۵۱۴)، (۶۰۸) و (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و بندهای (۷) و (۸) ماده (۶) و مواد (۲۶) و (۲۷) قانون مطبوعات مصوب ۴/۱۰/۱۳۷۹» می باشد.

تبصره ۲- چنانچه جرم موضوع این ماده در قالب گروه مجرمانه سازمان یافته ارتکاب یابد و یا از سوی مأموران یا مستخدمان دولتی یا عمومی در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن واقع شود و یا از طریق نطق در مجامع عمومی یا با استفاده از ابزارهای ارتباط جمعی در فضای واقعی یا مجازی منتشر شود، مجازات مقرر به میزان یک درجه تشدید می شود.

ماده ۲- یک ماده به شرح زیر به عنوان ماده (۵۰۰ مکرر) به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) مصوب ۲/۳/۱۳۷۵ الحاق می شود: ماده ۵۰۰ مکرر- هر کس در قالب فرقه، گروه، جمعیت یا مانند آن و استفاده از شیوه های کنترل ذهن و القائات روانی در فضای واقعی یا مجازی مرتکب اقدامات زیر گردد، چنانچه رفتار وی مشمول حد نباشد، به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از این دو مجازات و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج محکوم می گردد. مجازات سردستگی فرقه یا گروه مزبور مطابق با ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۱۳۹۲ تعیین می شود:

هر اقدامی که موجب تسلط روانی یا جسمی بر دیگری شود به نحوی که فرد مورد بهره کشی و سوء استفاده جنسی، جسمی یا مالی واقع شود و یا در اثر آسیب رسانی به قدرت تصمیم گیری فرد و تشویق وی به ارتکاب جرائمی از قبیل اعمال منافی عفت، مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و یا مواد روان گردان، خودآزاری یا دیگر زنی، فرد مرتکب این اقدامات گردد.

هرگونه فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل به شرع مقدس اسلام از طرقی مانند طرح ادعاهای واهی و کذب در حوزه های دینی و مذهبی از قبیل ادعای





پانزدهمین مراسم عطر افشانی و گلباران مزار شهدای ادیان توحیدی - آرامستان کلیمیان تهران (بهشتیه) - ۱۶ بهمن ۱۳۹۹



مراسم گردهمایی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با پیروان ادیان توحیدی - ساختمان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - ۱۳ بهمن ماه ۱۳۹۹



برگزاری مراسم شکرگزاری (جشن صبر و شکر) پیروان ادیان توحیدی در کنیسیای حییم تهران - ۲۱ بهمن ۱۳۹۹



دوره راهنمایی و دبستان اتحاد زنگریان



مراسم جشن پایان سال تحصیلی ۵۴-۱۳۵۳ دانش آموزان مدرسه ی اتحاد نو  
در کنسای زنگریان با حضور شادروان عبدالله زنگریان